

۱ - سخن فصل

مقالات

۲ - مدیریت و رهبری عرفانی يك جامعه‌ی دانشگاهی

شهرام تقی‌زاده انصاری

۳ - دیدگاه‌های اساتید درباب جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و راهکارهای تحقق آن پاییز ۱۳۸۴

نقیب السادات

۴ - بررسی دیدگاه‌های اساتید و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، شیراز و زرقان در خصوص ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان

رضا زارعی

۵ - بررسی فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران (با رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی)

دکتر کریم خان محمدی

نمایه

سخن فصل

دانشگاه و مدیریت معنوی

شاخص بارز تفکر اسلامی را می‌توان خدامحوری دانست. اگر از این منظر دانشگاه اسلامی را مدنظر قرار دهیم، تمامی امور می‌بایست در ارتباط و با محوریت خداوند باشد. در متون اسلامی، اساس علم و دانش، شناخت خداوند و تقویض امور به او معرفی شده است. در سننّت اسلامی، علم با یاد و با نام خداوند آغاز می‌شود و سرانجام دانش نیز به وی ختم می‌شود. بدین جهت است که در روایات اسلامی تأکید شده است که تمامی امور با نام‌خداوند آغاز شود. حضرت علی (ع) حدیثی قدسی را از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده‌اند که در آن خداوند متعال فرموده است: «کل امر ذی بال لم یذكر فیه بسم الله فهو ابتر؛ هر امر نیکی که با نام خداوند آغاز نشود، ناتمام و ناقص خواهد بود». در حدیث فوق، محوریت خداوند تنها در ذکر لسانی {P} . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵. {P}

خلاصه نمی‌شود و ضرورت دارد تا یاد خداوند در تمامی مراحل فعالیت انسانی، از جمله فعالیت‌های علمی وی تداوم داشته باشد. چنین تداومی موجب اطمینان، امنیت و آرامش انسان‌هاست. محوریت خداوند در اندیشه و عمل جامعه‌ی اسلامی، آن را از نگرش عرفی گرای مدرن متمایز نموده و بر آن غالب می‌سازد. انسان مدرن با محور قرار دادن اراده‌ی بشری، خود را از عالم قدسی بریده و اسیر امور این جهانی ساخته است. به تبع چنین رویکردی در جهان غرب، دانش و دانشگاه مدرن غربی نیز بر محوریت اراده‌ی بشری مبتنی گشته است. از این حیث شاخصه‌ی دانشگاه مدرن غربی را می‌توان تلاش برای پیگیری و تأمین امیال و آرزوهای انسان خاکی دانست. چنین دانشگاهی صرفاً با نگرش انسان محورانه حتی به مطالعه‌ی اموری چون الهیات و فلسفه دست می‌یازد. دین و حقایق علوی در اسارت و محدودیت بشر این جهانی در می‌آید و در وضعیتی قرار می‌گیرد که عقل، فهم و اراده‌ی بشری بر اراده‌ی دینی فائق می‌آید. چنین رویکردی در مراکز علمی جهان اسلام سابقه نداشته است و تحت تأثیر تهاجم غربی وارد فضاهاى علمی جهان اسلام گردیده است.

در تعاریف و نگرش‌های نظریه‌پردازان اسلامی سازی دانشگاه نیز محوریت اراده‌ی الهی مورد توجه جدی قرار داشته است. دانشگاه اسلامی از این منظر، دانشگاهی است که در آن با رویکردی عالمانه و محققانه، جهان خلقت مورد مطالعه قرار گرفته و با اذعان به تجلی الهی در آفاق هستی، محوریت توحید برجسته می‌گردد. امام خمینی (ره) به عنوان بزرگترین و نخستین اندیشمند معاصر

و بنیانگذار اسلامی سازی دانشگاه در تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام، بر چنین محوریتی تأکید نموده‌اند.

ایشان می‌فرمایند:

«شما هم باید با اسم رب شروع کنید و با اسم رب ختم کنید. علامت خدا در همه چیز هست و باید ما استشعار کنیم اسم خدا، همه عالم اسم خداست.»

{P . صحیفه‌ی نور، ج ۷: ص ۲۲۴؛ تاریخ سخنرانی: ۱۳۵۸/۴/۷ . P}

اما تنها شاخص و وجه متمایز دانشگاه اسلامی را نمی‌توان در نوع نگرش به دین و جهان هستی خلاصه کرد. گاه علم، خود حجاب اکبر و بزرگ است. عرفای مسلمان در تحلیل موانع نیل به حق، به رغم تعظیم علم و عالمان؛ علم را نیز حجاب اکبر خوانده‌اند. این بدان جهت است که علم بلاعمل می‌باشد. دانستن و عمل نکردن و عدم التزام به لوازم علم، خود حجابی می‌شود که انسان را دچار غرور نموده و او را از رسیدن به حق باز می‌دارد. به تعبیر حضرت امام (ره)، حتی علم توحیدی که برای نمایش در محضر عوام یا علما باشد از نورانیت، عاری و بری است و غذایی است که با دست شیطان برای نفس اماره تهیه می‌شود و خود آن، انسان را از توحید بیرون می‌برد و به شرک نزدیک می‌سازد. بدین جهت است که در تفکر {P . ن، ک به: امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۰۵ . P}

اسلامی علوم بر دو قسیم علم مفید و علم غیر مفید تقسیم شده است. علامه حلی حدیثی را از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل کرده است، که فرمودند:

به خدا پناه می‌بریم از علمی که مفید نیست و آن علمی است که با عمل خالصانه در تضاد است. همانا علم اندک نیازمند عمل زیاد است، زیرا ساعتی علم آموختن مستلزم آن است که صاحب علم آن را در طول زندگی‌اش به کار بندد.

{P . العلامة الحلی، ارشاد الازدهان، تحقیق الشیخ فارس حسون، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه‌ی لجماعه المدرسین، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۵ . P}

از این رو می‌بایست شاخصه‌ی اصلی و بنیادین دانشگاه اسلامی را علم توحید محوری بدانیم که علاوه بر توجه به ارزش بنیادین علم توحید محور در آن، تهذیب و معنویت نیز در آن، محور باشد. دانشگاهی دانشگاه اسلامی خواهد بود که ثمره‌ی آن، تربیت و پرورش متخصصانی باشد که مهذب بوده و شایستگی هدایت و رهبری دیگران را نیز داشته باشند. مقایسه‌ی دانشگاه اسلامی را با دانشگاه غیر اسلامی می‌توان در کلام بنیانگذار اسلامی سازی دانشگاه‌ها، حضرت امام خمینی (ره)، یافت:

«آن کسی که مهذب نشده است و آن کسی که برای کشور خودش احساس نکرده که من برای این کشور هستم و از این کشور من استفاده کرده‌ام و استفاده‌ی علمی ام را باید به این کشور تحویل بدهم، اگر چنانچه این احساس نباشد و این باور نباشد، دانشگاه بدترین مرکزی است برای این که ما را به تباهی بکشد و اگر این احساس پیدا شود و این اساتید دانشگاه، آنهایی که متعهدند، آنهایی که توجه دارند، آنهایی که در زمان سابق برای این مملکت غصه می‌خوردند باید خودشان را مجهز کنند که این فرزندان ایران متعهد و در خدمت خود ایران باشند. اگر اینطور بشود، دانشگاه بالاترین مقامی است که کشور ما را به سعادت می‌رساند. دانشگاه دو راه دارد: راه جهنم و راه سعادت.»

{P . صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، ص ۲۱۰، تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۷ . P}

مدیریت و رهبری عرفانی يك جامعهی دانشگاهی
شهرام تقی‌زاده انصاری

چکیده

از آنجا که يك دانشگاه اسلامی، تمامی ویژگیهای يك جامعهی پویا و با ابعاد گوناگون را در حد خود داراست، لذا مدیریت چنین دانشگاهی، سمبلی از مدیریت بر جامعهای اسلامی است؛ بنابراین، این مقاله در صدد است تا نحوهی مدیریت بر يك جامعه را، از يك زاویهی دید ویژه، مورد بررسی قرار دهد؛ یعنی از نظر مدیریت عرفانی و انگیزش‌های روانی تعیین کنندهی افرادی که در لباس «دانشجو»، «استاد» به تلاش در حیات انسانی و علمی مشغول هستند. با ذکر این نکته که نگاه به مدیریت در این مقاله فراتر از سطح محدود و خاص بوده و هم طراز «رهبری» تلقی شده است، مقوله‌ای که استاد علامه جعفری از آن به «عرفان مثبت» یاد کرده‌اند؛ پس مقصود مقاله، بررسی مدیریت و رهبری تحت تأثیر عرفان مثبت است آنهم در برابر مدیریت و رهبری تحت تأثیر اهداف متداول و معمولی که در جامعه رواج داشته و رایج است.

در این مقاله به دو شرط اساسی مدیریت عرفانی پرداخته شده است؛ یکی آنکه هریک از اعضای مجموعهی تحت سرپرستی و مدیریت، هویتی مستقل دارند که پرورش آن می‌باید برای حیات عارفانه از حیاتی‌ترین وظایف مدیریت تلقی گردد و شخص مدیر با آگاهی کامل از منطق واقعی ادارهی جمعی انسان‌ها، به جای عضویت از مجموعهی تحت مدیریت قرار گیرد و دیگر آنکه آگاهی و تحصیل اطلاعات روزافزون دربارهی مدیریت مدنظر قرار گیرد، در این مقاله با اساسی‌ترین وظیفهی مدیر در جامعه (و جامعهی دانشگاهی) آشنا خواهیم شد.

واژگان کلیدی

جامعهی اسلامی، جامعهی دانشگاهی، مدیریت عرفانی و عرفان مثبت.

دانشگاه اسلامی به عنوان يك مرکز علمی انسانی، با صبغهی اجتماعی خویش، سمبلی از جامعهی اسلامی است. از این رو می‌توان آن را به مثابه يك جامعه، مورد تلقی و نگرش و پژوهش قرار داد.

با این لحاظ، مدیریت دانشگاه اسلامی - چه در سطح عادی و چه در سطح کلان - سمبلی از مدیریت بر جامعهای اسلامی است که تمام خصوصیات يك جامعهی پویا و با ابعاد متعدد را در حد خود داراست.

در این مقاله درصدد آنیم که مدیریت بر يك جامعه - لزوماً يك جامعهی علمی - را که بازگشت آن در وهلهی اول به دانشگاه است، از نظر مدیریت عرفانی و انگیزش‌های روانی تعیین کنندهی انسان‌هایی که در کسوت «دانشجو»، «استاد»، «مربی» به تکاپو در حیات مشغول هستند، مورد بررسی قرار دهیم، با این توضیح که طیف مبنای استاد علامه جعفری (که سالیان سال خوشه‌چین خرمن علمی و فکری‌اش بوده‌ام) مدیریت را از سطح محدود و منحصر به پروسه‌ای خاص فراتر گرفته و آن را معادل و هم‌سنگ «رهبری» به معنای تأثیرگذار و تأثیرپذیر دو سوپه‌ای اجتماعی و روحی تلقی کرده‌ام که استاد جعفری در نظام فکری خویش از آن به «عرفان مثبت» یاد کرده است.

{P} . ن، ك، به: تفسیر مثنوی ج ۶ و تفسیر نهج البلاغه ج ۱۴ و عرفان اسلامی. کتاب اخیر با عنوان «عرفان مثبت» به زبان انگلیسی ترجمه شده است. {P}

دیگر اینکه بنابر توضیحات پیش گفته، مقصود از جامعه، در این نوشته، جامعه‌ای است علمی و آکادمیک، که بر روی علم و شاخصه‌های دانش قوام یافته است که در مرتبه‌ی عام از آن به دانشگاه و در مرتبه‌ی خاص «دانشگاه اسلامی» تعبیر می‌کنیم.

بدین ترتیب، منظور ما از این مبحث، بررسی مدیریت و رهبری تحت‌تأثیر عرفان مثبت است، در برابر مدیریت و رهبری تحت تأثیر اهداف معمولی، که در گذشته و امروز در جوامع رایج بوده است. بدیهی بودن این اصل که مقام رهبری جامعه‌ی اسلامی باید از يك عرفان مثبت والا برخوردار باشد، جایی برای توضیح و استدلال برای اثبات آن نمی‌گذارد، زیرا توجه به خود اصل رهبری که «وساطت بین خدا و انسان‌ها» را در متن خود دارد، برای اثبات شرط داشتن عرفان والای انسانی کفایت می‌کند. به عبارت دیگر: بدان جهت که رهبر يك جامعه یکی از {P} . ن، ك، به: فرمان امام علی به مالك اشتر. {P}

بزرگ‌ترین وسیله‌های رسیدن به «حیات معقول» و زندگی هدفدار تکاملی جامعه است. از این رو باید در عالی‌ترین حد ممکن از «حیات معقول» و زندگی هدفدار تکاملی - که بر مبنای عرفان مثبت استوار شده - برخوردار باشد. اکنون به عرفان و مدیریت‌هایی که در جامعه‌ی اسلامی وجود دارند، می‌پردازیم.

از نظر استاد جعفری؛ ضروری‌ترین تکلیفی که در جامعه‌ی اسلامی بر عهده‌ی مقام یا مقامات رهبری در خصوص ایجاد انگیزش برای مدیریت‌ها مقرر است، این است که برای تأمین سعادت مردم جامعه، آنان را از هدف اصلی حیات به طور کلی و انگیزش اصلی و انگیزش‌های ثانوی و فرعی آن، آگاه ساخته و آن‌ها را برای مردم چنان تعلیم دهند و قابل پذیرش بسازند که مردم فعالیت‌های خود را در جامعه - در هر موقعیتی - آگاهانه و از روی آزادی انتخاب نمایند. هدف اصلی حیات انسان‌ها در این زندگانی، قرار گرفتن در جاذبه‌ی کمال اعلی، از این مسیر است: تکاپویی آگاهانه در حیات. {P} . عرفان اسلامی / ۱۲۷. {P}

هریک از مراحل زندگی که در این تکاپو سپری شود، با نظر به عظمت انگیزش هدف، براشتیاق حرکت به مرحله‌ی بعدی می‌افزاید. اداره‌کننده‌ی این تکاپو، شخصیت انسانی است؛ شخصیتی که از لیت سرچشمه‌ی آن است و وصول به جاذبه‌ی کمال الهی در ابدیت، هدف اعلایش؛ آن جاذبه‌ی کمال که نمودی از کمال و جلالش، واقعیت هستی بزرگ را به تموج درآورده، چراغی فرا راه پرنشیب و فراز «ماده» و «معنی» بر می‌افروزد. {P} . ایده آل زندگی و زندگی ایده‌آل، چاپ چهارم ۱۳۸۵/۹. {P}

ماده‌ای که با صیقل یافتن از طرف شخصیت انسانی، معنا را نشان می‌دهد و معنایی که تصرف در ماده را مانند تصرف انسان در اعضای خود جلوه‌گر می‌نماید.

با اهمیت‌ترین مختص زندگی هدفدار - که سعادت انسانی را تأمین می‌کند - این است که آدمی در هر موقعیتی از زندگی که قرار بگیرد، اگر از وی پرسیده شود که با نظر به همه‌ی استعدادها و امکاناتی که دارا هستی و با نظر به گذشته و حال، در چه موقعیتی قرار گرفته‌ای و از کدامین موقعیت‌ها عبور نموده‌ای؟ پاسخ وی این گونه باشد که با نظر به همه‌ی استعدادهای جسمانی و مغزی و روانی که داشته و دارم و با نظر به عقل و وجدان ناب، خود را در بهترین موقعیت می‌بینم و اگر مرگ در همین موقعیت فرا برسد، با اعتقاد به این که ابدیتی وجود دارد که در آن انسان‌ها بر همه‌ی گفتار و کردار و حتی بر نیت‌های خود مورد سؤال قرار خواهند گرفت، با کمال رضایت از این مرگ استقبال می‌کنم.

در حقیقت، قطب‌نمای شخصیت این انسان سعادت‌مند، مطلوبیت قرار گرفتن او را در هر نقطه از اقیانوس هستی، نشان داده است. این است آن حیات سعادت‌آمیز عرفانی که رهبران يك جامعه (تا آن جا که ممکن است) عوامل و شرایط آن را باید در اختیار جامعه قرار بدهند. در این خصوص، استاد جعفری برای مدیریت عارفانه دو شرط اساسی مطرح می‌کند که از اهمیت بسزایی برخوردار است.

دو شرط اساسی مدیریت عارفانه

پیش از بیان این دو شرط، توجه به عظمت و ارزش مدیریت، ضرورت قطعی دارد. برای درک این ضرورت باید بدانیم که يك مدیر شایسته، باید همه‌ی استعدادها و آرمان‌ها و امکانات گوناگون افراد و

گروه‌های مورد مدیریت خود را درک و دریافت نموده و همه‌ی آنها را برای وصول به يك يا چند هدف مشترك هماهنگ کند و به جریان بیندازد؛ همان‌گونه که يك انسان خردمند و با وجدان می‌خواهد همه‌ی استعدادها و آرمان‌ها و امکانات خود را برای وصول به هدف منظور خود، هماهنگ و توجیه نماید.

شرط یکم) با نظر همه جانبه به منابع اسلامی و با شناخت انسان «آن چنان که باید»، به این نتیجه می‌رسیم که شخص مدیر یا مقام مدیریتی، که اداره‌ی مجموعه‌ای از انسان‌ها را به عهده گرفته - در حقیقت - مانند يك شخصیت انسانی سالم و رشد یافته‌ای است که اعضای خود را به بهترین وجه توجیه و اداره می‌کند. برقراری این رابطه میان مدیریت و اعضای متشکل مردمی که تحت سیطره و توجیه آن فعالیت می‌نماید، شایسته‌ترین و منطقی‌ترین رابطه‌ای است که میان اداره‌کنندگان و اداره شونده‌گان جامعه‌های بشری قابل تصور است. با چنین رابطه‌ای است که اداره شونده‌گان، با وجدان آزاد، خود را در اختیار مدیریت‌ها قرار می‌دهند.

در این فرض، پذیرش افراد مجموعه از مدیریت، مانند تسلیم شدن اعضای وجود آدمی به شخصیت او می‌باشد. هر هدفی که با ایجاد انگیزه، مقام مدیریت را وادار به اتخاذ تصمیم در کارهای مربوط به مدیریت نماید، برای خود اعضای مجموعه نیز هدف‌انگیز می‌باشد. تنها با این رابطه است که می‌توان انسان‌ها را از بیماری جانسوز زندگی ماشینی - که تاریخ جوامع امروزی را به تاریخ دندان‌های ماشین ناآگاه مبدل ساخته - نجات داد.

از دیدگاه اسلام، انگیزتن ارزش توسط هر مدیریتی که با غیر رابطه‌ی مذکور، اعضای خود را اداره و توجیه می‌نماید، منحصر به نمودهایی است که در طبیعت بی‌هدف انسانی و شوون زندگانی او منعکس می‌شود، همانند مدیریت زنبوران عسل در جامعه‌ی کندوها. بالاتر از این، باید بدانیم که هر يك از اعضای يك انسان، به تنهایی دارای شخصیتی مستقل نیست، در صورتی که هر يك از اعضای مجموعه‌ی تحت مدیریت، هویت مستقلی دارند که پرورش آن باید برای حیات عارفانه، از حیاتی‌ترین وظایف مدیریت تلقی گردد. با مراعات حقیقی این شرط است که اگر خود شخص مدیر یا هیات تشکیل دهنده‌ی مدیریت، با کمال آگاهی از منطق واقعی اداره‌ی جمعی انسان‌ها، به جای عضو یا اعضای از مجموعه‌ی تحت مدیریت قرار گیرد، با کمال رضایت و سرور آن را می‌پذیرد و حیات خود را سعادت‌مندانه تلقی می‌کند.

شرط دوم) آگاهی و تحصیل اطلاعات روزافزون درباره‌ی مدیریت، اهمیت این شرط با پیشرفت پیوستگی‌های جوامع و اقوام و ملل به یکدیگر، بیش‌تر و حیاتی‌تر می‌شود، زیرا پیوستگی‌های مستمری که جوامع را به همدیگر وصل می‌کند، هر يك از مجموعه‌های مسائل و اصول مدیریت را در نظام (سیستم) باز قرار می‌دهد. از طرف دیگر، اگر هم فرض کنیم که زندگی جوامع بشری به شکلی نظم ماشینی به خود بگیرد که مدیریت‌ها را در نظام بسته قرار دهد، با این حال، از لحاظ عوامل محیط طبیعی و حوادث محاسبه نشده که جوامع را دائماً در برمی‌گیرد و محاسبات آنان را در نظام‌های بسته بر هم می‌زند، مدیریت همواره لازم است خود را در موقعیت نظام باز ببیند، نه نظام بسته.

{ P } . عرفان اسلامی / ۱۲۹ و ۱۲۰ . P

تأثیر و تأثر یاد شده در همه‌ی میادین فعالیت مدیریت انعکاس پیدا می‌کند. به اذعان اهل فن؛ حوزه‌ی فعالیت‌های مدیریت معمولاً در پنج میدان یا حوزه منحصر می‌شود:

۱ - برنامه‌ریزی

۲ - سازماندهی

۳ - کنترل و نظارت

۴ - ایجاد یا تقویت انگیزه و صعود از انگیزه‌های پست به انگیزه‌های عالی

۵ - ارزشیابی عملکرد درباره‌ی امور چهارگانه مذکور، برای افراد تحت مدیریت.

{ P } . کتاب‌های عمومی مدیریت. P

در این بین حوزه یا شرط چهارم است که ترقی انسان‌ها را در زندگانی، از موقعیت «گوریل باهوش» به انسان دارای هویت عرفانی ممکن می‌سازد.

دومین بحث این مقاله به اساسی‌ترین وظیفه‌ی مدیر در جامعه - و جامعه‌ی دانشگاهی یا آکادمیک - اختصاص دارد.

اساسی‌ترین وظیفه‌ی مدیر در جامعه

با نظر به دریافت‌های ناب وجدان و عقل سلیم و منابع معتبر اسلامی، نوع انسانی دارای حیثیت و کرامت ذاتی است که استعداد و ارزش او را اثبات می‌کند؛ یعنی انسان در میان حیوانات، نوعی است که از طرف خالق متعال مورد تکریم و تشریف قرار گرفته است.

{P} . قرآن کریم، آیه: لقد کرّمنا بنی آدم... سوره اسری / ۷۰. ما به طور قطع، اولاً آدم را تکریم نمودیم و آنان را در خشکی و دریا به فعالیت واداشتیم و از مواد پاکیزه‌ی زمین به آنان روزی دادیم و آنان را به بسیاری از مخلوقات خود، برتری دادیم. {P}

به تصریح همه‌ی حکمای اسلامی؛ این کرامت و شرف در وجود انسان به ودیعت نهاده شده است، و اگر همه‌ی ادیان الهی و مکتب‌هایی را که شناخت واقعی درباره‌ی انسان دارند، مورد مطالعه قرار بدهیم، آن‌ها را در این مسأله متفق‌القول خواهیم یافت. انسان می‌تواند این کرامت استعدادی و بالقوه را به وسیله‌ی تکاپو در راه کسب کرامت اختیاری، به شرف و کرامت مطلوب - که همان کمال اختیاری است - تصعید نماید.

در اینجا وظیفه‌ای که به درستی می‌توان آن را اساسی‌ترین وظیفه‌ی مدیریت از دیدگاه اسلام معرفی نمود، ظاهر می‌شود؛ احساس و پذیرش این که انسان‌هایی که در یک مجموعه مورد مدیریت قرار گرفته‌اند، دارای دو بُعد مادی و معنوی هستند و آنگاه اهتمام مدیریت به بُعد معنوی آنان نه تنها نباید کمتر از اهمیت بُعد مادی‌شان باشد، بلکه با توجه به هدف اعلای حیات همه‌ی انسان‌ها که قرار گرفتن در جاذبیت شعاع فروغ الهی است، بُعد معنوی انسان‌ها با اهمیت بیش‌تری باید مورد اهتمام مدیریت قرار بگیرد.

منشأ و فلسفه‌ی این وظیفه عبارت است از این که؛ آن جا که انسان برای اداره شدن مطرح است، چنان نیست که تنها بعد مادی او باید زیرنظر و مورد توجه و توجیه قرار بگیرد، زیرا همه‌ی مردم در انگیزش هدف اعلای حیات که اینجذاب به کمال الهی است، مساوی هستند و هیچ یک ترجیحی بر دیگری ندارند.

استاد جعفری این موضوع را اینگونه بیان می‌کند:

«یعنی هیچ تفاوتی در برخورداری از «حیات معقول» میان یک مدیر و یک عضو از میلیون‌ها عضوی که مورد مدیریت قرار می‌گیرند، وجود ندارد، زیرا چنان نیست که مدیر یک مجموعه از حیات قابل تفسیر و توجیه و سعادت مطلوب از «حیات معقول» بهره‌ور باشد، ولی یک عضو عادی، تا حد یک «گوریل باهوش» - که امثال تیلور درباره‌ی کارگران تعبیر نموده‌اند - تنزل کند. آیا این بزرگ‌ترین ظلم و تعدی بر شرف و حیثیت انسانی نیست؟ آیا ظلم و اهانتی بالاتر از این برای انسان قابل تصور می‌باشد؟ این انگیزش (تساوی همه‌ی اعضای مورد مدیریت و خود مدیر در یک زندگی با شرف و با کرامت که بدون مراعات ابعاد روحی و معنوی اعضا امکان‌پذیر نمی‌باشد)، یکی از بااهمیت‌ترین عوامل تفکیک بین انگیزش‌های مدیریت در این جوامع و دیگر جوامع بشری است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد.»

{P} . عرفان اسلامی / ۱۳۱. {P}

با نظر به مجموع ملاحظات درباره‌ی تشکیلات و مدیریت‌های اجتماعی امروزی، روشن می‌شود که هر کجا در مدیریت انسان‌ها، وظیفه‌ی بُعد معنوی آنان مراعات نشده، همواره «کس»ها به «چیز»ها مبدل گشته است. وقیح‌تر از این توهین و تحقیر، این که همین حرکت قهقرایی را {P} . تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی ج ۱ / {P}

تمدن، و عاملان آن را قهرمانان سازنده‌ی تمدن و تکامل نامیده‌اند! {P} . استاد جعفری در جلد شانزدهم تفسیر نهج‌البلاغه با ارائه ۵۲ دلیل اثبات می‌کنند که بشر در ادعای تکامل خویش دچار اشتباه شده است. / صص ۱۵۰ تا ۱۹۹. {P}

آخرین دلیل و علامت تکامل انسان عبارت است از مکرپردازی‌ها و حيله‌گری‌ها و نیرنگ‌بازی‌ها و چند رویی‌هایی که به نام «هوشیاری» و «زیرکی»ها و «مهارت»ها مشغول خدمت به تکامل انسان‌ها می‌باشند.

به همین جهت است که آن شخص آگاه می‌گفت اگر تکامل این پنجاه و دو مسأله است، که بشر میان آنها غوطه می‌خورد، ما انسان‌ها همین امروز اعلام می‌کنیم:

از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم

مرحمت فرموده ما را مس کنید!

{P} . تفسیر نهج‌البلاغه ج ۱۶/۱۹۹ و ۲۰۰. {P}

باری، اگر هم مدیران آن مجموعه، از به کار بردن «چیز»ها درباره‌ی «کس»ها احساس شرمندگی کرده‌اند، از به کار بردن «گوریل باهوش» - همان‌گونه که از تیلور نقل کردیم - کسی امتناعی نورزیده است. ای کاش، همان اصطلاح «چیز»ها به کار برده شود که بیرون از منطقه‌ی ارزش‌ها بوده و داخل در ضد ارزش‌هاست.

استاد جعفری در ادامه دیدگاه‌های خود اضافه می‌کند:

«مدیریت، فقط با مراعات این وظیفه‌ی حیاتی است که خواهد توانست ننگِ کثیفِ ماکیاولیسم را از چهره‌ی خود پاک کند. آری، تنها مراعات همین وظیفه است که مدیریت را از انگیزش استثمار ظالمانه و سلطه‌گرایانه نجات خواهد داد، زیرا فقط اعتقاد به اصالتِ ارزش‌های مردم و رفتار مطابق این اعتقاد است که می‌تواند آنان را از قربانی شدن به عنوان وسایل در راه به دست آوردن عوامل اشباع هوا و هوس‌ها و خودکامگی‌های قدرت‌پرستان - که هدف مطلق برای حیاتِ لویاتان‌های توماس هایس است - نجات بدهد.»

{P . عرفان اسلامی / ۱۳۲}

استادِ استاد جعفری به دروس مدیریت از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، در فرمان مبارک آن بزرگوار به مالکِ اشتیاق است که دستورات حیات‌بخشی در خصوص اداره‌ی انسان‌ها می‌بینیم که با کمال قاطعیت و جدیت باید از آن‌ها پیروی کرد:

و اشعر قلبك الرحمة للرعية و المحبة لهم و اللطف بهم و لا تكوننّ عليهم سبعاً ضارباً تغتم اكلهم فانهم صنفان اما اخ لك في الدين و اما نظير لك في الخلق
{P . نهج‌البلاغه، نامه‌ی شماره‌ی ۵۳}

«مالک! رحمت بر رعیت و محبت و لطف بر آنان را بر قلبت قابل دریافت کن و هرگز برای آنان درنده‌ی خون‌آشام مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری، زیرا افراد رعیت از دو حال خالی نیستند؛ یا برادر دینی تو هستند، یا هم‌نوع توآند در خلقت.»

در این که اشعار و قابل دریافت ساختن، از مختصات دریافت حضوری است، تردیدی نیست؛ یعنی برای مدیر جامعه، احساس و دریافتِ رحمت و محبت و لطف بر افراد تحت مدیریت باید مانند احساس و دریافتِ ضرورتِ دفاع از خویش‌نشدن باشد که انسان به آن علم حضوری (وجدان و کونسیانس) دارد. با توجه به بعدِ مادی انسان، چنین احساس و دریافت شریف و باعظمتی امکان‌ناپذیر است. برای چنین احساس و دریافتی، گسترش ذات یا «من» بر همه‌ی افراد و اعضای مورد مدیریت، بدیهی‌ترین ضرورت را دارد. استاد می‌گوید:

«این گسترش ذات، اولین مختص عرفان مثبت به شمار می‌رود.» {P . عرفان اسلامی / ۱۳۲}

می‌دانیم که استاد جعفری «عرفان مثبت» را در مقابل «عرفان منفی» به کار می‌برد و این موضوع از تعابیر و اصطلاحات اختصاصی او بود که مورد توجه و تأیید اهل فن و دانشوران نیز قرار گرفته است.

{P . بنگرید به: «مثنوی معنوی مولوی»، چاپ اول ۸۴، کریم فیضی، انتشارات یاران علوی / ۱۷۵. دکتر یثربی در یکی از مصاحبه‌های علمی خود به نظریه‌ی نوآورانه‌ی علامه جعفری درباره‌ی عرفان مثبت و منفی اشاره کرده و گفته است: ... علامه جعفری بود که عرفان مثبت و منفی را مطرح کرد. بنگرید به فصلنامه‌ی هفت آسمان، شماره هفدهم بهار ۸۲، ۱۱/ - ۲۴ و نیز بنگرید به فصلنامه‌ی سروش اندیشه: سال چهارم، بهار ۸۵، / ۱۰ - ۱۲. گفتگوی استاد صدوقی سها با دکتر یثربی. {P
امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه‌ای که به کارگزار خود - عثمان بن حنیف - در بصره نوشته است، چنین می‌فرماید:

أفنع من نفسي بان يقال هذا اميرالمؤمنين و لا اشاركهم في مكاره الدهر
{P . همان مأخذ، نامه‌ی شماره‌ی ۴۵}

«آیا درباره‌ی خودم به همین مقدار قناعت کنم که گفته شود؛ این شخص امیرالمؤمنین است و با مردم جامعه در ناگواری‌ها شرکت نمایم؟»

معنای گسترش ذات یا «من» مدیر و رهبر بر اعضای قلمرو مورد مدیریت را در این عبارت به وضوح می‌توان دید. بدیهی است که بدون رسیدن بشر به چنین مرحله‌ای از مدیریت، امکان رهایی از چنگالِ بی‌رحم بیماری «از خود بیگانگی» برای هیچ جامعه‌ای وجود نخواهد داشت.

ملاك ضرورت و ارزش انگیزه‌ها

همانگونه که استاد جعفری یادآوری کرده‌اند: اصیل‌ترین انگیزش از دیدگاه اسلام و عقل سلیم و وجدان ناب برای مدیریت (که تجارب قرون و اعصار نیز آن را نشان می‌دهد) آن است که از اصیل‌ترین نیازها ناشی می‌شود. بنابراین، هراندازه نیاز به يك شیء، اساسی‌تر و حیاتی‌تر باشد، انگیزش آن نیاز هم اساسی‌تر و حیاتی‌تر خواهد بود.

به نظر استاد؛ نیازهای اساسی انسان که همه‌ی آنها در جریان فعالیت «صیانت ذات» بروز می‌کنند، در سه بعد اساسی مطرح می‌شود:

«۱ - صیانت ذات در بعد روانی و حیات طبیعی محض، مانند نیاز به غذا و مسکن و بهداشت و تولید مثل و دفاع از هر گونه عامل اخلال به حیات.

۲ - صیانت ذات در بعد روانی و شخصیتی: نیازهای اساسی در این بعد عبارتند از: آرامش روانی و تنظیم ارتباط منطقی بین عوامل برون ذاتی و درون ذاتی و حفظ وحدت و هماهنگی عناصر تشکیل دهنده‌ی شخصیت و حفظ آن از اختلالاتی که می‌تواند سلامت شخصیت را تهدید نماید، مانند چند شخصیتی و غیرذلك.

۳ - صیانت ذات در بعد تکاملی شخصیت انسان. این بعد نیز دارای نیازهای بسیار با اهمیتی است که مذاهب الهی، اخلاقیون، عرفای تکاپوگر، مکاتب حقوقی، مقررات سازنده و پیشرو، آنها را مطرح کرده و شخصیت آدمی را به وسیله‌ی رفع آن نیازها در گذرگاه تکامل به ثمر می‌رسانند.»

{P . عرفان اسامی/ ۱۳۴ . P}

در این مبحث، يك اصل ضروری و در عین حال ساده و کاملاً روشن دیگر را نیز مطرح می‌کنیم که در مسائل مدیریت، اهمیت زیربنایی دارد و آن این که نوع انسانی در جریان فعالیت «صیانت ذات» در هر سه بعد مذکور، احتیاج به مدیریت صحیح دارد و هر اندازه این ابعاد در موقعیت‌ها و مجموعه‌های پیچیده قرار می‌گیرد، مدیریت آنها دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود. به عنوان مثال؛ اداره‌ی وضع مسکن مردم در يك روستا یا يك شهر كوچك، بسیار محدودتر و آسان‌تر از مدیریت مسکن در شهرهای بزرگ است. هم‌چنین، تعلیم و تربیت در جاهای کم جمعیت که مردم زندگی‌های ساده‌ای دارند، قطعاً ساده‌تر از جاهایی است که دارای جمعیت‌های میلیونی هستند. از همین جاست که در تغییر موقعیت‌های مدیریت - با نظر به این اصل - لزوماً باید استعداد و معلومات و تجارب مدیر برای موقعیت‌های پیچیده و پیچیده‌تر در نظر گرفته شود تا هم اطلاع کامل از انگیزه‌های اولی و ثانوی اعضای مجموعه‌ی مورد مدیریت حاصل شود و هم از اراده‌ها و تصمیم‌هایی که با نظر به انگیزش خود مدیریت موجب تصدی شغل مزبور شده، به طور منطقی‌تر بهره‌برداری شود.

{P . پیشین، ص ۱۳۵ . P}

اینک نگاهی داریم به انواع انگیزش‌ها و مدیریت‌ها.

انواع انگیزش‌ها و مدیریت‌ها

۱ - انگیزش‌های برون ذاتی. مانند عوامل محیطی و اجتماعی که به نوبه‌ی خود دارای اقسام گوناگونی می‌باشند، از جمله:

الف) جبر و قدرت‌های فوق؛ این قسم از مدیریت - در حقیقت - دارای انگیزش طبیعی نیست، بلکه یگانه عامل فعالیت مدیر یا مقام مدیریت در این فرض، صیانت ذات طبیعی خود در برابر عامل مخرب است. تردیدی نیست که هر کجا پای جبر در میان باشد، ارتباطی با منطقه‌ی ارزش‌ها پیدا نمی‌کند. ب) مرحله‌ای بهتر از مرحله‌ی مزبور - از نظر انگیزش - فعالیت با انگیزگی عوامل ادامه‌ی حیات طبیعی است؛ مانند تهیه‌ی مسکن و غذا و پوشاک و بهداشت و امثال این امور ضروری. اگرچه ضرورت این نیازها در حدی نیست که مانند نیاز به دفاع مستقیم از حیات، انگیزش را با عامل جبر خالص به وجود بیاورد، ولی از آن جهت که تأمین وسایل حیات طبیعی از ضروریات است، می‌توان گفت که انگیزش مزبور از يك نظر مستند به عوامل شبه جبری است.

۲ - انگیزش‌های درون ذاتی. این نوع از انگیزش‌ها - که ما آنها را درون ذاتی نامیده‌ایم - به اقسام مختلف تقسیم می‌شوند:

الف) احساس برتری خود بر دیگران؛ که خود به دو نوع تقسیم می‌گردد:

اول - احساس مزبور مطابق واقع می‌باشد، به این معنا؛ کسی که چنین تصویری درباره‌ی خود و دیگران دارد و خود را از نظر فعالیت‌های مغزی و قوای عضلانی بر دیگران برتر می‌داند، مطابق واقع می‌اندیشد و او با چنین احساسی به تصدی به مقام مدیریت تحریک می‌شود و اقدام می‌نماید. اگر چنین شخصیتی با تکیه بر احساس وظیفه، فعالیت مزبور را به عهده بگیرد، در منطقه‌ی انگیزش

ارزشی داخل می‌گردد و اگر بدون احساس مزبور و فقط به انگیزگی برتری خود بر دیگران وارد میدان فعالیت شود، در این صورت، کارهای او در منطقه‌ی ارزش‌ها قرار نمی‌گیرد، بلکه او مانند معلول‌هایی است که از علل طبیعی بروز می‌کند و ارتباطی به منطقه‌ی ارزش و ضدارزش ندارد. دوم - احساس برتری بر دیگران در امر مدیریت غیر مطابق با واقع. در این صورت، اگر در این نادانی درباره‌ی واقعیت مقصر نباشد، اشکالی از نظر روانی و شخصیتی برای او وارد نخواهد بود، اگرچه در صورت ارتکاب خطا، از جهت مسؤولیت درباره‌ی آن اشتباه و خطا باید مورد تحقیق قرار بگیرد. ب) انگیزش ناشی از خودخواهی و خودنمایی؛ این گونه انگیزش، به طور قطع نه تنها داخل در منطقه‌ی ارزش‌ها نیست، بلکه با توجه به عوامل روانی پدیده‌ی وقیح خودخواهی، در منطقه‌ی ضدارزش‌ها نیز داخل می‌باشد.

ج) انگیزش مستند به منفعت‌گرایی؛ انگیزش مستند به منفعت‌گرایی به نحوی که اگر پای سود به میان نیاید، مدیر یا مقام مدیریت، حاضر به فعالیت نخواهد بود. این نوع و نوع قبل، فراگیرترین انگیزش‌های مدیریت را در جهان غرب معاصر تشکیل می‌دهد.

د) علاقه‌ی ذاتی به مدیریت از نظر روانی؛ استاد جعفری در این خصوص چنین می‌گوید: «اغلب مردمانی که دارای مغز و روان معتدل هستند، از خود اشتیاق خاصی به بعضی اشتغالات نشان می‌دهند، مانند خلبانی، امور صنعتی، کارهای علمی، نظامی‌گری، قضاوت و غیر آن.»

{P . عرفان اسلامی/ ۱۳۶ . P}

این اشتیاق به قدری ریشه‌دار است که صاحب‌نظر بزرگی مانند جلال‌الدین مولوی درباره‌ی آن چنین می‌گوید:

«هم چنان که سهل شد ما را حَضَر

سهل شد هم قوم دیگر را سفر

آن چنان که عاشقی بر سروری

عاشق است آن خواجه بر آهنگری

هرکسی را بهرکاری ساختند

حُب آن را در دلش انداختند»

{P . مثنوی معنوی / دفتر سوم . P}

حال باید دید علت این اشتیاق خاص چیست؟ این مسأله نیاز به پاسخ دقیق و همه‌جانبه دارد که برای آن بایستی از روان‌شناسی و دیگر علوم انسانی نیز کمک گرفته شود. از نظر استاد محمد تقی جعفری:

«البته این احتمال می‌رود که در این تحقیق نتوانیم به پاسخ‌های نهایی برسیم، ولی تردیدی نیست که به مقتضای تحقیقات، مقداری روشنایی به دست خواهد آمد.»

{P . عرفان اسلامی/ ۱۳۶ . P}

ه) تخصص و تجربه؛ تخصص و سپری کردن تجارب فراوان در مسائل مدیریت - خود - یکی از مهم‌ترین عوامل اشتیاق به فعالیت‌های مدیریت است.

چنین بر می‌آید که از منظر استاد علامه جعفری؛ علت این امر این است که تخصص و آشنایی‌های لازم در يك رشته‌ی معین از علوم، غالباً کشف از این حقیقت می‌کند که شخص مفروض، به آن رشته علاقه و اشتیاق محرک داشته است که او را تا درجه‌ی تخصص بالا برده است. تفاوت میان این قسمت و قسمت «د» در این است که در قسمت «د»، علاقه و اشتیاق ذاتی موجب فعالیت و تخصص شده بود، ولی در قسمت «ه»، فعالیت و تخصص تدریجی، موجب بروز میل و اشتیاق شده است.

و) احساس تکلیف ناشی از تعهد برین انسانی؛ این انگیزه و انگیزه‌ی بعدی، قطعاً در منطقه‌ی ارزش‌ها داخل می‌باشد. کسانی که با انگیزش چنین احساسی - که به شرافت و کرامت ذاتی انسان مستند است - به فعالیت می‌پردازند، از مجرای سوداگری‌ها بالاتر رفته و به وسیله‌ی عامل درونی کمال جویی دست به کار می‌زنند. این همان انگیزش اصیل و پر ارزش است که مانند بسیاری از عظمت‌ها و ضرورت‌های ذات تکاملی انسان‌ها، زیرپوشش مفهومی نارسا از عرفان و اخلاق، پنهان و مستور مانده است.

تفسیر علامه جعفری در این خصوص فوق‌العاده شیرین و شنیدنی است:

«از آغاز شیوع این بیماری مهلك كه: «اخلاق و تكامل و به طور كلی ارزش‌ها را از عرصه‌ی حیات علمی انسان‌ها دور كنید»، مغزهای ماشینی ماشین‌زده از تكامل و اخلاق - كه شخصیت بدون آن‌ها پوچ است - همان گونه می‌گریزد كه جن از بسم الله.»
{P . ۱۳۷ / عرفان اسلامی}

خلاصه، انگیزش عرفانی و اخلاقی والا كه از پدیده‌های خوشایند سطحی و زودگذر بالاتر است، همان است كه اگر در جامعه‌ای به فعالیت بیفتند، قطعاً آن جامعه می‌تواند از آزادی‌های واقعی - نه تبلیغاتی و ادعایی - برخوردار شود و راه خود را به سوی تمدن انسانی حقیقی همواره كند؛ اگرچه آن جامعه از نظر پیشرفت مادی و اعتبارات دیگر، در مراحل پایین بوده باشد.
(ز) احساس تكلیف الهی؛ دیدگاه استاد جعفری در اینجا به اوج خودش می‌رسد و با تعبیر «بدون تردید»، این انگیزش را از با عظمت‌ترین و شریف‌ترین هدف‌ها و انگیزه‌هایی می‌داند كه درباره‌ی مدیریت می‌توان تصور نمود؛ چرا كه در این انگیزه، نه از منفعت‌گرایی خبری است و نه از استناد به عوامل جبری محیط و اجتماع، نه از آلودگی به خودخواهی و خودنمایی اثری وجود دارد و نه از اشباع علاقه‌ی ذاتی و مهارت تخصصی و غیره، كه عامل محرك اوست.
علامه جعفری خاطر نشان می‌كند كه:

«این همان انگیزه‌ای است كه پیامبران الهی و اوصیا و حكمای راستین را به تنظیم و توجیه حیات فردی و اجتماعی انسان‌های جوامع وادار نمود. نخستین اثر این انگیزش، آن است كه شخص مدیر یا مقام مدیریت - در هر رشته و موقعیتی - همه‌ی اعضای مجموعه‌ی مورد مدیریت خود را مانند اعضا و قوای وجود خود می‌داند. اگر روزی فرا رسید كه بشر به مدیریت‌هایی دست پیدا كند كه به دانش و عرفان والای متصدیان مدیریت‌ها ایمان یابد، در آن موقع است كه افراد نوع بشر با عقل سالم و وجدان ناب و آزاد، خود را در اختیار مدیران خواهند گذاشت و خواهیم فهمید كه سطح ترقی بشر و شكوفایی و نشاط و ابتهاج او در حیات، به چه درجه‌ای از عظمت می‌تواند برسد!»
{P . ۱۳۸ / پیشین}

نتیجه

نتایج زیر را می‌توان از مباحث گذشته استخراج نمود:

- ۱ - مدیریت گونه‌ای از رهبری است كه اصل آن وساطت میان خدا و انسان را در متن خود دارد.
- ۲ - هیچ جامعه‌ای هر اندازه هم كه كوچك و محدود باشد نمی‌تواند بدون مدیریت خصوصاً مدیریت صحیح قوام یافته و تداوم پیدا كند.
- ۳ - تمام مراكز علمی از جمله دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها فی نفسه يك جامعه محسوب می‌شود، از این رو لزوماً مدیریتی خاص و جامع را طلب می‌كنند.
- ۴ - مدیریت در اصل، مدیریت حیات و انسان است و سایر شعور انسانی را برگرفته و به سمت تكامل سوق می‌دهد.
- ۵ - اصل در مدیریت - چه مدیریت روانی، چه مدیریت علمی و چه مدیریت اجتماعی - انگیزش است، چون انگیزش اساسی‌ترین موضوع هر تحول بایسته محسوب می‌گردد.
- ۶ - اسلام و تفكر حاكم بر نظام علمی اسلام، مدیر را به عنوان ركنی اساسی در جهت تنظیم معادلات و مناسبات تلقی كرده و تمام كوشش خویش را در جهت استوارسازی روابط مدیر و مجموعه تحت مدیریت او به كار می‌بندد.
- ۷ - فقدان يك مدیریت منسجم به تنهایی كافی است تا سبب شود كه شالوده و بنیان تفكر علمی گسیخته شود.

دیدگاه‌های اساتید درباب جنبش نرم‌افزاری و نهضت

تولید علم و راهکارهای تحقق آن

پاییز ۱۳۸۴

سید نقیب السادات

الف) مقدمه

انقلاب اسلامی در عصر اطلاعات، با چالشی بزرگ در عرصه‌ی اندیشه‌پردازی و تولید علم مواجه است؛ چالشی که از دوران گذشته شکل گرفته است و آثار خود را بر تمام شئون فردی و اجتماعی بر جای گذاشته است. این مسأله اندیشمندان و صاحب نظران نواندیش را به چاره‌جویی واداشته است و به نظر می‌رسد تنها راه‌حل ارتقای کیفیت و کمیت در تولید علم و فکر در حوزه و دانشگاه است و تا وقتی که: «تولید بر ترجمه و تکرار و نیز اجتهاد بر تقلید، فزونی نیابد، سیر جوامع اسلامی همچنان قهقرایی خواهد ماند.»

با توجه به آموزه‌های اسلامی مبنی بر فراخوانی انسانها به دانش‌آموزی و مناظره و جدال احسن که در نتیجه‌ی آن جامعه‌ی اسلامی شاهد دوره‌ی درخشانی از تمدن اسلامی در رسیدن به اوج قله‌های علم و معرفت بود، می‌توان با اتکا به سرمایه‌های عظیم بالفعل و بالقوه در جوامع اسلامی، راه تعالی و تولید دانش را پیمود و امت اسلامی را در قله‌ی رفیع تمدن سازی قرار داد و به فرموده‌ی مقام معظم رهبری:

«در آن روزی که سهم اخلاق و سهم منطق يك جا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلافت علمی و تفکر بالنده‌ی دینی در این جامعه است و کلید جنبش نرم‌افزاری علمی و دینی در کلیه‌ی علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است... سرنوشت؛ عبارت از این است که تمدن اسلامی یکبار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند.»

اینک وظیفه‌ی مراکز و محافل علمی فرهنگی است که با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، ضمن رعایت اصول اخلاقی تحقیق، منطق مناظره، حرمت آزادی اندیشه، دوری از خودباختگی و تقلید؛ در چارچوب علم به بازنگری و تأمل در مفاهیم، سیاستها و روشها اقدام نمایند و افقهای نوینی را ایجاد کنند.

ب) بیان ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

چون این بررسی در پی یافتن انگیزش‌های کلیدی، محرکها و ترغیبهای کارساز در تولید علم و به عبارت ساده‌تر دنبال نوسازی فکری است و با فطرت آدمی کاملاً سازگاری دارد و او را به سوی تکامل نزدیکتر می‌کند، نتیجه‌ی این موضوع می‌تواند زمینه ساز شرکت بیشتر و کارآمدتر جامعه‌ی ایرانی به ویژه فرهیختگان و اندیشمندان دانشگاه باشد، مخصوصاً امروزه که در راستای عمل به رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت ارتقای سطح دانش علم و آزاداندیشی و انجام تحقیقات بنیادی در رسیدن به این هدف حرکت گسترده‌ای آغاز شده است.

اهمیت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری این است که می‌توان از طریق آن به اصلاح نظامهای علمی و فرهنگی جامعه پرداخت. جنبش نرم‌افزاری، می‌تواند زمینه ساز فلسفه‌ی مدیران برای توسعه‌ی کشور باشد. تفوق در علم، به عنوان يك استراتژی اساسی ابقای نقش رهبری در جهان امروز است. به عبارت بهتر؛ امنیت ملی کشورها و ملل، بر پایه‌ی برتری اندیشه‌ای و فن‌آورانه است که زاینده‌ی تولید علم و نوآوری می‌باشد. در این شرایط است که با ارزیابی و فهم دنیای امروزی، بهبود وضع زندگی شهروندان ایرانی را با حفظ فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی در پیش رو خواهیم داشت. به هر حال با اجرای این پژوهش به لحاظ علمی و یا نظری، اطلاعات لازم و مقتضی در خصوص دیدگاههای اساتید نسبت به مقوله‌ی مورد بررسی و موانع و مشکلات پیش رو که مانع از تحقق این مقوله می‌گردد، حاصل می‌شود.

به لحاظ علمی یا اجتماعی نیز با کسب اطلاعات، زمینه‌ی لازم برای برنامه ریزی عملی و دقیق جهت تحقق مقوله‌ی مورد بررسی فراهم می‌شود. از این منظر، زمینه‌های مقتضی برای توجه مسئولان و مدیران کشور برای تدارک شرایط و امکانات لازم نیز مشخص شده، زمینه‌ی تحول و توسعه‌ی علمی شکل می‌گیرد.

۱ - هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش، شناخت دیدگاهها و نظرات اساتید درباره‌ی جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و شیوه‌های تحقق و شناخت موانع موجود بر سر راه این جنبش است.

۲ - اهداف جزئی

اهداف جزئی طرح به شرح ذیل قابل ارائه است:

- شناخت ویژگیهای فردی پاسخگویان و نوع امکانات در دسترس.

- شناخت جایگاه علمی کشور در مقایسه با کشورهای دیگر از منظر اساتید.
- شناخت دیدگاه‌های اساتید در باب امکان تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم.
- شناخت موانع و مشکلات موجود بر سر راه تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از منظر اساتید.
- شناخت راه‌های از میان برداشتن مشکلات و موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از منظر اساتید.
- شناخت فرصت‌ها و تهدیدات موجود بر سر راه تولید علمی در کشور از منظر اساتید و...
- این پژوهش که تحت عنوان «دیدگاه‌های اساتید در باب جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم با هدف شناخت شیوه‌های تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و آزاداندیشی و شناخت موانع موجود بر سر راه آن» تدارك دیده شده، با روش پیمایشی انجام شده است.
- ۲ - بیان سؤال‌های تحقیق
- سؤال اصلی در این تحقیق عبارتست از:
- ارزیابی دیدگاه‌ها و نظرات اساتید در باب جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و شیوه‌های تحقق آن چگونه است و موانع موجود بر سر راه این جنبش کدام است؟
- سؤال‌های فرعی این تحقیق عبارتند از:
- ویژگی‌های فردی افراد پاسخگو و نوع امکانات در دسترس ایشان کدامند؟
- ارزیابی اساتید از جایگاه علمی کشور در مقایسه با کشورهای دیگر چیست؟
- ارزیابی اساتید در باب امکان تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و آزاداندیشی چیست؟
- موانع و مشکلات موجود بر سر راه تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از منظر اساتید کدامند؟
- راه‌های از میان برداشتن مشکلات و موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از منظر اساتید کدامند؟
- فرصت‌ها و تهدیدات موجود تولید علمی در کشور از منظر اساتید کدامند؟
- ارزیابی میزان پاسخگویی علوم، بخصوص علوم انسانی به نیازهای کنونی جامعه‌ی ایرانی از منظر اساتید چیست؟
- ارزیابی وضعیت موجود مناسبات دانشگاهیان با نظام و مدیریت کلان کشور از منظر اساتید چیست؟
- شیوه‌های پاسخگویی به انتظارات و توقعات علمی اساتید کدامند؟
- ارزیابی جایگاه مطلوب علمی کشور از منظر اساتید چیست؟
- ارزیابی راهکارها و شیوه‌های ارتقای مناسبات و تعامل اساتید با نظام و جامعه‌ی دانشگاهی چیست؟
- امکانات ضروری برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم کدامند؟
- ارزیابی امکانات پژوهشی کشور از منظر اساتید برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم چیست؟
- ۳ - روش تحقیق
- در این تحقیق از روش پیمایشی (Survey Method) بهره گرفته شده است.
- ۴ - تکنیک تحقیق
- تکنیک به کار رفته در این پژوهش، تکنیک پرسشنامه Questionnaire بوده است.
- ۵ - جامعه‌ی آماری
- جامعه‌ی آماری در این پژوهش کلیه‌ی اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، اعم از دولتی و آزاد اسلامی است.
- ۶ - برآورد حجم نمونه
- پرسشنامه‌های این پژوهش در قالب روش مورد تأکید برای ۲۸۰۰ نفر از اساتید جمع‌آوری شد.
- ۷ - روش نمونه‌گیری
- روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری تلفیقی یا ترکیبی با ۲ روش احتمالی و نااحتمالی، با ۲ تکنیک چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری اتفاقی بوده است. در این پژوهش مجموعه‌ی پرسشنامه‌های تکمیل شده اختصاص به استان‌های تهران، اصفهان، فارس، هرمزگان، آذربایجان شرقی، کردستان، خراسان، خوزستان، همدان و مازندران داشته است.

۸ - رویه‌ی جمع‌آوری اطلاعات

به منظور گردآوری اطلاعات در چارچوب روش نمونه‌گیری ذکر شده (نمونه‌گیری تلفیقی و ترکیبی) بدین ترتیب عمل شد که پس از تعیین اهداف و مشخص شدن متغیرهای اصلی پژوهش، ابزار طراحی و پس از آزمون آنها در قالب پرسشنامه‌ی نهایی، اطلاعات جمع‌آوری گردید. در مرحله‌ی بعدی، پس از برنامه نویسی کامپیوتر در محیط SPSS اطلاعات نیز وارد گردید و مورد پردازش قرار گرفت. حاصل در قالب دو دسته جداول یک بعدی و دو بعدی به همراه توصیف و تحلیل ارائه شد.

۹ - سطح تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این بررسی، سطح تجزیه و تحلیل اطلاعات، سطح خرد Level Micro یا متغیرهای فردی و اطلاعات سطح کلان Macro Level مورد ارزیابی قرار گرفت.

۱۰ - تکنیکهای آماری مورد استفاده برای توصیف و تحلیل اطلاعات

به منظور توصیف اطلاعات و تحلیل‌های مقتضی، از هر دو دسته تکنیکهای آماری توصیفی و استنباطی بهره گرفته شد. در دسته‌ی اول، جداول توزیع فراوانی به همراه محاسبات مبتنی بر درصد و در بخش دوم، از آزمون سنجش رابطه‌ی دو متغیر؛ یعنی آزمون کای اسکور (خی ۲) استفاده شد.

به منظور سهولت پردازش اطلاعات، از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شده است و جداول آماری، مبتنی بر پردازش صورت گرفته، ارائه شده است.

جمع‌بندی توصیف یافته‌ها

× در خصوص سن پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $7/43$ درصد افراد، در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال بوده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $8/2$ درصد افراد، بالای ۶۰ سال بوده‌اند.

× در خصوص جنس پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $2/77$ درصد افراد، مذکر و کمترین نسبت؛ یعنی $6/22$ درصد افراد، مؤنث بوده‌اند.

× در خصوص وضعیت تأهل پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $4/79$ درصد افراد، متأهل بوده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $7/18$ درصد افراد، مجرد بوده‌اند.

× در خصوص رشته‌ی تحصیلی پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $6/45$ درصد افراد، رشته‌ی تحصیلی ایشان علوم انسانی بوده است و کمترین نسبت؛ یعنی $1/0$ درصد افراد، تحصیلات حوزوی داشته‌اند.

× در خصوص سطح تحصیلات پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵۵ درصد افراد، سطح تحصیلات ایشان فوق لیسانس بوده است و کمترین نسبت؛ یعنی $4/1$ درصد افراد، سطح تحصیلات ایشان فوق دیپلم بوده است.

× در خصوص وضعیت اشتغال پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $1/48$ درصد افراد، شغل دولتی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $1/42$ درصد افراد، شغل آزاد داشته‌اند.

× در خصوص عضو بودن یا نبودن در هیأت علمی پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $9/66$ درصد افراد، عضو هیأت علمی بوده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $1/20$ درصد افراد، عضو هیأت علمی نبوده‌اند.

× در خصوص سابقه‌ی فعالیت علمی پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $2/54$ درصد افراد، پنج سال و بالاتر سابقه‌ی فعالیت علمی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $8/2$ درصد افراد، کمتر از یکسال سابقه‌ی فعالیت علمی داشته‌اند.

× در خصوص داشتن منزل شخصی، بیشترین نسبت؛ یعنی $9/63$ درصد افراد، منزل شخصی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $8/32$ درصد افراد، منزل شخصی نداشته‌اند.

× در خصوص داشتن دفتر کار، بیشترین نسبت؛ یعنی $3/47$ درصد افراد، دفتر کار داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $3/44$ درصد افراد، دفتر کار نداشته‌اند.

× در خصوص داشتن خودرو شخصی، بیشترین نسبت؛ یعنی $1/62$ درصد افراد، خودرو شخصی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $1/33$ درصد افراد، خودرو شخصی نداشته‌اند.

× در خصوص داشتن کامپیوتر، بیشترین نسبت؛ یعنی ۸۵ درصد افراد، کامپیوتر داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱۲ درصد افراد، کامپیوتر نداشته‌اند.

× در خصوص داشتن کتابخانه‌ی شخصی، بیشترین نسبت؛ یعنی $2/78$ درصد افراد، کتابخانه‌ی شخصی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $6/16$ درصد افراد، کتابخانه‌ی شخصی نداشته‌اند.

× در خصوص متصل بودن به شبکه، بیشترین نسبت؛ یعنی ۸/۶۹ درصد افراد، به شبکه متصل بوده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۲۴ درصد افراد، به شبکه متصل نبوده‌اند.

× در خصوص تعامل فعلی پاسخگویان با نظام دانشگاهی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۸/۴۳ درصد افراد، وضعیت فعلی تعاملشان با نظام دانشگاهی را در حد متوسط ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۷/۲ درصد افراد، این میزان را در حد خیلی ضعیف ذکر کرده‌اند.

× در خصوص میزان پاسخگویی به انتظارات پاسخگویان در عرصه‌ی علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۹/۵۲ درصد افراد میزان پاسخگویی به انتظاراتشان در عرصه‌ی علمی را در حد متوسط و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۱ درصد افراد، این میزان را در حد خیلی زیاد ذکر کرده‌اند.

× در خصوص مناسبترین راهکار برای تولید و شکوفایی چرخه‌ی علم و تکنولوژی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴/۲۵ درصد افراد، مناسبترین راهکار را توسعه‌ی نیروی انسانی متخصص به عنوان محور توسعه ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۰ درصد افراد، مناسبترین راهکار را برگزاری سمینارها، کنفرانسها و نشستهای مختلف ذکر کرده‌اند.

× در خصوص شیوه‌های ارتقای تعامل اساتید با نظام و جامعه‌ی دانشگاهی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴/۲۲ درصد افراد، شیوه‌ی کمک به اساتدان را در ارائه‌ی به کارگیری الگوهای انعطاف‌پذیر ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۹/۵ درصد افراد، دسترسی آسان به منابع برای کارکنان و اساتدان را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص مناسبترین راه‌حلهای ارتقای سطح تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۶۶ درصد افراد، افزایش بودجه‌ی پژوهشی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۵ درصد افراد، ایجاد رشته‌های علمی جدید را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص علل عقب‌افتادگی ایران از لحاظ علمی نسبت به کشورهای دیگر، بیشترین نسبت از پاسخگویان (۳۳ درصد) جایگاه علمی ایران را پایین ارزیابی کرده‌اند و راه‌حل ارتقای سطح تولید علم را افزایش بودجه پژوهش و کمترین نسبت از پاسخگویان (۱/۷ درصد) علل عقب ماندگی را عدم پاسخگویی مناسب به عملکرد مثبت مسئولین، را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص نقش مراکز علمی و پژوهشی در تولیدات علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲/۳۹ درصد افراد، همه‌ی موارد را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱۶ درصد افراد، بهادادن این مراکز به مساله‌ی تعلیم، تربیت و آموزش را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص ضروری بودن یا نبودن آزاد اندیشی در محیطهای علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴/۸۷ درصد افراد، آزاداندیشی را در محیطهای علمی ضروری دانسته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶ درصد افراد، آنرا ضروری ندانسته‌اند.

× در خصوص الزامات آزاد اندیشی در محیطهای علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۷ درصد افراد، آزادی بیان را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد، تغییرات ساختاری در دانشگاه، اعتدال‌گرایی، ایجاد رشته‌های علمی جدید، ضابطه محوری و شایسته‌سالاری را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص موانع آزاد اندیشی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۸/۳ درصد افراد، جزم اندیشی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد اهداف نامعقول، فقدان نظارت، فقدان دید واقع‌گرایانه، عدم هماهنگی نظرات، فقدان زمان کافی، روشن فکری کاذب، فقدان عدالت اجتماعی، فقدان رعایت حقوق دیگران، برخوردهای قیم مآبانه، فقدان تحصیلات، تفکر بسته‌ی مسئولین و عدم توجه به بعد کاربردی آن را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص راهکارهای از میان برداشتن موانع آزاداندیشی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۷/۱ درصد افراد: توجه، وجدان کاری و مسئولیت پذیری مسئولان تربیت و استفاده از نیروی متخصص را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد فرهنگ سازی کار گروهی، توسعه IT، نیازسنجی، توجه علوم انسانی، عمل به فرامین رهبر، تلاش و پیگیری مداوم، بومی کردن علم، حذف بوروکراسی، حذف تفکر انجمادی و جزمی را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص موانع موجود بر سر راه توسعه‌ی علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۹/۳۹ درصد افراد همه‌ی موارد را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۲/۱ درصد افراد موانع اجتماعی را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص راهکارهای از میان برداشتن موانع توسعه‌ی علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۹/۳۳ درصد افراد برقراری رابطه بین ساخت علمی و تکنولوژی با مسایل اقتصادی و اجتماعی کشور را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۷/۳ درصد افراد، تقویت نهادهای مدیریتی سازمانهای مرتبط با علم و تکنولوژی را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری (اولویت اول)، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲/۳۴ درصد افراد، خود کم‌بینی و استیلای یأس روانی بر بخش‌هایی از جوامع اسلامی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۰ درصد افراد، کوچک بودن کشورهای اسلامی از حیث جغرافیایی را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص راهکارهای از میان برداشتن موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری (اولویت اول)، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴۷ درصد افراد، سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی تحقیقات را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۶ درصد افراد توجه به آموزش کامپیوتر و استفاده از شبکه‌ی اینترنت را در امر آموزش و پرورش ذکر کرده‌اند.

× در خصوص میزان امیدواری در زمینه‌ی قرار گرفتن ایران در جرگه‌ی کشورهای پیشرفته‌ی علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۶/۳۱ درصد افراد، این میزان را در حد متوسط ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۲/۱۰ درصد افراد، آنرا در حد خیلی کم ذکر کرده‌اند.

× در خصوص سطح رتبه‌ی علمی ایران از منظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۶/۲۵ درصد افراد، رتبه‌ی علمی ایران را دهم و بالاتر ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۳/۷ درصد افراد رتبه‌ی علمی ایران را اول تا سوم ذکر کرده‌اند.

× در خصوص میزان پاسخگو بودن یا نبودن رشته‌ی علوم انسانی به نیازهای مردم و جامعه‌ی ایران، بیشترین نسبت؛ یعنی ۹/۳۴ درصد افراد، این میزان را در حد متوسط ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۳ درصد افراد، آنرا در حد خیلی زیاد ذکر کرده‌اند.

× در خصوص توانایی و عدم توانایی رشته‌ی علوم انسانی در پیدا کردن پویایی و رشد لازم برای شرایط کنونی کشور، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳/۷۱ درصد افراد، نظرشان منفی بوده است و کمترین نسبت؛ یعنی ۴/۲۷ درصد افراد، نظرشان مثبت بوده است.

× در خصوص ارزیابی پاسخگویان از امکانات آموزشی و پژوهشی موجود در کشور، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳/۵۱ درصد افراد، امکانات آموزشی را متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۰ درصد افراد، آنرا خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند.

× در خصوص مسائل مورد نظر در حرکت عظیم علمی و جنبش نرم‌افزاری، بیشترین نسبت؛ یعنی ۶ درصد افراد، حمایت از پژوهشگران را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۸/۰ درصد افراد، بهره‌گیری از دستاوردهای علمی دیگران را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص ارزیابی پاسخگویان جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵/۴۵ درصد افراد، این جایگاه را متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۴/۲ درصد افراد، آنرا خیلی بالا ارزیابی کرده‌اند.

× در خصوص ارزیابی پاسخگویان به میزان موفقیت نظام آموزش دانشگاهی کشور در ایجاد روحیه‌ی تحقیق و تقویت بنیه‌ی علمی بیشترین نسبت؛ یعنی ۱/۴۱ درصد افراد، میزان موفقیت نظام آموزش دانشگاهی کشور را در ایجاد روحیه‌ی تحقیق و تقویت بنیه‌ی علمی در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۲/۱ درصد افراد، این میزان را در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

× در خصوص ارزیابی برنامه‌ریزی کشور، جهت برنامه‌های علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۱/۴۱ درصد افراد، برنامه‌ریزی کشور را جهت برنامه‌های علمی، متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۵/۰ درصد افراد، آنرا خیلی قوی ارزیابی کرده‌اند.

× در خصوص میزان امکانات پژوهشی و مطالعاتی موجود در کشور برای تحقق جنبش نرم‌افزاری، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴/۴۵ درصد افراد میزان امکانات موجود در کشور را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۰ درصد افراد؛ آنرا در حد خیلی قوی ارزیابی کرده‌اند.

× در خصوص امکانات ضروری برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۱۰ درصد افراد، سرمایه‌گذاری، بودجه و نظارت بر صرف آن را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد، بومی کردن تکنولوژی، پرهیز از فشرنگری، سیاست‌زدایی از محیط علم، واقع‌بینی و عقل‌گرایی، عمل‌گرایی، اصلاحات دولتی، جمع‌آوری همه‌ی امکانات زیر نظر يك سازمان، استفاده از نتایج تحقیقات قبلی، توجه به بنیان خانواده، توجه به کیفیت موضوعات تحقیق، استفاده از کارشناسان هر رشته، خروج از انزوای سیاسی، حرفه‌ای شدن تحقیقات، تفکر، تبلیغات، تکیه بر فرهنگ بومی، نیروی اجرایی تعهد، توجه به استانداردهای علمی، جهت‌دهی به محیط علمی، مطالعه و کتابخوانی، توسعه‌ی دموکراسی و جامعه‌ی مدنی و تفکیک جنسی محیط‌های علمی را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص قابل تحقق بودن دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در باب جنبش نرم‌افزاری در نهضت تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۱/۶۴ درصد افراد، این دیدگاه‌ها را قابل تحقق دانسته و کمترین نسبت؛ یعنی ۸/۰ درصد افراد، آنها را تا حدودی قابل تحقق دانسته‌اند.

× در خصوص تمهیدات تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵/۳ درصد افراد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد، استفاده از بخش خصوصی، قانونمندی، نقد منصفانه، تجهیز کتابخانه‌ها، تدوین متون علمی، تعهد به جنبش، جلوگیری از فرار مغزها، IT، دموکراسی، فعالیت بیشتر دانشگاه‌ها، ریشه‌یابی و حذف منابع، توجه به علوم انسانی، حذف بوروکراسی، توجیه خطوط قرمز، ارزیابی و نظارت مداوم و استقبال از افکار نو را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص دلایل عدم تحقق نظرات مقام معظم رهبری، بیشترین نسبت؛ یعنی ۶/۱ درصد افراد، فقدان مدیریت کارآمد و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد، فرار مغزها، عدم خودجوشی موضوع، جذاب‌اندیشی، نگرش ایشان به موضوع، فقدان نیروی متخصص، فقدان سطحی‌نگری، فرهنگ مصرفی، تک بعدی بودن، بوروکراسی، فقدان انگیزه، انزوای علمی، فقدان ارتباطات مناسب، عدم دسترسی به منابع و اختلاف‌نظرها را ذکر کرده‌اند.

× در خصوص پیشنهادات مطروحه برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴/۱ درصد افراد، عمل‌گرایی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد، ارتباط علم با اقتصاد، فضاسازی، قانونمندی، الگوسازی، ضابطه محوری، اطلاع‌رسانی و ۰۰۰ را ذکر کرده‌اند.

جمع‌بندی تحلیل یافته‌ها

× بین دو متغیر سن و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر جنس و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۵ درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر رشته‌ی تحصیلی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر سطح تحصیلات و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر وضعیت اشتغال و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر عضو هیأت علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر میزان موفقیت نظام‌آموزش دانشگاهی کشور در ایجاد روحیه‌ی تحقیق و تقویت بنیه‌ی علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر داشتن کامپیوتر و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر متصل بودن به شبکه و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر وضعیت فعلی تعامل پاسخگویان با نظام دانشگاهی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر میزان پاسخگویی به انتظارات علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر راهکار مناسب تولید و شکوفایی چرخه‌ی علم و تکنولوژی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر شیوه‌ی ارتقای تعامل اساتید با نظام و جامعه‌ی دانشگاهی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر راه‌حل مناسب ارتقای سطح تولید علم و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر علل عقب‌افتادگی ایران از لحاظ علمی نسبت به کشورهای دیگر و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر موافقت یا عدم موافقت پاسخگویان با آزاداندیشی در محیط‌های علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر موانع موجود بر سر راه توسعه علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر راهکار از میان برداشتن موانع توسعه علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر تحقق جنبش نرم‌افزاری و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر راهکار از میان برداشتن موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر امیدواری موجود برای محسوب شدن ایران در جرگه کشورهای پیشرفته و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر رتبه علمی ایران و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر میزان پاسخگویی علوم انسانی در کشور ما به نیازهای مردم جامعه و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر داشتن یا نداشتن پویایی و رشد لازم علوم انسانی در شرایط کنونی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر امکانات آموزشی و پژوهشی موجود در کشورها و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر مسائل موجود در حرکت عظیم علمی و جنبش نرم‌افزاری و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر میزان موفقیت نظام آموزش دانشگاهی کشور در ایجاد روحیه تحقیق و تقویت بنیه علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر ارزیابی پاسخگویان از برنامه‌ریزی کشور جهت برنامه‌های علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر چگونگی ارزیابی پاسخگویان از امکانات پژوهشی و مطالعاتی موجود در کشور برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

× بین دو متغیر قابل تحقق بودن دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در باب جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

اسلامی واحد مرودشت، شیراز و زرقان در خصوص
ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان
رضا زارعی

{P} . عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت {P}

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی دیدگاه‌های دانشجویان و اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، شیراز و زرقان در مورد ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان بوده است. روش تحقیق توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری، کلیه دانشجویان (۱۹۷۹۱ نفر) شاغل به تحصیل کلیه رشته‌ها و کلیه اساتید (۹۴۴ نفر) تمام وقت و نیمه وقت و حق‌التدریس و بورسیه‌ی دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، شیراز و زرقان در سال تحصیلی ۱۳۸۴ - ۱۳۸۳ بوده است. نمونه‌گیری بصورت طبقه‌ای متناسب با حجم بوده است که ۱۶۰ نفر از اساتید و ۱۷۰۰ نفر دانشجویان انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ی محقق ساخته بوده که پرسش‌های آن بصورت بسته پاسخ در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. برای برآورد روایی پرسشنامه از روش محتوایی استفاده شده و اعتبار پرسشنامه از طریق ضریب القای کرونباخ ۹۲٪ بدست آمده است. تجزیه و تحلیل آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته و نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

۲/۶۱ درصد از اساتید معتقدند که همه‌ی دانشجویان می‌توانند اساتید را ارزشیابی نمایند.

۹/۷۶ درصد از دانشجویان معتقدند که اساتید باید توسط مدیر گروه ارزشیابی شوند.

۶/۶۲ درصد از اساتید معتقدند که نتایج ارزشیابی باید در اختیار مدیر گروه قرار گیرد.

۶/۷۹ درصد از دانشجویان معتقدند که نتایج ارزشیابی باید در اختیار مدیر گروه قرار گیرد.

۲/۶۸ درصد از اساتید معتقدند که نتایج ارزشیابی باید بعنوان یکی از ملاک‌های افزایش حقوق در نظر گرفته شود.

۲/۷۵ درصد از دانشجویان معتقدند که نتایج ارزشیابی باید صرفاً برای اصلاح روش‌های تدریس بکار رود.

۶/۹۲ درصد از اساتید معتقدند که مطرح نمودن مطالب علمی جدید و ایجاد موقعیت تفکر برای دانشجویان مهم است.

۹۷ درصد از دانشجویان معتقدند که تسلط بر موضوع درسی توسط استاد بسیار مهم است.

۲/۹۱ درصد از اساتید اعتماد به نفس اساتید را در ارزشیابی آنان توسط دانشجویان موثر می‌دانند.

۶/۹۲ درصد از دانشجویان، فن شیوایی بیان اساتید را مهم می‌دانند.

۶/۷۵ درصد از دانشجویان معتقدند که اساتید باید در برگزاری امتحان جامع و دقیق پایان ترم خبره باشند.

۹/۸۶ درصد از اساتید معتقدند که اساتید باید در برگزاری امتحان جامع و دقیق پایان ترم خبره باشند.

۸/۶۹ درصد از دانشجویان معتقدند که زمان شروع و پایان کلاس مطابق برنامه‌ی آموزشی در ارزشیابی موثر است.

۸۵ درصد از اساتید معتقدند که زمان شروع و پایان کلاس مطابق برنامه‌ریزی آموزشی در ارزشیابی موثر است.

۸/۷۸ درصد از اساتید، ارتباط صمیمانه‌ی دانشجو با استاد را عامل مهم در ارزشیابی می‌دانند.

۲/۸۵ درصد از دانشجویان، ارتباط مستمر استاد با دانشجو را عامل مهم در ارزشیابی می‌دانند.

مقدمه

ارزشیابی از دیرباز در امر آموزش و پرورش و به خصوص در حیطه‌ی آموزش عالی وجود داشته است و به عنوان یکی از کارکردهای مدیریت دانشگاهی نقش مهمی را در برنامه ریزی صحیح، اجرای موفق برنامه‌های آموزشی و بهبود کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها دارد. تقریباً همه‌ی کشورهای که درگیر مسائل آموزشی هستند، کمابیش در زمینه‌ی ارزشیابی از کار استاد فعالیت دارند و استفاده از نظر دانشجویان برای ارزشیابی تدریس و فعالیت‌های آموزشی اساتید، یکی از روش‌های بسیار معمول و متداول در دانشگاه‌های جهان و منجمله کشور ماست.

یکی از ارزشیابی‌های مهم در همه‌ی نظام‌های آموزشی؛ ارزشیابی از فعالیت‌های مدرسین می‌باشد. (ارزشیابی آموزشی فرآیندی است که از طریق آن، داده‌های مرتبط با آموزش جمع‌آوری و در جهت اتخاذ تصمیم، تبدیل به اطلاعات مفید می‌شود.) (کولی و ویلیام ۱۹۷۶)

{P Cooley Viliyam . P}

سیف (۱۳۷۶) ارزشیابی از مدرسین عبارتست از؛ تعیین میزان موفقیت معلمان و رسیدن به هدف‌های آموزشی.

انجام چنین کاری مستلزم جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره‌ی فعالیت‌های آموزشی معلم و انتخاب معیارهایی برای مقایسه‌ی اطلاعات به دست آمده با آن معیارها و سپس قضاوت در این باره است که مدرسین تا چه اندازه به هدف‌های از پیش تعیین شده دست یافته‌اند؟ اگر چه معلمان باید نگرشی مثبت نسبت به ارزشیابی بعنوان ابزاری برای پیشرفت خودشان و حرفه‌ی معلمی پیدا کنند، اما نظام‌های آموزشی نیز باید راه‌های علمی ارزشیابی را که قابل اجرا، عادلانه، انسانی و تا حد ممکن عینی هستند، اشاعه داده و اجرا کنند (اولیور ۱۹۹۴)

{P Oliver. P}

یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها؛ آموزش و پرورش است و تمامی صاحب نظران عقیده دارند که اگر پیاده کردن سیستم صحیح آموزش و پرورش موفق باشد، بر بسیاری از مشکلات و معضلات فائق آمده و جامعه‌ی خود را به سوی پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها سوق خواهد داد و این موضوع بر جامعه‌ی اسلامی نیز صادق است.

پیاده کردن سیستم صحیح آموزش و پرورش مستلزم برنامه‌ریزی‌های دقیق و علمی و پیاده کردن آنهاست و بی‌شک یکی از اقداماتی که مسؤولین آموزش و پرورش به وسیله‌ی آن از چگونگی میزان تحقق اهداف برنامه‌ی خود مطلع می‌شوند، مسأله‌ی ارزشیابی نیروی انسانی است. در واقع این موضوع ابزار بسیار مهمی است که می‌توان به وسیله‌ی آن گام‌های اساسی و مهمی را در پیشرفت اهداف آموزش و پرورش برداشت. ارزشیابی از عملکرد نیروی انسانی و بویژه معلمین و اساتید در آموزش و پرورش، می‌تواند در آنها انگیزه‌ی مضاعفی ایجاد نموده و آنها را برای فعالیت مستمر و آگاهانه و پویا تشویق و ترغیب نماید. ارزشیابی می‌تواند در تشخیص نیروی کارآمد و اثربخش نقش به‌سزایی داشته باشد و فرهنگ شایسته‌ی سالاری را در نظام آموزشی ترویج نماید. مهمترین هدف ارزشیابی، کمک به اساتید در جهت اصلاح و بهبود روشها و فعالیت‌های آموزشی و کمک به مدیران برای تصمیم‌گیری معقول‌تر در مورد استخدام، ترفیع اسنادان و در نهایت ارتقاء تعلیم به عنوان يك حرفه است. (حسینی م و سرچشمی ر. ۱۳۸۱)، مؤسسات آموزش عالی به طور سنتی بر ارزشیابی دانشجویی از تدریس تکیه دارند. اگرچه ارزشیابی دانشجویی، از پرمصرف‌ترین ابزارها جهت ارزیابی تدریس اثر بخش، است. در مجموع باید این مسأله را مدنظر داشت که تاکید بر يك منبع اطلاعاتی امکان دارد بر ارزشیابی تدریس اثربخش، لطمه وارد نماید. (خیر، محمد ۱۳۸۰) (احرام پوش، محمدحسین و مظلومی، سعید و کلانتر، مهدی) (۱۳۷۹) طی تحقیقی به این نتیجه رسیده‌اند که مهمترین خصوصیات يك استاد خوب از نظر دانشجویان به ترتیب عبارتند از:

۱ - احترام به دانشجو ۲ - داشتن علم به موضوع تدریس ۳ - داشتن طرح درسی ۴ - داشتن اعتقادات مذهبی و رعایت عدالت و همچنین بر طبق نتایج به دست آمده بین ضرورت حضور و غیاب در کلاس و مقطع تحصیلی و بین ضرورت امتحان کویز و مقطع تحصیلی، ارتباط آماری معناداری وجود داشته است.

گرجی (۱۳۷۳) در پژوهشی نشان داد که بین نمراتی که دانشجویان دانشگاه در يك فرم محبوبیت منبع به استاد خود ارائه دادند و نمراتی را که بعنوان ارزشیابی از کیفیت آموزش در فرم‌های نظرخواهی برای آنان در نظر گرفتند، ضریب همبستگی ۷۵٪ وجود داشته است.

توکل، محسن (۱۳۷۷) در بررسی خود با عنوان بررسی ویژگیهای استاد خوب از دیدگاه دانشجویان؛ به این نتیجه رسید که گاهی اوقات علی‌رغم آن که استاد از تسلط خوبی برخوردار است، ولی از نظر قدرت انتقال مفاهیم در حد مطلوب نیست و همین امر باعث می‌شود ارزشیابی وی توسط دانشجویان تحت تاثیر قرار گیرد.

پیترسون (۱۹۹۵) معتقد است که نتایج ارزشیابی معلم، وسیله‌ای جهت شناساندن معلمین زحمت‌کش و سخت‌کوش است و باعث می‌شود تا شایستگی و ارزشهای معلمین ثبت و شناخته

شود. وی دریافت که گروه همکاران بهترین منبع برای ارزشیابی معلم می‌باشد، ولی در این نظر بیشتر دانشجویان موافق بودند تا اساتید.

حسینی، س.م. سرچشمی، ر. (۱۳۸۱) طی تحقیقی در دانشگاه علوم پزشکی قزوین به نتایج زیر دست یافت:

الف) ۲/۸۵ درصد پاسخ دهندگان، تسلط بر موضوع درس را به عنوان اولویت خیلی مهم مطرح کرده بودند.

ب) در بخش ویژگی‌های فردی، داشتن اعتماد به نفس توسط ۵/۸۷ درصد واحدهای مورد مطالعه به عنوان اولویت خیلی مهم برای استاد مطرح شده بود.

جعفری، شهبابی و شایان (۱۳۷۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که از نظر اساتید، دانشجو معتبرترین فرد برای ارزشیابی و قضاوت درباره‌ی کیفیت عملکرد آموزشی استاد است.

مارش و بیلی (۱۹۹۳) طی تحقیقی به نتایج زیر دست یافت:

پرسشنامه‌های ارزشیابی دانشجویی چند بعدی هستند و قابل اعتماد و با ثبات عملکرد استاد را اندازه‌گیری می‌کنند و از نظر مدیریت، وسیله‌ی خوبی برای تصمیم‌گیری پرسنلی است و در نهایت از نظر پژوهشگران، وسیله‌ی خوبی برای تحقیق.

بارکلی (۱۹۹۵) استاد تعلیم و تربیت بر این باور است که {P Barclay G.C - P} دانش‌آموزان از موقعیت بسیار منحصر به فردی برخوردار هستند تا کیفیت برنامه‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. لذا باید بعنوان يك منبع اطلاعاتی قوی مورد استفاده قرار گیرند.

شکورنیا، عبدالحسین و دیگران (۱۳۷۹) در طی تحقیق خود به نتایج زیر رسیدند:

۶۰ درصد از استادان اظهار داشتند که نمره‌ی ارزشیابی دانشجویی از تدریس می‌تواند در بهبود کیفیت آموزشی آنان عامل کمک کننده‌ای باشد.

۳۲ درصد از استادان ابراز داشتند که نمره‌ی ارزشیابی آنان بیان نحوه‌ی تدریس آنان بوده است. مطلق، محمد اسماعیل و دیگران (۱۳۷۹) در طی تحقیقی با عنوان بررسی نظرات اساتید دانشگاه علوم پزشکی اهواز نسبت به ارزشیابی استاد در سال ۱۳۷۸ به این نتایج دست یافتند:

الف) ۳/۹۳ درصد از اساتید معتقدند که ارزشیابی در دانشگاه مهم است.

ب) ۵۲ درصد از اساتید معتقدند که دانشگاه در اجرای ارزشیابی استادان موفق بوده است.

ج) ۶/۷۲ درصد از اساتید معتقدند که ارزشیابی استاد توسط دانشجو مناسب است و با آن موافق هستند.

د) ۳/۵۴ درصد از اساتید معتقدند که ارزشیابی استاد توسط دانشجو به روابط صحیح استاد و دانشجو خدشه وارد می‌کند.

حاجی آقاجانی، سعید (۱۳۷۵) طی تحقیقی به این نتایج دست یافت:

الف) بین متغیر جنس و نظر اساتید در مورد تاثیر ارزشیابی دانشجویی بر فعالیت‌های قبل از تدریس همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

ب) ۵۴ درصد اساتید، رضایت متوسطی از ارزشیابی دانشجویی دارند.

ج) ۲/۸ درصد تاثیر ارزشیابی دانشجویی را بر چگونگی تدریس خود کم می‌دانند.

دانشگاه ویسکانسین (۱۹۹۸) طی يك تحقیق به نتایج زیر دست یافت:

ارزشیابی دانشجویی را نباید یگانه وسیله برای ارزشیابی تدریس بکار برد. ارزشیابی تدریس، تنها وسیله‌ای برای بهبود تدریس است و نه يك هدف نهایی و باید نتایج آن در اختیار اعضای هیأت علمی قرار گیرد.

۶۸ درصد از اساتید معتقد بودند که ارزشیابی دانشجویی، باید بخشی از ارزشیابی باشد. ارزشیابی دانشجویی، باید برای بهبود فرآیند تدریس بکار گرفته شود و ارزشیابی دانشجویی به بهبود تدریس کمک می‌کند.

منصوری، مهشید (۱۳۷۲) طی تحقیقی دانشگاهی به این نتایج دست یافت که دانشجویان کارشناسی خصوصیات يك استاد خوب را به ترتیب: ۱- روش تدریس ۲- دانش پژوهی ۳- توانایی ایجاد ارتباط و مشاوره ۴- شخصیت فردی استاد می‌دانند.

مرندی، اعظم (۱۳۸۰) در بررسی خود به این نتایج دست یافت که:

الف) دانشجویان و اساتید مهمترین ویژگی يك استاد خوب را روش تدریس و تسلط استاد بر موضوع درس دانسته‌اند.

ب) از نظر شخصیت فردی، اساتید مهمترین عامل را علاقه‌مندی استاد به تدریس و دانشجویان، شیوایی بیان را مهم دانسته‌اند.

عرب خردمند، علی، حاجی آقا، سعید (۱۳۷۶) طی تحقیقی به نتایج زیر دست یافتند:

الف) اکثر اساتید (۲/۶۹ درصد) از انجام ارزشیابی دانشجویی رضایت بالایی داشته‌اند.

ب) اکثر اساتید (۸/۷۶ درصد) تأثیر ارزشیابی را بر شیوه‌ی تدریس خود زیاد دانسته‌اند.

نتایج این تحقیق می‌تواند فرآیند ارزشیابی اساتید را هر چند اندک اصلاح نموده تا به کمال برسد. دانشجوی امروز به دلیل حضور در فضای جدید، صاحب ایده‌ها و افکار جدیدی است، پرسش‌های جدید، دغدغه‌ی جدید و انتظارات جدید او با پاسخ سطحی و برخورد‌های کهنه حل و برآورده نمی‌شود. با تغییر زمان؛ نظرات و عقاید دانشجویان تغییر خواهند کرد. بنابراین کسب نظر دانشجویان و اساتید به طور مداوم و مستمر و دوره‌ای در نحوه‌ی کاربرد نتایج ارزشیابی بسیار ضروری و مفید به نظر می‌رسد. از هر دریچه‌ای که به موضوع نگاه شود ضرورت چنین تحقیقی با قوت کامل به چشم می‌خورد.

کلیه‌ی نظام‌های آموزش عالی کشور هر يك به نوعی عملکرد اعضای هیأت علمی خود را بررسی و مورد ارزشیابی قرار می‌دهند. هدف این مطالعه، تعیین مهمترین اولویت‌ها از نظر دانشجویان در مورد ویژگی‌های متفاوت و متنوعی است که در عملکرد يك مدرس می‌توان در نظر گرفت و هم چنین تعیین بالاترین امتیازی است که دانشجویان برای هر يك از رفتارهای مطرح شده به صورت سؤال در نظر می‌گیرند و از طریق نظر خواهی از دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای مرودشت، شیراز و زرقان بررسی کند، چه کسانی معتبرترین افراد برای ارزشیابی عملکرد آموزش استاد می‌باشند و اطلاعاتی را به منظور تهیه ابزارهای مناسب و معتبر برای نظام ارزیابی استاد فراهم کند تا مسؤولین دانشگاه با اطمینان بیشتری از نتایج آن در تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنند.

سؤالات پژوهش

۱ - چه کسانی صلاحیت ارزشیابی استاد را دارند؟

۲ - نتایج ارزشیابی باید در اختیار چه کسانی قرار گیرد؟

۳ - نتایج ارزشیابی در چه مواردی باید مورد استفاده قرار گیرد؟

۴ - آیا در ارزشیابی استاد، مهارت‌های تدریس او بیشترین دخالت را دارد؟

۵ - آیا در ارزشیابی استاد، ویژگی‌های فردی او بیشترین دخالت را دارد؟

۶ - آیا در ارزشیابی استاد، مهارت‌های ارزشیابی او بیشترین دخالت را دارد؟

۷ - آیا در ارزشیابی استاد، رعایت اصول و قوانین آموزشی توسط او بیشترین دخالت را دارد؟

۸ - آیا در ارزشیابی استاد، مهارت‌های ارتباطی او بیشترین دخالت را دارد؟

۹ - آیا بین نظرات دانشجویان پسر و دختر در ابعاد یاد شده‌ی بالا، تفاوت وجود دارد؟

۱۰ - آیا بین نظرات اساتید زن و مرد در ابعاد یاد شده‌ی بالا، تفاوت وجود دارد؟

۱۱ - آیا بین نظرات دانشجویان و اساتید در ابعاد یاد شده‌ی بالا، تفاوت وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی پیمایشی است. اطلاعات به دست آمده بدون هیچ گونه دخل و تصرف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج پیمایش با توجه به سؤالات پژوهش، تفسیر شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مناسب‌ترین ابزار، پرسشنامه در نظر گرفته شده است. دو جامعه‌ی مورد مطالعه؛ اعضای هیأت علمی (اساتید تمام وقت، نیمه‌وقت، بورسیه، حق‌التدریس) و دانشجویان شاغل به تحصیل کلیه‌ی رشته‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، زرقان و شیراز بوده‌اند.

با توجه به اینکه واریانس صفت مورد مطالعه در دسترس نبوده، ابتدا با استفاده از فرمول «سرایی ۱۳۷۲» حجم نمونه‌ی جامعه‌ی آماری دانشجویان مشخص گردید:

$$n = n_2 s_2^2 n d^2 + t^2 s^2 = 19791 * 1/962^2 * 2/282 + 1979 * 1032^2 * 1/962^2 * 2/282 = 1700$$

روش نمونه‌گیری

طبقه‌ای متناسب با حجم می‌باشد. برای انتخاب نمونه‌های آماری این پژوهش، تعداد نمونه‌ها متناسب با تعداد جامعه‌ی آماری اساتید و دانشجویان سه دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، شیراز، زرقان و رشته‌های تحصیلی دانشجویان و همچنین جنسیت اساتید و دانشجویان انتخاب

گردیدند که ۱۷۰۰ پرسشنامه بین نمونه‌های دانشجویان توزیع شده و ۱۶۴۰ پرسشنامه برگشت شده که نرخ بازگشت ۹۶ درصد بوده است.

نمونه‌های پژوهش از میان سه دانشگاه آزاد مرودشت در ۳۷ رشته در مقطع کاردانی و کارشناسی و ۲ رشته در مقطع کارشناسی ارشد و در دانشگاه آزاد زرگان در ۵ رشته در مقطع کاردانی و در دانشگاه آزاد شیراز ۵۵ رشته‌ی کاردانی و کارشناسی و ۶ رشته در مقطع کارشناسی ارشد انتخاب شدند.

مقادیر مورد نظر برای محاسبه‌ی حجم نمونه‌ی ما به شرح زیر است:

تعداد کل اساتید مورد مطالعه ۹۴۴ نفر و تعداد کل دانشجویان مورد مطالعه ۱۹۷۹۱ نفر، که نمونه‌ی انتخابی اساتید ۱۷٪ جامعه و برابر با ۱۶۰ نفر و نمونه‌ی انتخابی دانشجویان ۸۰٪ جامعه و معادل ۱۷۰۰ نفر محاسبه شده است.

ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه، محقق ساخته است که شامل ۵ سوال دموگرافیک، ۲۵ سوال بسته پاسخ با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت و ۲ سوال باز پاسخ بوده است و با نظرخواهی از اساتید، دانشجویان و کارشناسان آموزشی؛ روایی صوری و روایی محتوایی آن تعیین گردیده است. ضریب پایانی پرسشنامه از طریق فرمول آلفای کرانباخ، با اجرای مقدماتی پرسشنامه محاسبه شده که معادل ۹۲/۰ بوده است. این خود حاکی از اعتبار بالای ابزار اندازه‌گیری می‌باشد.

استنتاجات حاصله از یافته‌های تحقیق در خصوص سؤالات پژوهش:

۱ - چه کسانی صلاحیت ارزشیابی استاد را دارند؟

با توجه به یافته‌های تحقیق مشخص گردید که ۳/۶۱ درصد از اساتید معتقدند که همه‌ی دانشجویان می‌توانند اساتید را ارزشیابی نمایند، در حالیکه فقط ۵/۲۷ درصد از اساتید اعتقاد داشتند که صرفاً باید دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری، اساتید را ارزشیابی نمایند.

ولی ۹/۷۶ درصد از دانشجویان معتقد بودند که اساتید باید توسط مدیر گروه ارزشیابی شوند و صرفاً ۵/۳۰ درصد از دانشجویان اعتقاد داشتند که اساتید صرفاً باید توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری ارزشیابی شوند و در کل، نتایج این تحقیق مشخص می‌سازد که ضمن اینکه ارزشیابی دانشجویی مهم است، لذا نباید یگانه ابزار ارزشیابی استاد باشد و می‌بایست از نظر همکاران و مخصوصاً مدیر گروه نیز استفاده نمود.

۲ - نتایج ارزشیابی باید در اختیار چه کسانی قرار گیرد؟

با توجه به یافته‌های تحقیق ۶/۷۹ درصد از دانشجویان معتقدند که نتایج ارزشیابی می‌بایست در اختیار مدیر گروه قرار گیرد و تنها ۲/۳۷ درصد از دانشجویان عقیده دارند که نتایج ارزشیابی باید فقط در اختیار خود استاد قرار گیرد.

۶/۶۲ درصد از اساتید نیز معتقدند که نتایج ارزشیابی می‌بایست در اختیار مدیر گروه قرار گیرد و تنها ۵/۲۲ درصد از اساتید عقیده دارند که این نتایج باید در اختیار سایر همکاران قرار گیرد. نتایج حاصله حکایت از یک بی‌اعتمادی دارد زیرا:

الف) دانشجو، یا نمی‌داند که دلیل و هدف از ارزشیابی چیست که حاضر نیست قبول نماید نتایج ارزشیابی استاد در اختیار خود او قرار گیرد؛ یا نسبت به استاد خود بی‌اعتماد است که عقیده دارد ممکن است بعدها توسط استاد شناسایی شود و در نمره‌ی او تاثیر گذارد یا عقیده دارد که اگر نتایج در اختیار استاد قرار گیرد ممکن است هیچگونه ترتیب اثری نداشته باشد.

ب) اساتید نیز یا از اهمیت ارزشیابی خود توسط همکاران غافل هستند یا عقیده دارند که همکاران ممکن است این نتایج را یا بر علیه آنان استفاده نمایند و یا نقاط ضعف آنها بر سایر همکاران هویدا شود.

۳ - نتایج ارزشیابی در چه مواردی باید مورد استفاده قرار گیرد

با توجه به یافته‌های تحقیق ۲/۶۸ درصد از اساتید و ۲/۷۵ درصد از دانشجویان معتقدند که نتایج ارزشیابی باید صرفاً برای اصلاح روش‌های تدریس بکار رود. نتایج حاصله حکایت از این دارد که:

الف) یک نزدیکی رأی و عقیده بین اساتید و دانشجویان وجود دارد که هر دو مایل‌اند نقطه نظرات مطرح شده جهت بالا بردن کیفیت تدریس مورد استفاده قرار گیرد.

ب) نکته‌ی جالب در این تحقیق همانا اعتقاد اساتید به نتایج ارزشیابی دانشجویی است؛ تقریباً ۹/۶۱ درصد از آنها حاضرند این نتایج به عنوان یکی از ملاکهای افزایش حقوق در نظر گرفته شود.

۴ - آیا در ارزشیابی استاد، مهارت‌های تدریس او بیشترین دخالت را دارد؟

با توجه به یافته‌های تحقیق، ۶/۹۲ درصد از اساتید معتقدند که در ارزشیابی استاد، مطرح نمودن مطالب علمی جدید و ایجاد موقعیت تفکر و ۹۷ درصد دانشجویان معتقدند که در ارزشیابی استاد، تسلط بر موضوع درسی بسیار مهم است.

۵ - آیا در ارزشیابی استاد ویژگی فردی او بیشترین دخالت را دارد؟

با توجه به یافته‌های تحقیق، ۶/۹۲ درصد از دانشجویان فن شیوایی بیان استاد را در ارزشیابی خیلی مهم دانسته‌اند و ۲/۹۱ درصد از اساتید اعتماد به نفس را در ارزشیابی بسیار مهم می‌دانند.

۶- آیا در ارزشیابی استاد، مهارت‌های ارزشیابی او بیشترین دخالت را دارد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، ۶/۷۵ درصد از دانشجویان معتقدند که باید استاد در برگزاری امتحان جامع و دقیق در پایان ترم خبره باشد و همچنین ۹/۸۶ درصد از اساتید عقیده دارند که استاد می‌بایست در برگزاری امتحان جامع و دقیق در پایان ترم خبره باشد.

نکته‌ی مورد تعمق اینکه در این تحقیق تنها ۷/۵۷ درصد از دانشجویان خواهان این مسأله بودند که استاد می‌بایست تکلیف تحقیقی از دانشجویان بخواهد و جالب اینکه از نظر اساتید، خواستن تکلیف تحقیقی از دانشجویان حتی در درجه‌ی دوم اهمیت نیز نبود؛ زیرا ۲/۷۲ درصد از اساتید، به این گزینه که در طول ترم چندین بار دانشجویان باید ارزشیابی شوند، رای دادند. نکته‌ی جالب در این تحقیق این است که متأسفانه گویی هنوز اساتید محترم و دانشجویان گرامی، رسالت دانشگاه را صرفاً آموزش می‌دانند و در واقع انگاره‌ی سنتی یاددهی - یادگیری را که منشعب از افکار جان لاک می‌باشد، سرلوحه‌ی کار خود قرار داده‌اند و عقیده دارند که تنها وظیفه‌ی دانشگاه آموزش است و آموزش؛ یعنی پرکردن ذهن دانشجو با دانش و اطلاعات و وظیفه‌ی استاد نیز انتقال این دانش است و هدف از ارزشیابی نیز همانا ارائه‌ی محفوظات توسط دانشجو می‌باشد و گویی هیچگونه عقیده‌ای وجود ندارد که بتوان رویکرد پژوهشی نیز از دانشگاه طلب نمود و تصور نمود که یکی از وظایف اصلی دانشگاه، همانا پرورش متخصصان و نخبگان خردمندی است که توانایی پژوهش علمی را داشته باشند و بتوانند با بدست آوردن فناوری اطلاعات منجر به پیشرفت دانش شوند.

۷ - آیا در ارزشیابی استاد، رعایت اصول و قوانین آموزشی توسط او بیشترین دخالت را دارد؟

با توجه به یافته‌های تحقیق، مشخص گردید که ۸/۶۹ درصد از دانشجویان معتقدند که زمان شروع و پایان کلاس مطابق برنامه‌ی آموزشی توسط استاد در ارزشیابی او موثر است. در حالیکه ۸۵ درصد از اساتید زمان شروع و پایان کلاس مطابق برنامه ریزی آموزشی را در ارزشیابی خود موثر می‌دانستند.

نکته‌ی قابل توجه در بخش رعایت اصول و قوانین آموزشی، اهمیت دادن اساتید و دانشجویان به شروع و پایان کلاس مطابق با برنامه‌ی آموزشی است و این نشانگر اهمیت فوق‌العاده‌ای است که هر دو قشر به امر تعلیم و تربیت می‌دهند و نکته‌ی جالبتر اینکه هر چند حضور و غیاب در درجه‌ی دوم اهمیت قرار گرفته، ولی نزدیک به ۷/۶۵ درصد از اساتید و ۲/۵۱ درصد از دانشجویان حضور و غیاب دقیق را لازم می‌دانند در حالیکه باید توجه داشت که حضور و غیاب خود یک وسیله است جهت رسیدن به هدف که همان یادگیری است و ممکن است یک جابه جایی بین هدف و وسیله صورت گرفته باشد.

۸ - آیا در ارزشیابی استاد، مهارت‌های ارتباطی او بیشترین دخالت را دارد؟

با توجه به یافته‌های تحقیق، ۸/۷۸ درصد از اساتید معتقدند که ارتباط صمیمانه‌ی دانشجو در ارزشیابی دانشجویی می‌تواند موثر باشد و ۲/۸۵ درصد از دانشجویان نیز عقیده دارند که اگر در جریان تدریس، استاد با دانشجو ارتباط مستمر داشته باشد، بسیار بهتر است.

نکته‌ی قابل بررسی در این تحقیق این است که بین نظرات اساتید و دانشجویان یک تفاوت اساسی وجود دارد که دانشجویان ارتباط صمیمانه را؛ باب با استاد بیشتر در مسائل تدریس لازم و اساسی می‌دانند و دوست دارند که اساتید در هنگام تدریس یک ارتباط مستمر را با دانشجویان برقرار نمایند و می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان بیشتر مایل‌اند که اساتید روش تدریس گروهی و جمعی را در کلاس اعمال نمایند و تدریس، مشارکتی باشد.

۹ - آیا بین نظرات دانشجویان پسر و دختر در خصوص ویژگی‌های استاد خوب تفاوت وجود دارد؟

بر اساس یافته‌های جدول، t مشاهده شده در خصوص مهارت تدریس، مهارت‌های ارزشیابی، ویژگی‌های فردی، مهارت‌های ارتباطی، در سطح $P < 0/05$ معنادار بوده و بنابراین بین نظرات دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

نکته‌ی قابل ذکر در این یافته‌ها این است که رعایت قوانین و مقررات توسط اسناد، به عنوان ویژگی مهم يك استاد خوب از دیدگاه هر دو گروه مطرح شده‌اند. در حالیکه قوانین و مقررات وسیله‌ای هستند جهت یادگیری نه هدف یادگیری.

۱۰ - آیا بین نظرات اساتید و دانشجویان در خصوص ویژگی‌های اسناد خوب تفاوت وجود دارد؟
براساس یافته‌های جدول، t مشاهده در خصوص ویژگی فردی، مهارت‌های ارزشیابی، رعایت اصول و قوانین، مهارت‌های ارتباطی، در سطوح $P < 0/01$ معنادار بوده و بنابراین بین نظرات اساتید و دانشجویان تفاوت وجود دارد.

نکته‌ی قابل تأمل در این یافته‌ها، همانا توافق بین اساتید و دانشجویان در خصوص مهارت‌های تدریس به عنوان ویژگی استاد خوب می‌باشد. پس می‌طلبید که اساتید محترم، مهارت‌های تدریس (تسلط بر موضوع درسی، مطالب جدید، استفاده از وسایل کمک آموزشی، استفاده از تدریس گروهی و جمعی و...) را جدی گرفته و در جهت رفع نواقص و با تأکید بر نقاط قوت، باعث رضایت بیش از پیش دانشجویان محترم را فراهم آورند.

از یافته‌های تحقیق در مقایسه‌ی نظرات اساتید و دانشجویان؛ در خصوص نتایج ارزشیابی در چه مواردی باید مورد استفاده قرار گیرد؟ چنین بر می‌آید که اساتید معتقدند که نتایج ارزشیابی باید صرفاً برای اصلاح روش‌های تدریس بکار رود و جالب اینکه دانشجویان نیز بر همین نظر اعتقاد دارند که نتایج ارزشیابی باید صرفاً جهت اصلاح روش‌های تدریس بکار رود و نکته‌ی قابل ذکر این است که هر دو گروه حداقل نمره را به این گزینه داده‌اند که نتایج ارزشیابی باید بعنوان یکی از ملاک‌های افزایش حقوق در نظر گرفته شود.

از یافته‌های تحقیق در مقایسه‌ی نظرات اساتید و دانشجویان؛ در خصوص چه کسانی صلاحیت ارزشیابی استاد را دارند؟ چنین بر می‌آید که اساتید معتقدند که همه‌ی دانشجویان می‌توانند اساتید را ارزشیابی کنند، ولی دانشجویان عقیده داشتند که اساتید باید توسط مدیر گروه ارزشیابی شوند؟

نکته حائز اهمیت در این تحقیق، اعتماد و اطمینان اساتید به دانشجویان می‌باشد، چون اساتید معتقدند که همه‌ی دانشجویان صلاحیت ارزشیابی آنان را دارند، ولی خود دانشجویان چنین اعتماد به نفسی را ندارند که می‌توانند اساتید خود را ارزشیابی کنند و معتقدند که اساتید باید توسط مدیر گروه ارزشیابی شوند.

از یافته‌های تحقیق در مقایسه‌ی نظرات اساتید و دانشجویان؛ در خصوص نتایج ارزشیابی در اختیار چه کسانی باید قرار گیرد، چنین بر آمد که:

اساتید بیشتر موافق هستند تا نتایج ارزشیابی آنان در اختیار مدیر گروه و معاون آموزشی قرار گیرد و نکته‌ی جالب اینکه آنان مایل نیستند که نتایج ارزشیابی آنان در اختیار سایر همکارانشان قرار گیرد و به این گزینه کمترین نمره را دادند، که البته جای سوال است، بدلیل اینکه همکاران نیز می‌توانند منبع بسیار خوبی باشند جهت ارائه‌ی راه حل‌های مختلف؛ پس چرا اساتید مخالف هستند تا نتایج ارزشیابی آنان در اختیار همکاران قرار گیرد؟

نکته‌ی جالبتر اینکه دانشجویان نیز مایل‌اند که نتایج ارزشیابی در اختیار مدیر گروه قرار گیرد، ولی کمترین نمره را به این گزینه دادند که نتایج ارزشیابی باید در اختیار خود استاد قرار گیرد. با توجه به یافته‌های فوق، جای تأمل و تعمق بسیار است که چرا اساتید به همکاران خود و دانشجویان به اساتید خود، اعتماد لازم را ندارند.

همچنین از یافته‌های جدول چنین برمی‌آید که با توجه به اینکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۱ بزرگتر می‌باشد، لذا مهارت‌های تدریس، ویژگی‌های فردی، مهارت‌های ارزشیابی، رعایت اصول و قوانین و مقررات آموزشی، مهارت‌های ارتباطی بیش از سطح متوسط در ارزشیابی مؤثر است.

منابع:

۱ - احرام‌پوش، محمدحسین، مظلومی، سعید. کلانتر، مهدی (۱۳۷۹) ویژگی‌های يك استاد خوب از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی یزد، سال هشتم، شماره ضمیمه ۲، صص ۱۰۴ - ۱۰۸.

۲ - توکل، محسن (۱۳۷۷)، بررسی ویژگی‌های استادان از دیدگاه دانشجویان، پژوهش در علوم پزشکی، مجله‌ی علمی - پژوهشی دانشگاه اصفهان، سال سوم، ش ۳۳ - ۳۵.

- ۳ - حاجی آقاجانی، سعید (۱۳۷۵) بررسی نظرات اساتید دانشکده‌ی پرستاری و مامایی شهید بهشتی تهران در رابطه با اثر ارزشیابی دانشجویی بر چگونگی تدریس آنان و میزان رضایت از انجام ارزشیابی دانشجویی در سال ۱۳۷۵، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد «پرستاری» دانشکده‌ی علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، دانشکده‌ی پرستاری و مامایی.
- ۴ - جعفری، فریبا. شهابی، سعیده. شایان، شهرام (۱۳۷۷). ارزشیابی اعضای هیأت علمی در مقاطع تحصیلات تکمیلی: طرح مقدماتی. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان سومین همایش سراسری آموزش پزشکی.
- ۵ - حسینی، سیدمسعود. سرچشمی، رامین، (۱۳۸۱)، دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در موارد اولویت‌های ارزشیابی اساتید، مجله‌ی دانشکده‌ی علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی قزوین شماره‌ی ۲۲.
- ۶ - خیر، محمد، ۱۳۸۰، ارزشیابی تدریس اثر بخش در آموزش عالی با تأکید بر ارزشیابی دانشجویی، نشریه‌ی دانش و پژوهش، شماره‌ی هفتم، صص ۹۳-۱۱۴.
- ۷ - سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۶)، روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ویرایش دوم تهران، دوران
- ۸ - شکورنیا، عبدالحسین. مظفر، علیرضا. مطلق، محمداسماعیل (۱۳۷۹) بررسی نظرات اساتید دانشگاه علوم پزشکی اهواز نسبت به ارزشیابی استاد در سال ۱۳۷۵، مجله‌ی پزشکی ویژه‌نامه‌ی چهارمین همایش کشوری آموزش پزشکی.
- ۹ - عرب خردمند، علی. حاجی آقاجانی، سعید (۱۳۷۶) بررسی نظر مدرسین دانشکده‌ی علوم سمنان درباره‌ی اثر ارزشیابی بر شیوه‌ی آموزشی و رضایت آنان از ارزشیابی، طب و تزکیه، شماره‌ی ۲۶
- ۱۰ - گرجی، یوسف (۱۳۷۳)، رابطه‌ی میزان محبوبیت اجتماعی استادان از نظر دانشجویان و نحوه‌ی ارزشیابی دانشجویان از فعالیت‌های آموزشی آنان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه علامه طباطبائی
- ۱۱ - مرندی، اعظم (۱۳۸۰) بررسی معیارهای استاد خوب از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی زاهدان در نیمه‌ی اول سال تحصیلی ۸۰ - ۱۳۸۱، پایان‌نامه‌ی دکتری «پزشکی» دانشکده‌ی علوم پزشکی، دانشکده‌ی پزشکی.
- ۱۲ - مطلق، محمداسماعیل، دیگران (۱۳۷۹) بررسی نظرات اساتید دانشگاه علوم پزشکی اهواز نسبت به ارزشیابی استاد در سال ۷۸، مجله‌ی دانشکده‌ی پزشکی، ویژه‌نامه‌ی چهارمین همایش کشوری آموزش پزشکی
- ۱۳ - منصوری، مهشید (۱۳۷۲) مقایسه‌ی نظرات دانشجویان کارشناسی ارشد و کارشناسی رشته‌ی کتابداری دانشگاه‌های دولتی تهران در مورد یک استاد خوب دانشگاهی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد «کتابداری» دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده‌ی علوم.
- ۱۴ - یارمحمدیان، محمدحسین و پاکاران، سارا (۱۳۷۴) مروری بر مطالعات و تحقیقات مربوط به ارزشیابی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز مطالعات توسعه‌ی آموزش پزشکی.

15. Barclay, 1995, childhood, Program evaluation throught the eyes of achild.
16. W, Cooley (1976). Educational: Evaluation research in education, New York
17. M, BAILEY & .H.W, MARSH (1993). evaluation of , multidimensional student.
18. Peter F, Oliva (1994). Longman :New York .Supervision for Today schools.
19. Keneth D.1995 ,Peterson .Teacher evaluation corwin pressinc.p:29
20. Final Report.Task Force on Teaching .(1998) University of Wisconsin-Green Bay
- http://yourU.Ca/admin/univec/sencomm/scol .II Foxglble CCS :http .Evaluation htm.h, Washington, DC.

بررسی فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران
(با رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی)

کریم خان محمدی

{P} . عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم، قم.

چکیده

شکی نیست که ارزیابی روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها، آنهم پس از گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب فرهنگی - سیاسی ایران؛ از اهمیت بالایی برخوردار است. مقاله‌ی حاضر با رویکرد سیاست‌گذاری عمومی، درصدد نقد و بررسی پروژه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌هاست. چارچوب مورد استفاده‌ی این تحلیل، الگوی چند مرحله‌ای سیاست‌گذاری عمومی است، چون روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در طی طول زمان و در مراحل مختلف رخ داده است. این مقاله برای روشن شدن فضای مفهومی بحث، به ناگزیر تاریخچه‌ی مختصری از مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها را ارائه نموده است که طی آن اشاراتی مفید و مختصر به تاریخچه اسلامی کردن علوم در جهان اسلام؛ تاریخچه اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران (البته روند اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها پس از انقلاب) دارد.

نکته‌ی دیگر، بررسی دو نوع گفتمان در روند این اسلامی سازی است: گفتمان سیاستی و گفتمان ارشادی که طی آن، به بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و سپس مقام معظم رهبری در مورد چگونگی برخورد آنها با مقوله‌ی اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها پرداخته است. در نهایت در این مقاله تلاش شده تا پدیده‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران بر مبنای مراحل تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گیرد؛ یعنی مراحل هم‌چون: تشخیص مسأله، مبانی‌نظر مسأله‌یابی و راه‌حلیابی، شناسایی راه‌حل‌ها، تصمیم‌گیری، انتخاب ابزار سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعیین بودجه و آنگاه بازخورد و ارزیابی سیاست اجرا شده.

واژگان کلیدی

اسلامی کردن دانشگاه، گفتمان سیاستی، گفتمان ارشادی، دانشگاه، استاد، دانشجو، مدیریت دانشگاه، شناسایی مسائل، شناسایی راه‌حل‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و اخذ بازخورد، ارزیابی سیاست‌های اجرا شده، محتوای درس، سیستم آموزشی.

در دوران معاصر هم‌زمان با جهان‌شمولی فرهنگ غرب، جریان مقاومت تحت عناوین «استقلال خواهی»، «احیاء» و «حفظ هویت» شکل گرفته و در مقابل فرهنگ غرب قرار گرفته است. در کلیه‌ی جوامع شرقی به ویژه در جوامع اسلامی، از جمله ایران، تقابل فرهنگی بومی (ایرانی - اسلامی) و فرهنگ جدید غربی از چالش‌های عمده‌ی دوپست سال اخیر بوده است. واکنش ایران به دخالت بیگانه به خاطر داشتن «فرهنگ دیرینه» و درون مایه‌های اعتقادی دیرین؛ هم‌چون اعتقاد به تقابل «حق» و «باطل» شدیدتر بوده و به تعبیر نیکی.آر.کدی، ایران را به یک کشور شورش خیز تبدیل کرده است.

{P} . نیکی. کدی، ۱۳۷۸، چرایی انقلابی شدن ایران، ترجمه فردین قریشی، فصلنامه متین، سال اول، ش ۲، ص ۲۲۱. {P}

جنبش‌های ایران هم‌چون: جنبش تنباکو، انقلاب مشروطیت، جنبش نفت و قیام ۱۵ خرداد، در نهایت در سال ۵۷ با انقلاب اسلامی به ثمر نشست و نظام «جمهوری اسلامی» را جایگزین نظام پادشاهی کرد. محققان معتقدند که ماهیت نظام جمهوری اسلامی در چهار مفهوم محوری «استقلال»، «آزادی»، «جمهوریت» و «اسلامی بودن» متبلور است. انقلاب {P} . کریم خان محمدی، ۱۳۸۱، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۲۰، ص ۲۰۸. {P}

اسلامی ایران بر اساس یافته‌های پژوهشی، جنبه‌ی اقتصادی نداشت و عمدتاً بر فرهنگ متمرکز بود. همچنان که تحلیل شعارهای انقلاب نشان می‌دهد ۵/۵۴ درصد از شعارهای انقلاب، ارزش‌های فرهنگی و ۶/۳۹ درصد شعارها، ارزش‌های سیاسی را مورد هدف قرار داده و تنها ۹/۵ درصد شعارها جنبه‌ی اقتصادی داشت. امام خمینی (ره) انقلاب ایران را يك {P} . محمد حسین پناهی، ۱۳۷۸، فصلنامه علوم اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه، ش ۱۱-۱۲. P} انقلاب فرهنگی ارزیابی نمودند. پس از پیروزی انقلاب، انقلاب فرهنگی مهم‌ترین دل مشغولی رهبران انقلاب بود و این توجه عمدتاً به دانشگاه‌ها معطوف گشت. زیرا فساد و صلاح کشور به دانشگاه‌ها وابسته است. دانشگاه مرکز پرورش دانشمندان و مدیران يك کشور است. پیامبراکرم (ص) فرمود: «دو گروهند که اگر اصلاح شوند جامعه به صلاح می‌گراید و اگر فاسد گردند جامعه فاسد می‌شود، گفته شد یا رسول الله آن دو گروه کیانند؟ فرمود: دانشمندان و مدیران.» {P} . شیخ صدوق، الخصال، ۱۳۶۲، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ص ۳۶. P}

به نظر می‌رسد ارزیابی فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها، پس از گذشت ۲۸ سال از انقلاب فرهنگی - سیاسی ایران، از اهمیت به سزایی برخوردار است. این مقاله در صدد است با يك چشم‌انداز کلی و با رویکرد سیاست‌گذاری عمومی، پروژه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها را نقد و بررسی نماید. از آن جا که این پروژه در طی زمان رخ داده و مراحل مختلفی را طی نموده است، الگوی چند مرحله‌ای سیاست‌گذاری عمومی به عنوان چارچوب تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. قبل از ارائه‌ی الگوی تحلیل، جهت روشن شدن «فضای مفهومی» و زمینه‌ی بحث، تاریخچه‌ی مختصری از «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» ارائه می‌شود.

تاریخچه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها

جهت ارائه‌ی چشم‌انداز جامعی از قضیه، تاریخچه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در دو سطح جهان اسلام و ایران، به صورت مختصر و گذرا گزارش می‌شود.

الف) تاریخچه‌ی اسلامی کردن علوم در جهان اسلام

- ۱ - تأسیس جمعیت جامعه‌ی مسلمان توسط اتحادیه‌ی دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا به پیشنهاد عبدالحمید ابوسلیمان، در سال ۱۳۹۲ هـ / ق / ۱۹۷۲ م.
- ۲ - برگزاری کنفرانس جهانی اندیشه‌ی اسلامی در لوزان سوئیس، به سال ۱۳۹۷ هـ / ق / ۱۹۷۷ م.
- ۳ - برگزاری اولین کنگره‌ی جهانی اقتصاد اسلامی بنا به سفارش دومین اجلاس‌یه‌ی کنفرانس جهانی جوانان مسلمان در دانشگاه ملک عبدالعزیز، به سال ۱۳۸۴ هـ / ق / ۱۹۷۴ م.
- ۴ - انعقاد اولین کنگره‌ی جهانی تربیت اسلامی در مکه‌ی مکرمه بنا به دعوت دانشگاه ملک عبدالعزیز، به سال ۱۳۹۷ هـ / ق / ۱۹۷۷ م.
- ۵ - ایجاد مؤسسه‌ی جهانی اندیشه‌ی اسلامی در آمریکا که در سال ۱۴۰۲ هـ / ق / ۱۹۸۱ م به صورت رسمی تأسیس شد و اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد و کتاب‌هایی نیز از این مؤسسه ترجمه شده است.

۶ - سلسله نشست‌های جهانی کنفرانس اسلامی کردن معرفت، که دومین نشست آن با نام «سمینار اسلامی کردن معرفت» در اسلام آباد پاکستان به سال ۱۴۰۲ هـ / ق / ۱۹۸۲ م تشکیل گردید و بحث‌های آن در کتاب‌های مهمی به زبان انگلیسی با عنوان اسلامی کردن معرفت توسط دکتر اسماعیل فاروق به رشته‌ی تحریر درآمد و انتشار یافت.

۷ - مجله‌ی «العالم المعاصر» مقالات و مباحث مفیدی را درباره‌ی بازسازی علوم و به طور خاص علوم اجتماعی به زبان عربی منتشر ساخت.

۸ - مجله‌ی آمریکایی «علوم اجتماعی اسلامی» توسط مؤسسه‌ی جهانی اندیشه‌ی اسلامی و جمعیت شناسان مسلمان آمریکا منتشر می‌شود که مقالات و مباحث مفیدی در مورد اسلامی کردن علوم اجتماعی به زبان انگلیسی منتشر نموده است.

۹ - سرسید احمد خان در علیگره، دانشسرای اسلامی را تأسیس کرد که در ۱۹۲۰ به دانشگاه تبدیل شد.

{P} . علی، دژاکام، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ۱۳۸۲، سال هفتم، ش ۱۷. P}

ب) تاریخچه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران

هر چند جنبش اسلام‌خواهی و اسلامی کردن دانشگاه قبل از انقلاب نیز وجود داشت، لیکن از آن جا که این فعالیت‌ها در چارچوب سیاست‌گذاری عمومی نمی‌گنجد از گزارش آنها صرف نظر نموده و به گزارش روند اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها پس از انقلاب اکتفا می‌شود. پیام نوروزی امام خمینی (ره) در سال ۵۹، پس از يك سال و اندی از پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» به شمار می‌آید. امام (ره) در پیام تاریخی خویش فرمودند:

«باید انقلابی اساسی در تمامی دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید، تا استادانی که در ارتباط با شرق و غرب هستند، تسویه گردند و دانشگاه محیط سالمی برای تدریس علوم عالی اسلامی گردد.»

{P} . امام خمینی (ره)، ۱۳۶۶، پیام نوروزی، به نقل از فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۱.

متعاقب این پیام، پس از اتمام ترم دوم سال تحصیلی ۵۸-۵۹، دانشگاه‌ها جهت بازسازی تعطیل گردید. این حرکت، سرانجام به «انقلاب فرهنگی» موسوم گشت و امام خمینی (ره) در مورخه ۲۳/۳/۱۳۵۹ با صدور حکمی «ستاد انقلاب فرهنگی» را تشکیل داده، آن را به اسلامی کردن دانشگاه‌ها مأمور نمودند. انقلاب فرهنگی (که نخستین جرقه آن در عید سال ۵۹ بسته شده بود) در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با معطوف شدن توجه مسئولین امر به جنگ تحمیلی از تبدیل شدن به گفتمان سیاستی عقیم ماند و صرفاً به عنوان گفتمان ارشادی مورد توجه قرار گرفت. سرانجام از اواسط سال ۱۳۶۱، پس از دو سال تعطیلی، به تدریج دانشگاه‌ها بازگشایی شدند. امام خمینی (ره) در مورخه ۱۶/۹/۱۳۶۳ فرمان تشکیل «شورای عالی انقلاب فرهنگی» را صادر فرمودند، اما به خاطر اشتغال ذهنی مسئولین به مسأله‌ی جنگ، امکان تجزیه و تحلیل و کنکاش درباره‌ی مفهوم دانشگاه اسلامی فراهم نشد، هر چند در دهه‌ی ۶۰ به اقتضای دوران جنگ، در فضای دانشگاهی، مظاهر اسلامی از هژمونی نسبی برخوردار بود، ولی فعالیت محتوایی صورت نگرفت.

پس از پایان جنگ تحمیلی و شروع مجدد دوران سازندگی، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۴، مقوله‌ی انقلاب فرهنگی و اسلامی کردن دانشگاه‌ها را دوباره مطرح و در مورخه ۲۷/۴/۱۳۷۴ وزیر فرهنگ و آموزش عالی را موظف به اسلامی کردن دانشگاه‌ها فرمودند. متعاقب آن ستاد اسلامی کردن دانشگاه‌ها در وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل گردید و پس از جلسات متعدد، وظایف ستاد در ده حوزه تفکیک و برای هر حوزه يك کمیته‌ی تخصصی تشکیل گردید که عناوین آنها به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱ - کمیته‌ی تألیف و ترجمه‌ی کتب علوم انسانی
- ۲ - کمیته‌ی بررسی کتب موجود علوم انسانی
- ۳ - کمیته‌ی شناسایی و تقویت نیروهای مؤثر مسلمان
- ۴ - کمیته‌ی ارائه‌ی دروس و سمینارهای خاص برای هیأت علمی مسلمان در دانشگاه‌ها
- ۵ - کمیته‌ی ارائه‌ی دروس مناسب در دانشگاه‌ها
- ۶ - کمیته‌ی برگزاری سخنرانی‌ها یا سمینارهای مناسب در دانشگاه‌ها
- ۷ - کمیته‌ی مطالعات غرب‌شناسی
- ۸ - کمیته‌ی بازسازی فضای فیزیکی و جو فرهنگی در دانشگاه‌ها
- ۹ - کمیته‌ی ارائه‌ی دروس آزاد برای جوانان
- ۱۰ - کمیته‌ی ارتباط با حوزه.

در روز ۲۹/۲/۱۳۷۵ در دیدار وزیر فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌ها با مقام معظم رهبری، ایشان درباره‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها روشنگری نموده، مردم را در جریان گذاشتند، معظم‌له در این دیدار فرمودند:

«برادران عزیز، دانشگاه اسلامی نیست. باید اسلامی بشود و این نمی‌شود مگر با يك تحول عمیق، بنیادی، دلسوزانه، بلندمدت، برنامه ریزی شده و همه جانبه از سوی شما...» «من این را با همه‌ی وجود معتقدم که دانشگاه نه فقط از لحاظ علمی، بلکه حتی از لحاظ روشن بینی دینی و عمق مذهبی هم پیش رفته است. از این جهت دچار مشکل نیستیم، لیکن آنچه باید بشود نشده است؛ یعنی هنوز دانشگاه اسلامی نشده است. من از رفتار و روند کار در شورای عالی انقلاب فرهنگی راضی نیستم.»

P} . آیت الله خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، ۱۳۷۵، دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، سخنرانی مورخ ۲۹/۲/۱۳۷۵، به نقل از: مصطفی سلیمی، ۱۳۸۲، طرح تحقیق به سوی دانشگاه اسلامی، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۲. P}

متعاقب سخنان رهبری در سال ۱۳۷۵، ایده‌ی اسلامی کردن دانشگاه با رویکرد سیاست‌گذاری در محافل مذهبی حوزه و دانشگاه به گفتمان غالب تبدیل شد. دقت در جملات پیش گفته‌ی مقام معظم رهبری حاکی از نگرانی ایشان از وضعیت فرهنگی دانشگاه‌ها و روند حرکت آن همگام با اهداف نظام اسلامی است. تأکید ایشان بر ضعف مدیریت و نیاز مبرم به برنامه ریزی همه جانبه، نیاز به اتخاذ «رویکرد سیاستی» را در امر اسلامی کردن دانشگاه‌ها محرز نمود. از این روی، طرح پژوهشی «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» توسط معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری اجرا و نتایج آن در زمستان ۱۳۷۵ انتشار یافت. متعاقب آن، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی «دانشگاه اسلامی» به عنوان نهاد علمی دستور مذکور، جهت جمع‌آوری آرا و نظرات مختلف، صورت‌بندی مسائل و ارائه‌ی راهکارهای علمی، پا به عرصه‌ی نشر نهاد.

براساس مصوبه‌ی جلسه‌ی ۴۰۲ مورخ ۱۴/۵/۱۳۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی به منظور تدوین سیاست‌های لازم برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی با عنایت به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری تشکیل شد. دبیرخانه‌ی این شورا ملحوظ داشتن چند اصل را جزو سیاست‌های راهبردی این شورا دانسته است.

۱ - نقد و بررسی منصفانه و به دور از شتاب‌زدگی مجموعه اقداماتی که در گذشته تحت عنوان اسلامی کردن دانشگاه‌ها اتفاق افتاده است.

۲ - تلاش برای مبتنی کردن مجموعه سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات بر دیدگاه‌ها و مبانی نظری حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری و میدان ندادن به تفسیر و تعبیرهای سلیقه‌ای و تندروانه که اصالت و شان دانشگاه را به عنوان یک نهاد مستقل علمی کمتر مدنظر داشتند.

۳ - رعایت استقلال و حفظ حرمت و هویت دانشگاه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی و مدیریتی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان در پی‌گیری موضوع اسلامی شدن.

۴ - پرهیز از شعارگرایی و دور کردن دانشگاه‌ها از عرصه‌های تبلیغاتی و تبدیل شدن آن به موضوعی علمی و با ماهیتی دانشگاهی که قابل نقد و بررسی و پژوهش و برنامه‌ریزی و کنترل و هدایت خردمندانه و واقع‌بینانه باشد.

P} . روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دانشگاه اسلامی (رسالت‌ها، اصول و راهبردها)، ۱۳۸۳، تهران، نشر معارف (چاپ محدود). P}

پس از سال ۱۳۷۵، در سال‌های ۷۶ و ۷۷، اسلامی کردن دانشگاه‌ها «گفتمان غالب» بود. از سال ۷۷ موج آن فروکش کرد و موج اصلاح‌گرایی جناح چپ و چالش‌های پیش روی آن در عرصه‌ی دانشگاه‌ها جلوه نمود. از همان ابتدای مطرح شدن ایده‌ی «اسلامی شدن» در سال ۷۵؛ دو رویکرد عمده در میان موافقان وجود داشت. یک رویکرد متعلق به جریان سنتی بود که بیشتر به ظواهر اسلامی؛ یعنی حجاب اسلامی و حفظ شعائر اسلامی در محیط دانشگاه توجه داشتند. رویکرد دوم متعلق به جریان راست، جوان P} . تعبیر از مقام معظم رهبری، فرمایشات مورخ ۲۹/۲/۱۳۷۵، پیشین. P}

و نسبتاً نوگرای حوزه بود که به «تحول عمیق، بنیادی و همه جانبه» در محتوای علوم انسانی توجه داشته، خواستار تحول آرام و بدون ایجاد تنش در محیط دانشگاه بودند. به نظر می‌رسد که ایده‌ی دوم سرانجام به P} . محمد فنایی اشکوری، ۱۳۷۷، دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ص ۲۳. P}

مقبولیت از سوی سران نظام دست یافت. در سال ۸۲ با این که هیچ تغییر عمده‌ای در ظواهر اسلامی و حفظ شعائر نسبت به سال ۷۵ رخ نداده بود، مقام معظم رهبری با اشاره به اعتکاف جوانان در دانشگاه تهران و سایر مراکز علمی نتیجه می‌گیرند که؛

«کسانی که تبلیغ می‌کنند جوان دانشجوی ما از ارزش‌های دینی روی برگردانده و یا سعی می‌کنند این مساله تحقق پیدا کند، راه خطا را طی می‌کنند و البته ناکام هم خواهند شد.»

P} . آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳، دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، تهران، نشر معارف، چاپ اول، ص ۱۰۵ (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان زنجان مورخ ۲۲/۷/۱۳۸۲). P}

در مقابل؛ ارزیابی مقام معظم رهبری، از پیشرفت محتوایی در علوم انسانی منفی است، ایشان در همان زمان می‌فرمایند:

«ما به خصوص در زمینه‌ی علوم انسانی برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم - حالا چه در زمینه‌ی اقتصاد و چه در زمینه‌ی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - را به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و براساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ی خودمان را تنظیم کنیم، گاهی این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید.»

{P} . همان، ص ۱۲۳. P}

براساس ارزیابی مذکور، در پاسخ به برنامه‌ی جمعی از دانش‌آموختگان حوزه، مقام معظم رهبری، گفت‌وگو «جنبش نرم‌افزار علمی و دینی» را جایگزین مفاهیم پیشین کرده و فرمودند: «آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق»، و سهم «منطق»، همه یک جا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده‌ی دینی در این جامعه است و کلید جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در کلیه‌ی علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است.»

{P} . دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۵، کتابچه‌ی آشنایی با هیأت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ص ۱۲. P}

پیرو پاسخ‌نامه‌ی رهبری که در آن به شورای محترم انقلاب فرهنگی دستور داده شده بود که با فعال نمودن «نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه»؛ «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه‌ی علوم، به ویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی را در دستور کار قرار دهند، براساس مصوبه‌ی ۵۳۳ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۷، «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره» (به ویژه علوم انسانی و معارف اسلامی) را تشکیل داد.

از جمله‌ی اهداف هیأت «زمینه‌سازی ویژه برای نهضت تولید و عرضه‌ی نظریه‌ی اسلامی در علوم انسانی» و «تشویق نخبگان و مراکز علمی کشور به ارائه‌ی نظریات پژوهشی و تولید نظریه در علوم انسانی با اتکاء به مبانی اسلامی به منظور خروج از جزم‌های ترجمه‌ای و وارداتی و نیز تحجر و قشری‌گری» می‌باشد.

{P} . دبیرخانه هیأت، همان، بند ۶ و ۲ از ماده ۴. P}

ناگفته نماند از زمان تصویب نظام‌نامه، تاکنون (مهرماه سال ۱۳۸۵) هنوز فقط یک مورد کرسی نظریه‌پردازی طبق استاندارد نظام‌نامه برگزار شده است. علت این امر هم عدم هماهنگی مراکز دست‌اندرکار به ویژه وزارت {P} . حمید پارسانیا، ۱۳۸۵، مورخه ۱۵/۷/۱۳۸۵، مصاحبه با نگارنده. P}

علوم می‌باشد. به عبارت دیگر هنوز در پیچ و خم اداری است در حالی که مقام معظم رهبری در پایان نامه‌ی خویش نوشته بودند:

«امیدوارم که مراحل اجرای این ایده، دچار فرسایش اداری نشده و تا پیش از بیست و پنجمین سالگرد انقلاب، نخستین ثمرات مهم آن آشکار شده باشد.»

{P} . بیرخانه هیأت، همان. P}

چارچوب تحلیل

در این مقاله، تلاش می‌شود پدیده‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران براساس مراحل تصمیم‌گیری (که در آثار تخصصی رشته‌ی سیاست‌گذاری عمومی ارائه گردیده)، مورد بررسی قرار بگیرد. سیاست پژوهان این مراحل را به پنج، هفت یا نه مرحله تقسیم کرده‌اند، که عبارتند از: تشخیص مسأله، مبانی نظری مسأله‌یابی و راه حل‌یابی، شناسایی راه حل‌ها، تصمیم‌گیری، انتخاب ابزار سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعیین بودجه، اجرا، بازخورد و ارزیابی سیاست اجرا شده. دکتر اشتریان در مقاله‌ی «تدوین مسایل و آرایه‌ی راه حل‌ها در سیاست‌گذاری فرهنگی»، جوهره‌ی آن مراحل را در پنج مرحله‌ی اساسی ذیل بیان کرده‌اند:

{P} . اشتریان، کیومرث، ۱۳۸۱، روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: کتاب آشنا، چاپ اول، ص ۱۷. P}

۱ - شناسایی مسایل و معضلات

۲ - شناسایی راه حل‌ها و ارزیابی پیامدهای احتمالی هر یکی از راه‌حل‌ها

۳ - تصمیم

۴ - اجرا و اخذ بازخوردها

۵ - ارزیابی سیاست اجرا شده

یکی از پژوهشگران، فرایند سیاست‌گذاری عمومی یا برنامه‌ریزی جامع را به ترتیب به ۶ مرحله‌ی ذیل تقسیم نموده‌است:

{P} . علی آقا، پیروز، ابوطالب خدمتی و دیگران، ۱۳۸۳، مدیریت در اسلام، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ص ۲۴. P}

۱ - تعیین اهداف کلان

۲ - تجزیه و تحلیل منابع و امکانات

۳ - شناسایی فرصت‌ها

۴ - تهدیدات و شرایط محیطی شناسایی و تعیین گزینه‌ها

۵ - ارزیابی گزینه‌ها

۶ - انتخاب گزینه مناسب اجرای برنامه.

به تناسب موضوع و با توجه به امکان دسترسی به اطلاعات، موضوع «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» با یک چشم‌انداز کلی با توجه به مراحل ذیل، که تلفیق و اقتباسی از اندیشه‌ی محققان سیاستی است، مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱ - شناسایی مسایل و معضلات

۲ - تعیین اهداف (کلان - خرد)

۳ - تجزیه و تحلیل منابع و امکانات

۴ - شناسایی راه‌حل‌ها با توجه به امکانات و اهداف و اخذ تصمیم

۵ - اجرا و اخذ بازخوردها

۶ - ارزیابی سیاست اجرا شده

با عنایت به مراحل شش‌گانه‌ی فوق، روند «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» در دهه‌ی سوم انقلاب؛ یعنی از سال ۱۳۷۵ (که گفتمان سیاستی جایگزین گفتمان ارشادی گردید) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. البته ممکن است کسی معتقد باشد در جایی که گفتمان سیاستی کارایی؛ یعنی توانایی انجام {P Efficiency} {P}

درست کارها را نداشته باشد، گفتمان ارشادی ارجحیت پیدا کرده، اثربخشی خواهد بود. اما آنچه در ایران اتفاق افتاد و اراده‌ی مقام {P} . کارایی، توانایی انجام درست کارهاست و اثربخشی، توانایی انجام دادن کارهای درست است. {P}

{P Effectiveness. P}

معظم رهبری بدان تعلق گرفت، گفتمان سیاستی بود. این مقاله با اذعان به کمبود اطلاعات، از نگاه یک پژوهشگر علوم اجتماعی در جایگاه مرحله‌ی ششم به ارزیابی سیاست اجرا شده می‌پردازد.

۱ - شناسایی مسایل و معضلات

شناخت عینی مسأله، بخش بنیادی سیاست‌گذاری است. اگر مسأله به صورت عینی تشخیص داده نشود و یا سیاست‌گذاری معطوف به هدفی آرمانی یا ارزشی نباشد، سیاست‌گذاری براساس امر خیالی مبتنی خواهد شد که نامناسب‌ترین نوع سیاست‌گذاری است.

{P} . اشتریان، همان، ص ۴۷. P}

به نظر می‌رسد در مقوله‌ی «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» سیاست‌گذاری معطوف به آرمان اسلامیت نظام بوده و چنان نبود که در سال ۷۴ در دانشگاه‌ها معضل عمده‌ای پیش بیاید و رهبری نظام در صدد برطرف کردن آن برآید. بلکه با توجه به هدف کلی «اسلامی شدن دانشگاه» به عنوان مرکز تفکر جامعه، رهبری به دنبال خط مشی‌های عینی بود که شورای عالی انقلاب فرهنگی این وظیفه را به عهده داشت. از این روی ایشان فرمودند:

«من از رفتار و روند کار در شورای عالی انقلاب فرهنگی راضی نیستم، دانشگاه اسلامی نیست باید اسلامی بشود.»

{P} . آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵، مورخ ۲۹/۲/۷۵، به نقل از سلیمی، پیشین. P}

ایشان در سال ۱۳۷۵ ضمن تأکید بر مواضع قبلی خویش، مبتنی بر لزوم برنامه‌ریزی کوتاه مدت و درازمدت، با اشاره به سطحی نگری فرمودند:

«این گونه کارها منحرف کردن مسأله از سیر حقیقی و ظلم به هدف عالی اسلامی کردن دانشگاهها است. آیندهی این کشور و این انقلاب به اسلامی کردن دانشگاهها وابسته است و هنوز پیشرفت محسوسی در این زمینه نبوده است.»

{P} . روزنامهی ایران، مورخ ۲۰/۶/۱۳۷۵، شماره ۴۶۷، ص ۲. P}

پس از هدف گذاری آرمانی، نوبت به مسأله شناسی می رسد، به این معنی که دانشگاه های ایران چه ویژگی هایی دارند که غیر اسلامی تلقی می شوند؟ دانشگاه های ایران از چه مسائل و آسیب هایی برخوردار هستند؟ در این مقوله بحث های مفصلی صورت گرفت. مروری بر شماره های ۱ تا ۷ فصل نامه ی دانشگاه اسلامی نشانگر درج بیش از ۱۷ مقاله و گفتگو در باب مفهوم شناسی دانشگاه اسلامی و شناخت مسائل دانشگاه ها است. طیف وسیعی از آسیب ها در سال های ۷۶ و ۷۷ در مجلات درج گردید. از آن جا {P} . عباس، زراعت، ۱۳۷۶، راهکارهای عملی اسلامی کردن دانشگاهها، دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۲. P}

که موضوع مقاله، بررسی سیاست گذاری عمومی است، ارزیابی طرح مطالعاتی معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها از سیمای کلی دانشگاهها گزارش می شود:

- بخش قابل توجهی از اساتید از کسانی هستند که یا تربیت یافتگان و مروجین فرهنگ علمی و سیاسی قبل از انقلاب اسلامی اند و یا با اسلام امام راحل؛ یعنی اسلام انقلاب، اسلام ستیزنده و معارض با استکبار و اسلام اداره کننده ی کشور و انقلاب و زندگی اجتماعی سرناسازگاری دارند.
- سیستم آموزش بازمانده از دانشگاه قبل از انقلاب اسلامی است که مشوق مدرک گرایی می باشد.

- مدیران متشرع، اما منفعل در برابر مجموعه شرایط و جامعه ی اساتید مذکور و در نتیجه فاقد تحرك و ابتکار هستند.

- دروس دانشجویان به ویژه در علوم انسانی فاقد محتوای اسلامی هستند

- دانشجویان نیز دانشجویانی هستند که در شرایط سنی، فکری، سیاسی خاص و در شرایط خاص پس از انقلاب و جنگ به سر می برند.

با توجه به ارزیابی فوق، ارکان سه گانه دانشگاه؛ یعنی «اساتید»، «سیستم آموزشی» و «محتوای دروس» هیچ کدام اسلامی نیست. در چنین شرایط حساسی اقتضای سیاست گذاری عمومی این است که مدیریت متمرکز گشته و يك ستاد مرکزی پس از جمع بندی مسائل و با درایت تمام به سیاست گذاری بپردازد. لیکن در ایران در مقوله ی اسلامی کردن دانشگاهها مدیریت واحدی وجود نداشت. علی الظاهر خطاب رهبری به شورای عالی انقلاب فرهنگی است که پیرو آن «شورای اسلامی شدن» در سال ۷۶ تشکیل شد. لیکن متولیان دیگری نیز بودند که به يك منبع و ستاد مرکزی ختم نمی شد. نویسنده ای در شماره ی دوم مجله ی دانشگاه اسلامی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی را مورد انتقاد قرار داده و نوشت:

«در پی ابلاغ مصوبه ی ستاد اسلامی کردن دانشگاهها (مستقر در وزارت فرهنگ و آموزش عالی) به شماره ی ۱۳۸۴/۱۵۰۱۴/س مورخ ۲۴/۱۱/۷۵ به دانشگاه، مبنی بر تشکیل شورای اسلامی کردن دانشگاهها در هریک از دانشگاههای کشور، گزارش های رسیده حاکی از آن است که این شوراها به تدریج در دانشگاهها تشکیل شده و یا در حال تشکیل است. براساس گزارش های مزبور، در حال حاضر بخش اعظم موضوعات در دستور کار این شوراها، تنظیم آیین نامه و شرح وظایف و ترکیب اعضای آنها است و تاکنون گزارشی از آغاز يك مطالعه ی علمی و جدی در حوزه ی تخصصی يك دانشگاه و رشته های علمی مربوطه و برداشتن اولین گام های لازم برای تدوین اصلی ترین سؤالات مورد نیاز در موضوع «اسلامی کردن دانشگاهها» به دست ما نرسیده است. مجله ی دانشگاه اسلامی ضمن آرزوی توفیق برای این شوراها، هشدار می دهد که در افتادن به وادی بحث های سطحی و تعیین حد و مرزهای دیوان سالاری راه به جایی نمی برد و جز ایجاد فاصله و دوری از هدف والای «اسلامی کردن دانشگاهها» نتیجه ی دیگری در پی ندارد.»

{P} . فصلنامه ی دانشگاه اسلامی، ش ۲، س ۱۳۷۶، ص ۱۱۵ P}

نهاد دیگری که خود را در اسلامی کردن دانشگاهها سهیم می دانست دفتر همکاری حوزه و دانشگاه بود، که در تیرماه سال ۷۶ طی نامه ای به مدیر مسؤل فصلنامه ی دانشگاه اسلامی، ضمن برحذر داشتن از افراط و تفریط و توجه به بُعد روان شناختی قضیه، اهم آفات اسلامی شدن دانشگاهها را گوشزد کرد که عبارتند از:

الف) توهم «فدا شدن روحیه ی علمی و ابداع و ابتکار»

ب) توهم «دستوری بودن و تحمیل از بیرون»
ج) ظاهرگرایی افراطی در مقابل غفلت مطلق از ظواهر دینی
د) گمان «جناح‌بندی‌های سیاسی» به مثابه عامل محرک
ه) تصور «حوزوی کردن دانشگاه»

{P} . علیرضا، اعرافی، ۱۳۷۶، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، شماره‌ی ۲، ص ۱۲۱. P
به نظر می‌رسد وجود شکاف بین نهادهای وابسته به رهبری و وزارت فرهنگ و آموزش عالی که مورد خطاب سیاستی قرار گرفته بود، فرایند سیاست‌گذاری را کند و از اهداف مقام معظم رهبری (که خواهان تسریع در کارها و دوری جستن از دیوان‌سالاری مخرب بود) دور می‌ساخت، چنان که می‌بینیم شورای اسلامی کردن دانشگاه‌ها با دو سال تأخیر در سال ۱۳۷۷ تشکیل و ریاست «شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی» از سوی ریاست محترم جمهوری (سید محمد خاتمی) به کسی واگذار می‌شود که اصولاً مورد پذیرش مراکز حوزوی و نهادهایی که خودشان را متولی اولیه‌ی اسلامی شدن می‌دانند نیست و همین شکاف باعث شد گفتمان سیاستی به معارضه‌ی سیاسی تبدیل گردد.

۲ - تعیین اهداف

اهداف را می‌توان به دو سطح کلان و خرد تقسیم نمود تا براساس آن سیاست‌های راهبردی و اجرایی تعیین گردد. علی‌القاعده هدف کلان {P} . علی آقا، پیروز، پیشین. P
می‌بایست از سوی مقام معظم رهبری تعیین می‌شد که براساس راهبردها و سیاست‌های اجرایی مشخص شود، ایشان فرمودند:

«آنچه باید بشود هنوز نشده است؛ یعنی دانشگاه، اسلامی نشده است، دانشگاه این کشور را اسلامی کنید. این تحول بنیادین است با يك ذره دو ذره، با تصمیم‌گیری‌های جزئی و تبعی انجام نخواهد شد. بلکه با تصمیم‌گیری‌های کلان عملی است.»

{P} . آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳، دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجویان مسلمان، تهران: نشر معارف، چاپ اول، (نقل دیدار با جمعی از فضلا حوزه و اساتید دانشگاه در سال ۱۳۷۶). P
در گفتمان رهبری؛ دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که «علم از درون میانی فکری و اعتقادی خود ما بجوشد و ما دست‌گذاری به سمت دشمن دراز نکنیم». اساتید نباید با اسلامی شدن دانشگاه معارضه داشته باشند.

{P} . همان، ص ۱۱۸. P

«آن کسانی [اساتید] که در دانشگاه بخواهند ایمان اسلامی و ایمان انقلابی را ندیده بگیرند و بخواهند برخورد کنند، بدون تردید بدانید... مثل دندان فاسدی آنان را می‌کنیم و بیرون می‌اندازیم.»
{P} . همان، ص ۴۰. P

دانشجویان می‌بایست علاوه بر سازندگی علمی از سازندگی اخلاقی نیز برخوردار شوند.
«در رژیم گذشته محیط دانشگاه به عنوان محیط بی‌دینی و رها بودن از تقیدات شرعی تلقی می‌شد... رژیم این روحیه و این تلقی را در جوانان بیشتر می‌دمید.»
{P} . همان، ص ۱۹. P

روش حاکم بر دانشگاه نیز باید اسلامی باشد:

«البته آنچه مهم است روش حاکم بر دانشگاه است که روش باید صد در صد اسلامی باشد. مادامی که دانشگاه متخصصین مسلمان و متعهد نباشد مطلوب انقلاب نخواهد بود. و این ممکن نیست مگر این که اساس و روش و سیستم در دانشگاه‌ها اسلامی باشد.»
{P} . آیت الله خامنه‌ای، مورخ ۲۸/۹/۱۳۶۹، سایت دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مدیریت دانشگاه نیز باید از صبغه‌ی اسلامی برخوردار باشد:

«بایستی ریاست دانشگاه‌ها ریاست علمی باشد... اما علم باید با عمل و با اعتقاد توأم باشد؛ یعنی آن طور نباشد که يك آدم بی‌اعتقادی که... اصلاً اعتقادی به اسلام ندارد... در راس کارها باشد.»

{P} . آیت الله خامنه‌ای، مورخ ۱/۸/۱۳۶۹، همان. P

با توجه به گزاره‌های بالا، «علم» و «عالم»؛ سه عنصر کلیدی دانشگاه؛ یعنی «دانش»، «استاد» و «دانشجو» می‌بایست اسلامی باشد. حال مولفه‌های اسلامی بودن چیست؟ هدف ما رسیدن

به کدامین نقطه از مراتب اسلامی بودن می‌باشد؟ این‌ها سئوالاتی است که متولیان سیاست گذاری می‌بایست به طور شفاف، هدف گذاری و تعیین نمایند.

نهاد رهبری در دانشگاه‌ها طی پژوهشی، دانشگاه را در مجموع به شش عنصر تقسیم نمود که در مجموعه‌ی نظرات و اندیشه‌های متفکران منعکس شده بود آن عناصر عبارتند از:

۱ - سیستم آموزشی

۲ - محتوای آموزشی

۳ - مدیریت

۴ - اساتید

۵ - دانشجویان

۶ - فضای دانشگاه

نهاد رهبری در این پژوهش در مقوله‌های شش گانه‌ی مذکور، سخنان رهبری را بازگو نموده، لیکن با ادبیات سیاستی «شفاف سازی» نکرده است. یعنی از سطح اهداف آرمانی به سطح تعاریف عملیاتی مبدل نساخته است. و همین عامل باعث شده تا در ارائه‌ی راهکارها نیز به نقل بایسته‌ها اکتفا نموده و از نقد «این همانی» در امان نباشد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز با پذیرش گونه‌شناسی عناصر دانشگاه برحسب شش عنصر در مورخه ۱۷/۹/۱۳۷۷، اصول اختصاصی دانشگاه اسلامی را به ترتیب اهمیت و اولویت در اصول سه گانه‌ی ذیل تصویب نمود:

اول: دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن؛ بینش توحیدی در تمام شؤون دانشگاه و تفکر و اندیشه‌ی دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم آموزی به منزله‌ی یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند.

دوم: دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن؛ محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد.

سوم: دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن؛ افراد در پرتو معارف اسلامی با احساس تعهد و مسؤولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌جویند. چشم انداز فوق کلی بوده و این سؤال را به ذهن متبادر {P} . مصوبه‌ی جلسه‌ی ۴۳۳ مورخ ۱۷/۹/۱۳۷۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی. {P}

می‌سازد که آیا با تعاریف فوق، دانشگاه‌های ایران اسلامی نیست؟ به نظر می‌رسد در اصول فوق «گفتمان فقهی - هنجاری» در باب اسلامی کردن دانشگاه‌ها به گفتمان «اخلاقی»، گردش پیدا کرده است در حالی که در گفتمان حاکم بر مفسرین حوزوی و نهادهای بیرون از دولت خاتمی، گفتمان هنجاری حاکم است و برون‌داد تفاوت برداشت‌ها، ارزیابی‌های متفاوت از وضعیت دانشگاه‌ها است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳ - تجزیه و تحلیل منابع و امکانات

پس از این که اهداف مشخص گردید، برای رسیدن به اهداف مراحلی را تعیین می‌کنند تا گام به گام به هدف نزدیک شوند، از این روی ابتدا اهداف کلان و آرمانی را ترسیم نموده و از زاویه‌ی زمان، مکان و محتوا برش می‌دهند تا بتوانند در مقاطع خاص زمانی، بخشی از کار را انجام داده و به برخی از محتواهای قابل وصل دسترسی پیدا کنند. البته قبل از اجرا یکی از گام‌های مهم سیاست‌گذاری بررسی منابع و امکانات موجود و سیاست‌گذاری برحسب توان و امکانات است. به نظر می‌رسد، تصویری که از وضعیت دانشگاه‌ها شده است، توان سیاست‌گذاری را از مدیران سلب می‌کند، وضعیت دانشگاه‌ها بر حسب ارزیابی نهاد در زمینه‌ی عناصر شش‌گانه مرور می‌شود؛ بخش قابل توجه اساتید مطابق آرمان‌های اسلام ناب نیستند، سیستم آموزشی بازمانده قبل از انقلاب بوده و اسلامی نیست، مجموعه‌ی شرایط و جامعه به گونه‌ای است که مدیران متشرع را فاقد تحرك و منفعل نموده است، محتوای دروس به ویژه دروس علوم انسانی غیر اسلامی است. دانشجویان در شرایط سنی، فکری، سیاسی خاص پس از جنگ و انقلاب قرار دارند. با توجه به ارزیابی فوق؛ سئوالات ذیل مطرح می‌شود:

اگر بخش قابل توجه اساتید دانشگاه به اسلام مورد نظر اعتقاد ندارند، برای اسلامی کردن عنصر استاد، از کجا استاد تأمین کنیم. مگر نه این است که همین اساتید دانشجویان را تربیت می‌کنند؟

با توجه به عدم اعتقاد اساتید به اسلام ناب، چه کسانی دانشجویان را به تربیت اسلامی مجهز می‌کنند؟ مهم‌تر از موارد فوق، اگر پس از بیست سال از گذشت انقلاب، محتوای دروس دانشگاه غیراسلامی است، چه کسانی باید محتواها را اسلامی کنند؟ اگر بخش قابل توجه اساتید به ایده‌ی «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» باور ندارند، چه کسانی می‌توانند محتوای علوم را در دانشگاه‌ها اسلامی کنند؟

در عین حال باید توجه داشت، که مقام معظم رهبری خواستار «دانشگاه اسلامی» با هویت دانشگاهی بودند نه مکتب‌خانه و این کار جز از دانشگاهیان بر نمی‌آید. خواسته‌ی ایشان این گونه بود:

«دانشگاه این کشور را اسلامی کنید... این با تصمیم‌گیری کلان عملی می‌شود، این تصمیم‌گیری را هم شما [دانشگاهیان] باید بکنید... همه حرف‌هایی که می‌خواهم بزنم بارها گفته شده است... عمل لازم است، عمل! این کاری است ظریف، عمل و کاری است کارستان. کار درست این است که اگر توانستید به صورتی انجام شود که هویت دانشگاه نیز باقی بماند، ما مکتب‌خانه نمی‌خواهیم، دانشگاه اسلامی می‌خواهیم.»
 {P} . آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶، دیدار با جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه. {P}

در ایران بودجه‌ی کافی نیز برای تولید و پژوهش به ویژه در علوم انسانی اختصاص پیدا نکرده است. درصد بودجه‌ی تحقیقاتی ایران نسبت به تولید ناخالص ملی (GNP) در سال‌هایی که قرار است سیاست‌های اسلامی کردن محتوای علوم اجرا شود، به قرار ذیل است:
 {P} . به نقل از روزنامه‌ی همشهری، مورخه ۵/۲/۸۰، ص ۶. {P}

درصد بودجه پژوهشی به تولید ناخالص (GPN)
 ۴۲٪
 ۵۱٪
 ۵۸٪
 ۴۵٪

جهت شفاف شدن موضوع بودجه‌ی تحقیقاتی برخی قاره‌ها و کشورهای دیگر در سال ۱۹۹۰ م/ ۱۳۶۹ ش با ایران مقایسه می‌شود.

۸۷/۲
 ۲۱/۲
 ۰۵/۲
 ۷۶/۰
 ۴۲/۰
 ۲۵/۰

همچنان که ملاحظه می‌شود به طور میانگین، بودجه‌ی تحقیقاتی کشور نسبت به GNP از نیم درصد تجاوز نمی‌کند و در مقایسه، تنها از آفریقا بیشتر است. در سال ۱۳۸۵ با ۲۰ صدم درصد از ۶۴ صدم درصد به ۸۴ صدم درصد ارتقا پیدا کرد که به نظر می‌رسد با وضعیت مطلوب فاصله‌ی زیادی دارد. به لحاظ شاخص تعداد پژوهشگر نیز در ایران از وضعیت قابل {P} . روزنامه همشهری، مورخ {P} ۲۹/۷/۱۳۸۵، ش ۲۱۱۴، ص ۵. {P}

قبولی برخوردار نبوده است. در ذیل نسبت تعداد پژوهشگر به يك میلیون نفر در سال‌های مختلف ذکر می‌شود. کافی است کشور ایران را با سایر کشورها مقایسه کنید:
 {P} . سالنامه‌ی آماری ۱۹۸۷ یونسکو {P}

۱۵۴۹^۳
 ۴۴۳۶
 ۲۱۷۰
 ۲۲۱

در بُعد محیط داخلی عواملی نظیر نیروی انسانی، مقررات و روش‌های انجام کار، ساختار و تشکیلات، منابع مالی، فرهنگ سازمان، ظرفیت فیزیکی و اندازه‌ی سازمان مطرح است.»

{P. طبرسا، غلام علی، ۱۳۸۲، تبیین چالش‌های فراسوی سیاست‌گذاری. P}

سیاست‌های اسلامی کردن دانشگاه‌ها در دو سطح سیاست‌های راه‌بردی و سیاست‌های اجرایی، پس از سه سال از دستور رهبری در سال ۱۳۷۷ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. این سیاست‌ها براساس شش مؤلفه‌ی: استاد، دانشجو، نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، متون و برنامه‌ریزی درسی و مدیریت تدوین گردید.

شورای اسلامی شدن مراکز آموزش، در مقدمه‌ی «سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن» اذعان می‌دارد که سیاست‌ها می‌بایست به گونه‌ای طراحی و تنظیم گردند که اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی [به عنوان رسالت و چشم‌انداز] تحقق پیدا کند. البته کارایی و اثربخشی سیاست‌های مذکور، مستلزم توجه جدی به مجموعه‌ای از عوامل محیطی است که به نحو مستقیم و غیرمستقیم و به اشکال گوناگون می‌توانند بر تمامی یا بخشی از عملکرد یا اثربخشی راهبردها و برنامه‌هایی که در فرایند اسلامی شدن در حال اجرا هستند، اثر گذاشته و آنها را از مسیر و مقصود اصل منحرف ساخته یا کارایی و اثربخشی‌شان را افزایش دهند.

{P. روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دانشگاه اسلامی (رسالت‌ها، اصول و راهبردها)، ۱۳۸۳، تهران دفتر نشر معارف، ص ۱۳. P}

جملات فوق، مبنی بر این ادعا است که سیاست‌گذاران بر اصل «توجه به امکانات و اهداف» و در نظر گرفتن عوامل محیطی (خارجی - درون سازمانی) توجه داشته و در خاتمه وعده می‌دهند که اجرای این اصول «باور عمومی نسبت به عقاید اسلامی» و «تعهد عملی نسبت به احکام و ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلاب» را ارتقا می‌بخشد که به صورت شاخص‌هایی قابل بررسی و اندازه‌گیری است.

{P. همان، ص ۲۷. P}

سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن در شش مؤلفه و پنجاه بند به تصویب رسید که با استخدام چندین مفهوم به تناسب موضوع و به اختصار گزارش می‌گردد.

۱ - استاد: جذب اساتید شایسته‌ی متعهد، گزینش اساتید توانمند معارف اسلامی، توأم ساختن تربیت دینی با فعالیت‌های آموزشی، ارتقای معرفت دینی و نظارت از جمله راهبردهای معطوف به مؤلفه‌ی استاد است.

۲ - دانشجو: ارتقای سطح بینش اسلامی دانشجویان، تقویت ایمان و روحیه‌ی آرمان‌گرایی، ارتقای قابلیت‌های دانشجویان در جهت تحقق آرمان‌های اسلامی، قانونمند کردن فعالیت‌های سیاسی - فرهنگی و نظارت و ارزیابی.

۳ - نظام برنامه‌ریزی فرهنگی: ترویج فرهنگ اصیل اسلام در محیط‌های علمی، توجه به میانی اسلامی در تدوین نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، توجه به نیازها و علایق دانشجویان و ارائه‌ی چهره‌ای جذاب از ارزش‌های اسلامی، اهتمام به احداث مراکز دینی، توجه به عفاف در مراکز آموزشی و نظارت و ارزیابی هدفمند و مستمر بر برنامه‌ریزی فرهنگی.

۴ - متون درسی: تدوین متون درسی براساس جهان‌بینی اسلامی، استفاده از روش‌های نوین و کارآمد اسلامی در زمینه‌ی تدوین متون، طراحی برنامه‌های درسی براساس میانی اسلامی، تأکید بر تناسب متون اسلامی با نیازهای جدید، نظارت و ارزیابی مستمر بر برنامه‌های درسی و آموزشی.

۵ - نظام برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی: اصلاح و تدوین نظام برنامه‌ریزی آموزشی با توجه به نیازهای جامعه براساس میانی اسلامی، توجه ویژه به علوم انسانی، هماهنگ‌سازی علم و دین، تقویت روحیه‌ی تحقیق و تتبع، ایجاد تعادل میان آموزش و پژوهش و نظارت و ارزیابی هدفمند برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی.

۶ - مدیریت: تقویت ارزش‌های اسلامی و انقلابی در طراحی و هدایت نظام مدیریتی، طراحی نظام جامع مدیریت و حذف مراکز موازی تصمیم‌گیری، شایسته‌سالاری در مدیریت افزایش کارآمدی روش‌های مدیریتی به منظور تحقق ارزش‌های اسلامی و تقویت ابعاد علمی و اسلامی مدیریت مراکز آموزشی و علمی.

مجموع پنجاه راهبرد اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ۲۶۷ سیاست اجرایی تعریف شده است. در واقع سیاست‌های اجرایی تعاریف عملیاتی راهبردها است که اجرای آنها را برای مدیران تسهیل می‌کند. به طور میانگین برای هر سیاست راهبردی ۳۵/۵ سیاست اجرایی تعریف شده است. نقدی که از سوی برخی محافل بر این سیاست وارد شد این بود که اولویت‌بندی لازم در مورد پنج عامل صورت نگرفته و این خود می‌تواند در تحلیل رفتن انرژی‌ها و امکانات و بنابراین، در کند کردن روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها مؤثر واقع شود.

{ P } . فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، شماره‌ی یک، ص 63 P

متعاقب این نقدها، بخش محتوا، از جمله متون درسی بر بخش صورت‌گرا (ظواهر اسلامی) اولویت پیدا کرد. از این روی شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جلسه‌ی ۴۴۴ مورخ ۱/۴/۱۳۷۸ سیاست‌های آموزش‌های دینی را تصویب نمود که آیین‌نامه‌ی اجرایی آن در ۵ ماده و پنج بند در تاریخ ۱/۴/۷۸ به تصویب شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی رسید.

۵ - اجرا و اخذ بازخوردها

با توجه به درازمدت بودن فرایند سیاست‌گذاری در مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه، زمان زیادی از مدت اجرا سپری نشده است. در عین حال، سیاست‌های اجرایی در ۲۶۷ بند در حال اجراء است. در مقوله‌ی اسلامی کردن محتوا، با توجه به اخذ بازخوردها، گستره‌ی دروس معارف را وسیع‌تر نموده و با توجه به مصوبه‌ی جلسه‌ی ۵۴۲ مورخ ۲۳/۴/۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی عناوین سرفصل دروس جدید معارف اسلامی به شرح زیر، به مراکز آموزش عالی ابلاغ شد.

س گرایش

عنوان درس

تعداد واحد

۱ - مبانی نظری

- اندیشه‌ی اسلامی ۱ (مبدا و معاد)

- اندیشه‌ی اسلامی ۲ (نبوت و امامت)

- انسان در اسلام

- حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام

۲

۲

۲

۲

۲ - اخلاق اسلامی

- فلسفه‌ی اخلاق (با تأکید بر مباحث تربیتی)

- اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)

- آیین زندگی (اخلاق کاربردی)

- عرفان عملی اسلام

۲

۲

۲

۲

۳ - انقلاب اسلامی

- انقلاب اسلامی ایران

- آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی

- اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)

۲

۲

۴ - تاریخ و

تمدن اسلامی

- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

- تاریخ تحلیلی صدر اسلام

- تاریخ امامت

۲

۲

۲

۵ - آشنایی با

منابع اسلامی

- تفسیر موضوعی قرآن

- تفسیر موضوعی نهج البلاغه

۲

۲

(سایت دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی)

گذراندن حداقل ۱۲ واحد از دروس مزبور برای دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته و دکترای حرفه‌ای الزامی است.

با توجه به بازخورد مثبت سفرهای دانشجویی شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ی ۵۳۰ مورخ ۲۵/۹/۱۳۸۲ ماده‌ی واحده‌ی مقررات سفرهای دانشجویی را تصویب نمود که بر مبنای آن در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، تعداد ۳۰۱۷۰ نفر دانشجو به عمره‌ی مفرده اعزام شده است. مسؤولین تاثیر سفر به اماکن مذهبی به ویژه مکه‌ی مکرمه را در راستای اسلامی نمودن دانشجویان مثبت ارزیابی می‌کنند.

{P} . محسن قمی، مسؤول سابق نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ۱۳۸۵، مصاحبه با نگارنده در خرداد ۱۳۸۵. {P}

مقوله‌ی اجرا و اخذ بازخورد، گسترده‌تر از آن است که در يك مقاله به آن پرداخته شود از این روی به دو نکته‌ی فوق، که به عنوان نمونه ذکر شد، اکتفا می‌شود. شایان ذکر است که اطلاعات مربوط به اجرا به وضوح قابل دسترس نیست.

۶ - ارزیابی سیاست اجرا شده

از شروع گفتمان سیاستی در مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها يك دهه می‌گذرد، طراح این گفتمان توقع داشت ثمرات این سیاست، قبل از ۲۵ سالگی انقلاب قابل رویت باشد. اکنون ۲۸ سال از انقلاب سپری شده است و انتظار می‌رود سیاست‌های کاشته شده به بار نشسته و میوه‌های آن قابل چیدن باشد. جهت ارزیابی، شیوه‌های مختلفی متصور است. یکی از این شیوه‌ها ارزیابی سیاست‌گذاران و تعیین‌کنندگان چشم‌انداز این سیاست‌ها است. مقام معظم رهبری در مورخه‌ی ۲۲/۷/۱۳۸۲، در زمینه‌ی محتوایی، تاثیر سیاست‌ها را منفی ارزیابی نموده و فرمودند:

«ما به خصوص در زمینه‌ی علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را به مثل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ریزی خودمان را تنظیم کنیم.»

{P} . آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳، دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجویان مسلمان، تهران، نشر معارف، چاپ اول، ص ۱۲۳. {P}

از آنجا که از ارزیابی مجریان سیاست گذاری اطلاعی در دست نبود، با مسؤول نهاد رهبری در دانشگاه‌ها در سال‌های اجرا مصاحبه‌ای ترتیب داده و نظر ایشان را مطلع شدیم. حجة‌الاسلام دکتر قمی معتقد است:

دانشگاه آرمانی در ۶ مولفه و مجموعاً ۵۵ ویژگی {P} . سیاست راهبردی اسلامی شدن ۵۰ ویژگی و ۹ شاخص متمم دارد. {P}

تعریف گردید که الان فاصله‌ی ما با آن به ویژه در زمینه‌ی متون آموزشی زیاد است. البته در ده سال گذشته توانسته‌ایم این فاصله (وضعیت موجود - وضعیت مطلوب) را کاهش دهیم ولی نمی‌توانیم بگوییم به دانشگاه اسلامی نزدیک شده‌ایم.

- در حوزه‌ی تولید علم پیشرفت خوبی داشته‌ایم، مقالات علمی ما در ۱۰ سال گذشته بیشترین رشد را در سطح جهانی داشته است. در سال ۱۳۵۷ به ازاء يك ميليون نفر حدود ۲۶ نفر پژوهش‌گر وجود داشت، ولی الان (خرداد ۸۵) به ازاء يك ميليون نفر ۸۰۰ پژوهشگر داریم.

- کسی منکر نیست که حرکت به سمت اسلامی شدن کند است، اما حرکت به آن سمت وجود دارد. البته شرایط جهانی نیز حرکت به این سمت را هموار نموده است؛ چون لجام گسیختگی فن‌آوری و صدمات آن، انسان‌ها را به سمت دانشگاه اخلاقی سوق داده است.

- من فکر می‌کنم ما در عرصه، سیاست‌گذاری نسبتاً خوب عمل کردیم، آن چیزی که مشکل است اجرای این‌ها است. زیرا خیلی از مسؤولین اهمیت اسلامی شدن دانشگاه را درک نمی‌کنند. به عرصه‌ی فرهنگ زیاد اهمیت داده نمی‌شود. مشکلات جاری زیاد است و ما را از پرداختن به مسائل بنیادی غافل می‌کنند.

- در زمینه‌ی اصلاح متون آموزشی به ویژه در زمینه‌ی علوم انسانی مشکل داریم. ما تغییر و تحولی اساسی در علوم انسانی نداده‌ایم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شما می‌بینید متونی که آموزش داده می‌شود با متونی که در يك دانشگاه لائیک آموزش داده می‌شود خیلی تفاوت ندارد.

- ما هنوز معتقدیم اسلامی شدن دانشگاه ارشادی است و شما به زور و اجبار نمی‌توانید این کار را انجام دهید. باید نظریات اسلامی هم در کنار سایر نظریات مطرح بشود و دانشجو خودش این حق‌گزینش و انتخاب را داشته باشد.

عدم ثبات در مدیریت اسلامی شدن دانشگاه‌ها (که معمولاً با تغییر دولت‌ها و شرایط سیاسی تغییر پیدا می‌کند) از آسیب‌های اجرای سیاست‌گذاری است.

- کمبود نظریه‌پرداز در زمینه‌ی اصلاح محتوای متون و جوان بودن محیط دانشگاه نیز از آسیب‌های دیگر است. {P} . تلخیص از مصاحبه با دکتر قمی، ۱۳۸۵. {P}

روش دیگر جهت ارزیابی سیاست‌های اجرا شده، که شاید از روش اول، علمی‌تر می‌نماید. بررسی میزان باور داشت و رفتار مذهبی دانشجویان می‌باشد که به دو طریق قابل بررسی است. الف) مطالعه‌ی طولی میزان باورداشت و رفتار مذهبی دانشجویان قبل از اجرای سیاست‌گذاری و پس از اجرا، که از طریق روند پژوهی صورت می‌گیرد.

ب) مقایسه‌ی میزان دین‌داری دانشجویان پس از ورود به دانشگاه نسبت به قبل از ورود، که از طریق نگرش‌سنجی قابل دسترس است.

البته مطالعه‌ی طولی به سبک روند پژوهی جهت سنجش میزان تأثیر سیاست‌گذاری فرهنگی در مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه صورت نگرفته است. لیکن با گزارش نتایج برخی پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان فی‌الجمله به نتایج مورد نظر رهنمون شد. اگر شاخص پای‌بندی به نماز، ستون و مهم‌ترین شاخص «رفتار» و «باور» دینی را مورد ارزیابی قرار دهیم. گزارش ذیل از پای‌بندی دانشجویان به فریضه‌ی نماز، نشانگر وضعیت مطلوب میزان دین‌داری و ثبات این وضعیت قبل و بعد از اجرای سیاست‌گذاری است.

{P} . طالبان، محمدرضا، طالبان، ۱۳۸۲، افول دین‌داری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت، فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، سال نهم، شماره ۳۵، ص ۴۵. {P}

جدول: وضعیت پای‌بندی به نماز به تفکیک تحقیقات انجام‌شده در سال‌های مختلف

۱

طالبی

۱۳۷۳

دانشجویان روزانه‌ی دانشگاه‌های دولتی مراکز استان‌های کشور

۹/۹۴

۲/۴

۱۸۵۰ نفر

آغاز

طلوبی برخوردار بوده‌اند و تا سال ۷۹ تغییر محسوسی رخ نداده است. براساس پژوهش آغاز ۷/۰ درصد و بر اساس پژوهش نهاد ۹/۰ درصد رشد وجود داشته است. و این تغییر ۹/۰ درصدی را به ملاحظه‌ی شواهد دیگر (که بعداً ذکر خواهد شد) نمی‌توان صد در صد به دانشگاه نسبت داد. (ج) هر چند پژوهش جامع سال ۸۴ نهاد، تنزل ۱۹ درصدی را نشان می‌دهد، لیکن این تنزل واقعی نیست. ناشی از نحوه‌ی سؤال پرسش‌نامه است. رقم ۹۵ درصد متعلق به دانشجویانی است که به نحوی نماز می‌خوانند. رقم ۷/۷۶ درصد متعلق به دانشجویانی است که نمازهای روزانه را می‌خوانند و به تعبیری «دائم الصلاة» هستند.

در سال ۱۳۸۴، در پاسخ به این سؤال که «آیا از زمان ورود به دانشگاه تاکنون در میزان پای‌بندی شما به نماز تغییر حاصل شده است؟» ۴/۵۹ درصد پاسخ‌ها منفی و ۶/۴۰ درصد مثبت است. پژوهش مذکور در {P} . نهاد رهبری، یافته‌های پیمایش دانشگاه‌های اسلامی کشور نسبت به نماز و احکام اسلامی، پائیز ۱۳۸۴، به نقل از فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، شماره ۲۸، ص ۲۷۶. {P} جمع‌بندی یافته‌ها نتیجه می‌گیرد که:

«درخصوص تغییر در میزان پای‌بندی به نماز از زمان ورود به دانشگاه تاکنون؛ بیشترین نسبت، اظهار داشته‌اند که تغییری به وجود نیامده و کمترین نسبت، اظهار داشته‌اند که تغییر ایجاد شده است.» {P} . همان، ص ۳۰۰.

در پژوهش دیگری که توسط دکتر سید رضا نقیب السادات به سفارش نهاد و دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴ انجام شده است، میزان دین‌داری به قرار ذیل توصیف شده است:

{P} . نقیب السادات، شاخص‌های دین‌داری در نزد دانشجویان، ۱۳۸۴، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، سال نهم، ش ۲۸، ص ۲۴۱. {P}

- در خصوص میزان اعتقادات مذهبی دانشجویان، در بدو ورود به دانشگاه، بیشترین نسبت؛ یعنی ۹/۴۷ درصد افراد، اعتقادات مذهبی ایشان در حد متوسط بوده است و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۳ درصد افراد، اعتقادات مذهبی ایشان در حد خیلی پایین بوده است.

- در خصوص میزان اعتقادات دینی پاسخگویان در حال اشتغال به تحصیل، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴/۴۲ درصد افراد، اعتقادات دینی شان در حد متوسط بوده است و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۶ درصد افراد اعتقاداتشان در حد پایین بوده است.

براساس پژوهش فوق، بیشترین نسبت میزان دین‌داری با ورود به دانشگاه ۵/۵ درصد کاهش و کمترین نسبت (اعتقادات خیلی پایین) ۵/۲ درصد افزایش پیدا کرده است که نشانگر تأثیر منفی دانشگاه بر میزان دین‌داری دانشجویان است.

در زمینه‌ی نگرش دانشجویان به فضای عمومی دانشگاه نیز، بیشترین نسبت، ۴/۴۷ درصد افراد، وضعیت فعلی دانشگاه به لحاظ دین‌داری را در حد متوسط و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۳ درصد دانشجویان، آن را در حد خوب ارزیابی کرده‌اند. به لحاظ دین‌داری در ۵ سال آینده را در حد متوسط و کمترین نسبت؛ یعنی ۴/۱ درصد افراد، آن را در حد خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند. {P} . همان.

نه تنها ورود به دانشگاه میزان دین‌داری دانشجویان را افزایش نمی‌دهد بلکه بین میزان تحصیلات دانشگاهی و دین‌داری رابطه‌ی منفی وجود دارد، براساس پژوهش نهاد در سال ۸۴، رابطه‌ی بین سطح تحصیلات و گرفتن روزه منفی است. با توجه به آزمون کای اسکور محاسبه شده به میزان ۷۱۴/۲۴ و درجه‌ی آزادی ۳، با یک درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه‌ی دو متغیر، معنی دار است. به عبارت دیگر، بین دو متغیر سطح تحصیلات دانشجویان پاسخگو و گرفتن روزه رابطه‌ی معکوس وجود دارد. بیشترین نسبت از کسانی که روزه می‌گیرند در مقطع کارشناسی و کمترین نسبت، در مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر تحصیل می‌کنند.

{P} . فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، ش ۲۸، ص ۲۹۶، پژوهش نهاد. {P}

یکی از عناصر مهم دانشگاه، متون درسی به ویژه دروس معارف است که مستقیماً با اسلامی کردن دانشگاه ارتباط دارد. هم چنان که گفته شد در سال ۱۳۸۳ در عناوین و سرفصل‌های دروس معارف تغییر حاصل شد، لازم به ذکر است که دانشجویان کشور با بیشترین نسبت معتقدند «دروس معارف در تقویت گرایش آنها به نماز تأثیری نداشته است» {P. نقیب السادات، همان، ص ۳۰۴. P}

نتیجه‌گیری

هر چند فرایند «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» پس از انقلاب، همواره وجود داشته، اما در سال ۱۳۷۵ گفتمان سیاست‌گذاری فرهنگی جایگزین گفتمان ارشادی گردید. و متولیان نظام به دستور رهبری شروع به سیاست‌گذاری نمودند، که محصول آن تدوین و تصویب سیاست‌های راهبردی و اجرایی دانشگاه اسلامی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی است. با استناد به الگوی چند مرحله‌ای سیاست‌گذاری فرهنگی، عملکرد نظام، در زمینه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها، با نگاه اجمالی مورد بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد در ایده‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها ابهاماتی وجود داشت که می‌توان یک دهه پس از اجرا، به آنها اشاره نمود. الف) مفهوم «اسلامی کردن» هر چند در مقالات مختلف تعریف گشته و شاخص‌های آن از منظرهای مختلف بیان شده است، لیکن بر سرشاخص‌های اسلامی شدن اجماع حاصل نشده است. اصولاً برخی معتقدند ابهام اسلامی شدن دانشگاه از ابهام مفاهیم اسلامی ناشی شده است که هنوز مورد بحث و مناقشه قرار می‌گیرد. مثل مفهوم «ریا»، موسیقی حرام و غیره. اصولاً یک مرجعی که بتواند شاخص‌های دقیق دانشگاه اسلامی را بیان نموده و به مقبولیت عام تبدیل نماید وجود ندارد. هنوز بر سر تعبیر «اسلامی شدن» یا «اسلامی‌تر شدن» دانشگاه اختلاف وجود دارد.

{P. مقیسه، حسن، از موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، سال نهم، ش ۲۷. P}

ب) در زمینه‌ی اسلامی کردن دانشگاه، مدیریت واحد وجود ندارد، نهادهای موازی وجود دارد. در حالی که یکی از اصول سیاست‌گذاری، اتصال به یک مرجعیت واحد و مدیریت متمرکز است. ج) در زمینه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها، با توجه به امکانات محدود، نسبت به مؤلفه‌های شش‌گانه، اولویت‌بندی نشده است. هر چند در سال‌های اخیر، مقوله‌ی «تولید علم» اولویت پیدا کرده است، لیکن می‌بایست از همان ابتداء اولویت‌بندی صورت می‌گرفت. د) به نظر می‌رسد با توجه به شاخص‌های چهارگانه (که به عنوان شاخص‌های قابل اندازه‌گیری در خاتمه‌ی سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن دانشگاه‌ها ذکر شده) سیاست‌گذاری به اهداف نرسیده و نمره‌ی قابل قبولی کسب نمی‌کند به عبارت دیگر، اگر «راهبردها» را خوب ارزیابی کنیم در مرحله‌ی اجرا با مشکل مواجه شده و نتوانسته است ثمرات قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. ه) به نظر می‌رسد ایده‌ی مقام معظم رهبری در زمینه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها، بر خلاف دستور صریح ایشان، مبنی بر «عدم فرسایش اداری» و «آشکار شدن ثمرات سیاست‌گذاری، پیش از بیست و پنجمین سالگرد انقلاب» تحقق پیدا نکرده است. {P. شرف‌زاده، محمد، ۱۳۸۳، انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های ایران. P}

نمایه محتوای شماره‌های
فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی

«نمایه مطالب»

آنچه پیش روی دارید حاصل کوشش و تلاشی جدی است برای سهولت دسترسی آسان به عناوین مطالب مندرج در شماره‌های چندگانه‌ی فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، برای استفاده‌ی محققین و پژوهشگران.

در واقع نمایه‌ی حاضر، کوششی است «عنوان شناسانه» از آنچه در این فصلنامه ارائه گردیده است با سرفصلهای مختلف، همچون: گفتگوی علمی؛ مقالات علمی؛ تریبون آزاد دانشگاه؛ گزارش علمی؛ سخنرانی علمی؛ هم‌اندیشی؛ و...

در این نمایه، عناوین کامل هر یک از سرفصلهای برشمرده شده در بالا یا؛ رعایت حروف الفبا، نام و مشخصات کامل نویسندگان و تهیه کنندگان، سال مورد نظر و شماره‌ی فصلنامه و صفحه‌ی مربوطه آورده شده است. در ضمن؛ نمایه‌ی نویسندگان نیز بطور مستقل درج گردیده و با ابتکاری در خور تحسین، در بخش عنوان‌شناسی مقالات علمی؛ واژگان کلیدی مقالات نیز درج گردیده است. امید که در نظر آید.

نمایه نویسندگان

آزاد ارمکی، تقی، س هفتم، ش بیستم

امیدی، افسر، س ششم، ش چهاردهم، ص ۱۸۳

احمدی احمد، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۳۲۷

احمدی، حسین علی، س ششم، ش چهاردهم، ص ۲۳

اخوان کاظمی، بهرام، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۲۷، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۲۱،
س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۲

اخوان کاظمی، مسعود، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۱۲۵

اسماعیل زاده، مرتضی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۲۳

اشرفی، اکبر، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۵۳

افتخاری، اصغر، س هشتم، ش بیست و یکم و دوم، ص ۷۲

افروغ، عماد، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۳۲۷

اکرمی، سیدکاظم، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۲۲۷

امام جزایری، محمدرضا، س نهم، ش بیست و پنجم و ششم، ص ۱۷۵

باباپور، مهدی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۹۹

بوالهروی، جعفر، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۱۳

بهداروند، محمدمهدی، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۵۹

تاجیک، محمدرضا، س هفتم، ش بیستم، ص ۹۳

نقی‌زاده انصاری، شهرام، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۲۱۷

تقی زاده، محمد احسان، س ششم، ش چهاردهم، ص ۸۳

جعفریان، مسعود، س ششم، ش چهاردهم، ص ۱۵۹

حیبی، نجفقلی، س هفتم، ش بیستم،

حداد عادل، غلامعلی، س ششم، ش پانزدهم، ص ۲۸۱، س ششم ش پانزدهم، ص ۱۳

حسین پور، جهاد، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۳۲۱

حسین زاده، اکرم، س ششم، ش چهاردهم، ص ۸۳

حسین شاهی، حمیدرضا، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۳

حسینی، حسین، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۸۵، س هفتم، ش هجدهم، ص ۶۳

حسینی، حسن، س ششم، ش شانزدهم، ص ۳۱۹

حمیدی‌زاده، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۱۱۹

خادمی، عین الله، س ششم، ش پانزدهم، ص ۷۹
خرمشاد، محمدباقر، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۲۶۵
خواجہ سروی، غلامرضا، س ششم، ش پانزدهم، ص ۲۰۹، س هشتم، ش بیست و سوم و
بیست و چهارم، ص ۶۳، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۶۷، س ششم، ش چهاردهم، ص ۱۲۳،
س هفتم، ش ہفدهم، ص ۱۵۹، س ہفتم، ش بیستم، ص ۱۶۹
خوش چہرہ، محمد، س نهم، ش بیست و ہفتم، ص ۱۱۹

دژاکام، رضا، س ششم، ش پانزدهم، ص ۴۷
دژاکام، علی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۳۹، س ششم، ش چہاردهم، ص ۱۰۹، س ہفتم،
ش ہفدهم، ص ۴۹
دہشیری، محمدرضا، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چہارم، ص ۳۱
رستمی زادہ، رضا، س ششم، ش شانزدهم، ص ۶۳

روان بخش، حمید، س نهم، ش بست و ہفتم، ص ۱۰۳، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۳۵، س
نهم، ش بست و هشتم، ص ۱۴۵، س ششم، ش پانزدهم، ص ۲۳
روشن ضمیر، فرشاد، س ہفتم، ش ہجدهم و نوزدهم، ص ۲۲۷
روشن نھاد، ناھید، س ہفتم، ش ہفدهم، ص ۱۰۷
زرگر، ابراھیم، س ہفتم، ش بیستم، ص ۲۲۵

سروقامت، حسین، س ہفتم، ش ہجدهم و نوزدهم، ص ۱۲۷
سلمان پور، محمد جواد، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۴۷
سلیمی، حسین، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۳۲۷
سید ابوطالبی، سیدعلی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۷۵
شریعتمداری، علی، س نهم، ش بیست و پنجم و بیست و ششم، ص ۱۷۵
شفیعی فر، محمد، س ششم، ش پانزدهم، ص ۱۶۷، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و
دوم، ص ۳۵

شیخ الاسلامی، علی، س ہفتم، ش بیستم
شیرخانی، علی، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چہارم، ص ۱۰۹
شیمل، آنہ ماری، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۲۱۷

طاھری خرم آبادی، سیدحسن، س ہفتم، ش بیستم، ص ۴۱
طاھری، الیاس، س ششم، ش چہاردهم، ص ۵۷
عبداللہ، عبدالمطلب، س ششم، ش چہاردهم، ص ۱۵۹
عطارزادہ، مجتبی، س نهم، ش بیست و پنجم و بیست و ششم، ص ۴۷
علم الہدی، سیداحمد، س ہفتم، ش بیستم، ص ۵۳، س ہفتم، ش ہفدهم، ص ۲۱
عمید زنجانی، عباس علی، س نهم، ش بیست و پنجم و بیست و ششم، ص ۱۷۵
عیوضی، علی اشرف، س ششم، ش چہاردهم، ص ۱۲
فہیمی فر، احمد، س ہفتم، ش ہجدهم و نوزدهم، ص ۲۲۷
قاسم پور، داوود، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۱۸۱
قاسمی، علی اکبر، س ہفتم، ش ہجدهم و نوزدهم، ص ۸۷
قمی، محسن س ششم، ش چہاردهم، ص ۲۰۱
قنبری، بخشعلی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۹۳
کاغذیان، ہومن، س ہفتم، ش ہفدهم، ص ۱۲۵
کرمی پور، حمید، س ششم، ش پانزدهم، ص ۵۷
کوشکی، محمدصادق، س ششم، ش چہاردهم، ص ۱۴۷
کوشکی، نظرعلی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۸۱
کاشانی، مجید، س هشتم، ش بیست و سوم و چہارم، ص ۱۲، س نهم، ش بیست و پنجم و
بیست و ششم، ص ۱۳

لاریجانی، علی، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۱۲

مجتبی‌زاده، عبدالکاسم، س ششم، ش پانزدهم، ص ۱۲۹، س هفتم، ش هفدهم، ص ۹۱
مجیدی، محمدرضا، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۹۵، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۷۳
محمدی، علی، س هشتم، ش بیست و سوم و چهارم، ص ۲۶۶
مخبر دزفولی، محمدرضا، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۱۵۱
مرندی، محمدرضا، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۱۰۰
مصباح یزدی، محمد تقی، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۹
مقیسه، حسین، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۸۹
ملک محمدی، حمیدرضا، س هفتم، ش هفدهم، ص ۱۵۴
منصوری، جواد، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۱۱۹
موسوی مقدم، سید رحمت‌الله، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۰۲، س نهم، ش بیست و پنجم و
بیست و ششم، ص ۸۱ س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۱۲
مومن، ابوالفتح، س ششم، ش پانزدهم، ص ۱۰۹
مهدوی نژاد، غلامحسین، س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۵۴

نقیب السادات، رضا، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۲۲۵
نوائی، علی‌اکبر، س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۷۹، س نهم، ش بیست و پنجم و بیست و
ششم، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۴۵
نورآبادی، علی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۴۱
نیک بخت، رحیم، س ششم، ش پانزدهم
نیکبخت میرکوهی، رحیم، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۱۹۷
واعظی، احمد، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۲۱۲
هرسیج، حسین، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۲۳۹
هنروز، جواد، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۱۰۷
درهم کرد مطالب فصلنامه
سال ششم شماره‌ی چهاردهم / پاییز ۸۱
مقالات

- قطره‌ای از دریا (سیری در اندیشه‌های امام خمینی درباره‌ی دانشگاه اسلامی)، علی اشرف
عیوضی، ص ۱۳
واژگان کلیدی: رهنمود، امام خمینی، دانشگاه اسلامی، دانشجو، استاد
- مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی، حسین علی احمدی، ص ۲۳
واژگان کلیدی: دانشگاه، دانشجو، استاد، تربیت، آموزش عالی، اسلام، دانشگاه اسلامی،
تخصص، تهذیب، وحدت حوزه و دانشگاه، علم و دین، عقل و وحی، اجتهاد، اسلامی شدن
- پاره‌ای از عوامل کم رنگ شدن مبانی دینی در دانشگاه‌ها
واژگان کلیدی: مبانی دینی، دانشگاه، علم، دین، تعارض، شبهه
- مدیریت اسلامی در آموزش عالی، الیاس طاهری، ص ۵۷
واژگان کلیدی: مدیریت اسلامی، اصل، شیوه‌ها، فرهنگ سازمانی، اصلاح و توسعه‌ی انسانی،
حل تعارض
- مقایسه‌ی نظام آموزشی، حوزه، دانشگاه، علوم
- بحران در رهبری دینی نسل جوان، علی دژاکام، ص ۱۰۹
واژگان کلیدی: دینداری، جوان، رهبری، دین‌گریزی
تربیت دانشگاه

- نگاهی کلی به غربشناسی شهید بهشتی، غلامرضا خواجه سروی، ص ۱۲۳
واژگان کلیدی: اسلام، غرب، لیبرالیسم، مکتب و تخصص، آزادی، مکتب‌گرایی و ملی‌گرایی
- بهره‌هایی از معارف سیاسی صحیفه‌ی سجادیه (نیایش مرزداران)، محمد صادق کوشکی، ص

واژگان کلیدی: مرزهای مسلمین، ملی‌گرایی، مطلق‌انگاری در مرزبندی هویتی - اعتقادی، نظام فراگیر اسلامی
گزارش علمی
- بررسی الگوهای رفتاری و مذهبی دانشجویان در طول دوران تحصیل در دانشگاه، عبدالمطلب عبدالله - مسعود جعفریان، ص ۱۵۹
- سنجش میزان آگاهی و نگرش دانشجویان سال آخر گروه پزشکی دانشکده علوم پزشکی همدان از احکام شرعی سقط جنین در سال ۱۳۸۰، افسر امید ص ۱۸۳
سخنرانی علمی
- نقش دانشگاه در ارتقای فرهنگ دینی، محسن قمی، ص ۲۰۱
سال ششم شماره ۱ پازدهم / زمستان ۸۱

گفتگوی علمی

- فرایند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، غلامعلی حداد عادل، ص ۱۳
مقالات
- امام خمینی و دانشگاه اسلامی در دوره‌ی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رحیم روحبخش، ص ۳۳

واژگان کلیدی: امام خمینی، دانشگاه اسلامی، انقلاب اسلامی، فرهنگ، حوزه‌های علمیه
- نقش دانشجویان در تحولات سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)، رضا دژاکام، ص ۴۷
واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، دانشجویان، فعالیت‌های سیاسی، فعالیت‌های اجتماعی

- جامعه‌ی تعلیمات اسلامی پیش‌زمینه‌ی تاسیس دانشگاه اسلامی، حمید کرمی‌پور، ص ۵۷
واژگان کلیدی: دانشگاه اسلامی، جامعه‌ی تعلیمات اسلامی، فرهنگ، آموزش‌های دینی
- نقش دانشجویان در اسلامی شدن دانشگاه‌ها، عین‌الله خادمی، ص ۷۹
واژگان کلیدی: دانشگاه، دانشجویان، دانشگاه اسلامی
- تاسیس انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز در آستانه‌ی نهضت امام‌خمینی (ره)، رحیم نیک‌بخت، ص ۹۵

واژگان کلیدی: دانشگاه تبریز، انجمن اسلامی دانشجویان، انقلاب اسلامی، جنبش دانشجویی
- قیام ۳۰ مهرماه ۱۳۵۷ دانش‌آموزان و دانشجویان همدان علیه رژیم شاه، ابوالفتح مومن، ص ۱۰۹
واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، همدان، قیام ۳۰ مهرماه ۱۳۵۷، دانشجویان، دانش‌آموزان، فرهنگیان

- سه متفکر معاصر و دانشجویان، عبدالکاسم مجتبی‌زاده، ص ۱۲۹
واژگان کلیدی: دانشجویان، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، استاد مطهری، دکتر شریعتی
تریبون دانشگاه

- حقیقت غدیر، مرزبان کریمی سوزشجانی، ص ۱۴۵
واژگان کلیدی: ولایت، امامت، نبوت، رسالت، شریعت، حجت، اجتهاد، منصوص، قطب
- حادثه ۱۱ سپتامبر و تاثیر آن بر روابط آمریکا و ایران، محمد شفیعی‌فر، ص ۱۶۷
واژگان کلیدی: ایران، آمریکا، ۱۱ سپتامبر، سیاست خارجی
- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در صدر مشروطیت، غلامرضا خواجه سروی، ص ۲۰۹
واژگان کلیدی: رقابت سیاسی، ثبات سیاسی، صدر مشروطیت، دوره‌ی فترت
گزارش علمی

- مشابه سازی انسان در آئینه‌ی قرآن، هومن کاغذیان، ص ۲۳۵
- گفتمان دینی در جهان متغیر، علی دژاکام، ص ۲۴۹
- تعامل دین، فرهنگ، ارتباطات و دولت در ایران معاصر، عبدالکاسم مجتبی‌زاده، ص ۲۵۷
- برگزاری کنگره‌ی ملی بزرگداشت علامه سید حیدر آملی، اداره‌ی همایش‌ها، ص ۲۶۵
- برگزاری همایش یکروزه دبیران دفاتر هم‌اندیشی اسنادان دانشگاه‌های سراسر کشور، دفتر هم‌اندیشی، ص ۲۶۷
سخنرانی علمی

- شکل‌گیری هندسه‌ی فرهنگی جامعه، چرا و چگونه؟ غلامعلی حدادعادل، ص ۲۸۱

سال ششم شماره‌ی شانزدهم (ویژه نامه‌ی عزت و افتخار حسینی) زمستان ۸۱
مقالات

- مقاصد و مبانی نظری قیام امام حسین (ع)، بهرام اخوان کاظمی، ص ۱۳
- واژگان کلیدی: قیام کربلا، احیای دین، سنت نبوی و علوی، فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، امامت، خلافت، سلطنت، آزادگی
- آسیب‌شناسی جامعه‌ی اسلامی در زمان امام حسین (ع)، علی نورآبادی، ص ۴۱
- واژگان کلیدی: رفاه زدگی، ثروت اندوزی، حکومت و رهبری، عوام زدگی، امر به معروف و نهی از منکر
- عاشورای حسینی تقابل اسلام علوی و سیاست جاهلی، رضا رستمی‌زاده، ص ۶۳
- واژگان کلیدی: جامعه، ارزش، جاهلیت، امام حسین، عاشورا، بنی‌امیه
- درآمدی بر الگوهای مدیریتی امام حسین(ع)، نظرعلی کوشکی، ص ۸۱
- واژگان کلیدی: مدیریت، امام مدیر و مدبر، برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل، خودیابی، عفو و گذشت، توکل
- عزت حسینی، مهدی باباپور، ص ۹۹
- واژگان کلیدی: مفهوم عزت، جایگاه عزت در تربیت، عزت حسینی، عزت مندان، ایمان، تقوا، آزادگی
- مولفه‌های عزت آفرین و افتخار زا، مرتضی اسماعیل زاده، ص ۱۲۳
- واژگان کلیدی: قدرت عزت، اقتدار، افتخار، رهبری الهی، ولایت فقیه، انتظار، حکومت، امر به معروف و نهی از منکر
- عزت حسینی در فرهنگ عاشورا، سیدحسین ابراهیمیان، ص ۱۶۷
- واژگان کلیدی: عزت، عزت حسینی، عاشورا، فرهنگ عاشورا، عزت در فرهنگ قرآنی
- اقتدار سیاسی و پیوند آن با عزت و افتخار جامعه‌ی دینی، علی اکبر نوایی، ص ۱۷۹
- واژگان کلیدی: اقتدار سیاسی، قدرت منزه، عزت اجتماعی، حاکمیت موفق، عدالت، قدرت فاسد
- اصول و راه کارهای تثبیت هویت فرهنگی در سایه...، سیدرحمت الله موسوی مقدم، ص ۲۰۳
- واژگان کلیدی: فرهنگ عاشورا، شهادت، اقتدار ملی، عزت، هویت فرهنگی، حکومت دینی
- عشق پیشگان راستین در کربلا، علی دژاکام، ص ۲۳۹
- واژگان کلیدی: عاشق، معشوق، عشق به خدا، امام حسین(ع)، اصحاب آن امام، عاشورا، کربلا، شهادت
- تریبون دانشگاه
- انسان و خدا در دعای عرفه، اکبر اشرفی، ص ۲۵۳
- واژگان کلیدی: انسان‌شناسی، خداشناسی، دعا، ساختار سیاسی، دعای عرفه، امام حسین(ع)، شناخت
- سامانه‌ی هویت اسلامی بازخوانی زیارت عاشورا، غلامرضا خواجه سروی، ص ۲۶۷
- واژگان کلیدی: زیارت عاشورا، تاریخ شیعه، سلام، لعن، مهدویت، دعا
- فتح خون، سیدعلی سیدابوطالبی، ص ۲۷۵
- واژگان کلیدی: هجرت، غدیر خم، کوفه، کربلا، عاشورا، عقل و عشق، ایثار جان
- نگاه عرفانی مولانا به عاشورا، بخشعلی قنبری، ص ۲۹۳
- واژگان کلیدی: عرفان، عارف، سالک طریقت، شهادت، عاشورا، شعر مولانا
- دو تعزیه، سید حسن حسینی، ص ۳۱۹
- واژگان کلیدی: عشق، مردانگی، حریت، وفا، صفا، عاشورا، تاسوعا
- تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ایران از حادثه‌ی کربلا، رحیم روحبخش، ص ۳۳۵
- واژگان کلیدی: محرم، عاشورا، هیات‌های عزاداری، نوحه‌های سیاسی، امام‌خمینی، انقلاب اسلامی گزارش علمی
- بررسی شیوه‌های موثر در نشر تفکر عاشورایی بین دانشجویان، فرهاد شفیع پور مطلق، ص ۳۶۱
- روزشمار زندگی امام حسین(ع)، قاسم فتاحی، ص ۲۸۱
- سال هفتم شماره‌ی هفدهم / بهار ۸۲
- گفتگوی علمی
- اسلامی شدن دانشگاه‌ها، سیداحمد علم‌الهدی، ص ۲۱

مقالات علمی

- برداشت‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی، علی‌دژاکام، ص ۴۹
- واژگان کلیدی: دانشگاه، اسلامی شدن دانشگاه، محیط فیزیکی، روابط دانشجویان، ساختار باطنی دانشگاه، فضای علمی
- درآمدی بر علوم انسانی اسلامی به عنوان مبنای تحقق وحدت فرهنگی، سیدحسین حسینی، ص ۶۳
- واژگان کلیدی: علوم انسانی اسلامی، واحد فرهنگی، حوزه و دانشگاه، هویت جمعی، نظام فرهنگی
- نگاهی کلی به رابطه‌ی حضرت آیت الله خامنه‌ای با دانشجویان در دوران مبارزه، عبدالکاسم مجتبی‌زاده، ص ۹۱
- واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای، مبارزات دانشجویان
- انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، ناهید روشن نهاد، ص ۱۰۷
- واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی، آموزش عالی، دانشگاه، دانشجو
- کاوشی در آموزش پزشکی اسلامی و نوین، هومن کاغذیان، ص ۱۲۵
- واژگان کلیدی: آموزش پزشکی اسلامی، مدیریت دانش، روشهای نوین تربیون دانشگاه
- بررسی اندیشه‌های شهید مدرس از منظر سیاست‌گذاری عمومی، حمیدرضا ملک محمدی، ص ۱۴۵
- واژگان کلیدی: شهید مدرس، قانون، سیاست‌گذاری عمومی، مرجعیت سیاست‌گذاری، واسطه‌های سیاست‌گذاری، چرخه‌ی سیاست‌گذاری
- شکل‌گیری نهادهای بنیادین در جمهوری اسلامی: رویارویی خشن سه نیروی غیر مذهبی با نیروی مذهبی، غلامرضا خواجه سروی، ص ۱۵۹
- واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، حکومت، نیروهای سیاسی، جمهوری اسلامی، قانون اساسی، مجلس خبرگان، دولت موقت
- گزارش علمی
- همایش سلامت و اسلام، ص ۱۹۷
- کنگره‌ی ملی سید حیدرآملی، ص ۲۰۳
- دفتر هم‌اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی، ص ۲۱۱
- سخنرانی علمی
- سال هفتم شماره‌ی هجدهم و نوزدهم / تابستان و پاییز ۸۲
- گفتگو
- اسلامی شدن دانشگاه‌ها، جعفر بوالهری، ص ۱۳
- مقالات
- راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، بهرام اخوان کاظمی، ص ۲۱
- واژگان کلیدی: دانشگاه، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه اسلامی، انقلاب اسلامی، امام خمینی و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی، ارتقای کیفیت مراکز آموزش عالی، شایسته‌سالاری و نخبه‌گزینی
- پروژه‌ی اسلامی شدن دانشگاه و راهکارهای آن، علی‌اکبر نوایی، ص ۴۵
- واژگان کلیدی: جامعه‌ی دانشگاهی، دانشگاه اسلامی، فرهنگ اسلامی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، رابطه‌ی اسلام و دانشگاه، امام خمینی، مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای)، متون درسی معارف اسلامی، آزادی و استقلال فکری
- بازخوانی راه بردهای دانشگاه اسلامی از نظر جنبش نرم‌افزاری ... محمدرضا مجیدی، ص ۷۳
- نقش جنبش دانشجویی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، علی‌اکبر قاسمی، ص ۸۷
- واژگان کلیدی: دانشگاه، دانشجو، رخدادهای سیاسی، جنبش دانشجویی، انقلاب اسلامی، رادیکالیسم مذهبی، مدل نیل اسملسر، امام خمینی، روشن فکر دینی، ارزش‌های اسلامی، جنبش‌های مسلحانه، کنفدراسیون دانشجویی
- نگاهی به يك دانشگاه اسلامی (دانشگاه الازهر مصر)، حسین سروقامت، ص ۱۲۷

- واژگان کلیدی: جامع در لغت و اصطلاح، الازهر، خلفای فاطمی، فاطمیون مصر، فرقه‌ی اسماعیلیه، استادان الازهر، دانشجویان برجسته، آکادمی تحقیقات اسلامی
- گزارش
- گزارشی از جلسات مقام معظم رهبری با دانشجویان در دانشگاه تهران، عبدالکاسم مجتبی‌زاده، ص ۱۷۹
- شناخت نگرش دانشجویان پیرامون فعالیت‌های هسته‌ای ایران و پیوستن به پرتکل الحاقی، گروه مطالعات اجتماعی، ص ۱۸۹
- طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری دانشگاه امام صادق (ع)، سیدمحمد صالح هاشمی گلپایگانی، ص ۱۹۷
- وحدت حوزه و دانشگاه، بیم‌ها و امیدها، علیرضا اعرافی، ۲۱۵
- هم‌اندیشی
- فرصتها و تهدیدهای آموزش و پژوهش، سیدکاسم اکرمی - فرشاد روشن‌ضمیر احمد فهیمی‌فر، ۲۲۷
- سال هفتم، شماره‌ی بیستم، زمستان ۸۲ (ویژه‌نامه‌ی مردم سالاری دینی) بخش اول
- گفتگو
- مبنای و مبادی مردم سالاری دینی، محمدتقی مصباح یزدی، ص ۱۹
- قلمرو و دین و اراده‌ی مردم، سید حسن طاهری خرم‌آبادی، ص ۴۱
- مقالات
- مردم سالاری دینی و ساختار اجتماعی جامعه‌ی اسلامی امت، سیداحمد علم‌الهدی، ص ۵۳
- واژگان کلیدی: رابطه‌ی مردم و حکومت، مشارکت سیاسی، اجتهاد، تکلیف، نظام دموکراسی، مردم سالاری دینی، نظام‌های دینی، امت در لغت و اصطلاح، ولایت فقیه
- مردم سالاری دینی: به سوی یک گفتمان مسلط، محمدرضا تاجیک، ص ۹۳
- واژگان کلیدی: مردم سالاری دینی، مشارکت سیاسی، دین، دموکراسی، رابطه‌ی مردم سالاری و دین، ارتباط تنگاتنگ جامعه‌ی دینی و مردم سالاری دینی
- مردم سالاری دینی و سکولاریسم، علی لاریجانی، ص ۱۱۳
- واژگان کلیدی: مردم سالاری دینی، سکولار و سکولاریسم، خاستگاه سکولاریسم، اصل استخدام، اندیشه‌ی دینی، ولایت، نسبت مردم و مقام ولایت، حکومت اسلامی
- رویکردی به مردم سالاری دینی از زاویه‌ی نقد دموکراسی در ایران، بهرام اخوان کاظمی، ص ۱۳۷
- واژگان کلیدی: دموکراسی، دموکراسی لیبرال، دموکراسی غربی، انتقادات کلی از دموکراسی، مفاهیم حکومت و مردم، مردم سالاری دینی، آزادی، برابری، مشارکت سیاسی
- خدمات متقابل دین و دموکراسی در ایران، غلامرضا خواجه سروی، ص ۱۶۹
- واژگان کلیدی: دین، دموکراسی، مردم سالاری، خدمات متقابل، ایران
- مردم سالاری دینی پاسخی به مطالبات تاریخی ملت مسلمان ایران، محمدرضا مجیدی، ص ۱۹۵
- واژگان کلیدی: مردم سالاری دینی، حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی، دموکراسی، لیبرالیسم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت سیاسی، استقلال، ولایت فقیه
- مردم سالاری دینی در ایران، بیم‌ها و امیدها، ابراهیم زرگر، ص ۲۲۵
- واژگان کلیدی: مردم سالاری دینی، دموکراسی غربی، اومانیزم، لیبرالیسم، کارکرد تربیتی مردم سالاری دینی، نزدیک بینی سیاسی، ضعف کار تشکیلاتی
- گزارش
- گزارش برگزاری نخستین همایش بین‌المللی مردم سالاری دینی، عبدالکاسم مجتبی‌زاده، ص ۲۵۱
- جشن‌های ازدواج دانشجویی در مصاحبه با خانم دکتر کاظمی‌پور، عبدالکاسم مجتبی‌زاده، ص ۲۶۱
- میزگرد مجازی هم‌اندیشی، نسبت جامعه و سیاست با دانشگاه از منظر اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، تقی آزاد ارمکی - نجفقلی حبیبی - علی شیخ‌الاسلامی
- سال هشتم / شماره‌ی بیست و یکم و بیست دوم / بهار و تابستان ۸۳ (ویژه‌نامه‌ی مردم سالاری دینی) بخش دوم
- گفتگو

- قانون اساسی تبلور مردم سالاری دینی، محمد مومن، ص ۱۷
مقالات

- مشروعیت حکومت و جایگاه مردم از منظر نهج البلاغه، محمد شفیعی فر، ص ۳۵
واژگان کلیدی: مشروعیت، حکومت، مشروعیت حکومت، حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، رعایت
شان مردم، حقوق متقابل حکومت و مردم
- ارزش و روش در حکومت اسلامی، اصغر افتخاری، ص ۷۳
واژگان کلیدی: امام خمینی و سیاست حکومتی ایشان، مفهوم دموکراسی، ولایت فقیه مردم
سالاری دینی، حکومت اسلامی، انواع مردم سالاری، تحلیل فقهی جایگاه مردم در فلسفه امام
خمینی
- جایگاه رهبری در مردم سالاری دینی، بررسی مقایسه‌ای با دموکراسی غربی، مسعود اخوان
کاظمی، ص ۱۳۵
واژگان کلیدی: مردم سالاری دینی، رهبری دینی با ولایت فقیه، نظام‌های دموکراتیک غربی،
دموکراسی غربی، صفات و شرایط رهبر، اختیارات رهبری، کنترل و نظارت بر رهبری
- دموکراسی دینی و منتقدان آن، احمد واعظی، ص ۲۱۳
واژگان کلیدی: مردم سالاری دینی، دموکراسی لیبرال، حکومت ولایی، دموکراسی و اسلام،
توانایی و عدم توانایی مدیریت فقهی
- کسری اعتقاد سیاسی: ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم سالاری دینی، حسین
هرسیج، ص ۲۳۹
واژگان کلیدی: مفهوم اعتقاد سیاسی، مردم سالاری دینی، جامعه پذیری سیاسی، عوامل جامعه
پذیری سیاسی، بی‌اعتقادی سیاسی، آثار کسری اعتقاد، صداقت رهبران سیاسی، کسری اعتقاد
عمومی

- مردم سالاری دینی: دموکراسی صالحان، محمدباقر خرمشاد، ص ۲۶۵
واژگان کلیدی: مردم سالاری، مردم سالاری دینی، مردم سالاری دینی - اسلامی، دین،
دموکراسی، دموکراسی صالحان
گزارش
- گزارشی از همایش درآمدی بر کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران، هومن کاغذیان، ص ۳۱۵
هم‌اندیشی
- میزگرد مجازی گفتگوی هم‌اندیشی (راهکارهای تحقق جنبش نرم‌افزاری و تولید علم از منظر
اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها) احمد احمدی - عماد افروغ - حسین سلیمی، ص ۲۲۷

سال هشتم/ شماره‌ی بیست و سوم و بیست و چهارم/ پاییز و زمستان ۸۳
مقالات

- کارآمدی نظام و استلزامات مطالعاتی آن، مجید کاشانی، ص ۱۳
- کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی سیاست خارجی، محمدرضا دهشیری، ص ۳۱
واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی، کارنامه، سیاست خارجی، دستاوردها، الویت‌ها، راهکارها
- تحکیم سیاست مردم سالار، گوشه‌ای از کارنامه‌ی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران،
غلامرضا خواجه سروری، ص ۶۳
- نگرشی بر کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران، محمدرضا مرندی، ص ۱۰۰
واژگان کلیدی: کارآمدی، انقلاب اسلامی، عملکرد، امکانات، نفت، درآمدهای ارزی، توسعه‌یافتگی
- تحولات حوزه‌ی علمیه‌ی قم پس از انقلاب اسلامی، علی شیرخانی، ص ۱۰۹
واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، حوزه‌ی علمیه‌ی قم، تحولات، تشکیلات، مدیریت حوزه، طلاب،
آموزش، پژوهش، برگزاری نمایشگاه
- نگاهی به کارنامه‌ی نظام در حوزه‌ی توسعه‌ی فرهنگی کشور، محمدرضا مخبر دزفولی، ص ۱۵۱
واژگان کلیدی: فرهنگ، توسعه‌ی فرهنگی، جهت‌گیری فرهنگی، استقلال فرهنگی، انقلاب
اسلامی، فرهنگ عمومی، آموزش عالی، تحقیقات، فعالیت‌های پژوهشی، آموزش و پرورش
گزارش
- گزارشی از کارنامه‌ی نظام در حوزه‌ی صنعت و معدن، ص ۱۷۹
- گزارشی از کارنامه‌ی نظام در حوزه‌ی بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، ص ۲۱۵

- گزارشی از کارنامه‌ی نظام در بخش زیست فناوری (بیوتکنولوژی)، علی محمدی، ص ۲۶۶
سال نهم / شماره بیست و پنجم و بیست و ششم / بهار و تابستان ۸۴
مقالات

- تحلیل راهکارهای مصوب آموزش عالی برای تحقق فضای اسلامی دانشگاهها، مجید کاشانی،
ص ۱۲
واژگان کلیدی: اسلامی شدن دانشگاهها، سیاست‌های آموزش عالی، اصول بیست و پنج گانه،
شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، سیاست ارتقای فعالیت‌های فرهنگی، اردوهای
دانشجویی، نقاط ضعف و قدرت در راستای اسلامی شدن دانشگاهها
- ناکارآمدی دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور، مجتبی عطارزاده، ص ۴۷
واژگان کلیدی: دانشگاه، توسعه‌ی علمی - فرهنگی، کمیت گرایی، آموزش مداری، هویت
دانشجویی
- محورهای راهبردی تعامل دین و دانشگاه در ایران در عصر رویارویی تمدن غرب با اسلام،
سیدرحمت ا... موسوی مقدم، ص ۸۱
واژگان کلیدی: تعامل، دانشگاه دین، ایران، اسلام و غرب
- کاستی‌های اسلام گرایانه در متون درسی دانشگاهی، علی اکبر نوایی، ص ۱۱۲
- هفت منزل تا بهار کربلا، سیدحسن حسینی، ص ۱۴۳
واژگان کلیدی: سیر و سلوک باغها به سمت بهار ذات حق، عصمت ازلی، گل افشانی گلوگاه
حسین و یارانش، مغناطیس عشق، آزادگی و آزاد مردی، دوستی، با پیام عاشوراییان، دشمنی با
دین به دنیا فروشان
هم‌اندیشی
- میزگرد مجازی راهکارهای تحقق جنبش نرم‌افزاری و تولید علم از منظر هیات علمی دانشگاهها،
عمید زنجانی - محمدرضا امام جزایری - علی شریعتمداری

گزارش

- تحلیل برخی از عوامل موثر بر اسلامی کردن دانشگاهها از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم
پزشکی کرمانشاه، مهوش کهریزی، ص ۱۸۵
سال نهم / شماره‌ی بیست و هفتم / پاییز ۸۴
مقالات

- بررسی ضرورت، هویت، مولفه‌ها و استراتژی دانشگاه اسلامی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی،
سیدرحمت الله موسوی مقدم
واژگان کلیدی: دانشگاه اسلامی، فرهنگ اسلامی، حکومت اسلامی، مدیریت اسلامی، رهبران
اسلامی، رسالت دانشگاه اسلامی، هویت دانشگاه اسلامی
- راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها، محمد مهدی بهداروند
واژگان کلیدی: اسلامی شدن دانشگاهها، تبلیغ، آسیب‌شناسی، راه‌های بنیادین، اصلاح رفتار
دانشجو و استاد، مدیر، برخوردهای کارشناسانه، طرح مناظره‌ی سازمانی، جهاد فرهنگی، انقلاب
فرهنگی
- از موانع اسلامی شدن دانشگاهها، حسین مقیسه
واژگان کلیدی: دانشگاه اسلامی، فقه پویا و سنتی، ارزشهای فقهی، شورای فتوایی و اجتهاد
جمعی، موضوع‌شناسی فقهی
- اصول اخلاقی در تدریس دانشگاهی، مترجم حمید روان بخش
واژگان کلیدی: استاد، دانشجو، تسلط استاد بر درس، روش تدریس، پیشرفت دانشجو، روابط
استاد و دانشجو، رازداری استاد، ارزیابی دانشجویان
هم‌اندیشی
- راه کارها، فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش و پرورش از منظر اعضای هیات علمی دانشگاهها، محمد
خوش چهره - جواد منصوری - حمیدی‌زاده
گزارش

- بررسی رابطه‌ی نگرش مذهبی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان،
هادی کجباف نژاد - صدیقه اعتباری

- بررسی نظرات کارورزان در خصوص برخی ویژگی‌های استادان بخش‌های داخلی جراحی و مقایسه‌ی آن با ویژگی‌های استاد از نظر اسلام، غلامرضا حسن زاده

سال نهم / شماره‌ی بیست و هشتم / زمستان ۸۴
مقالات

- آموزش عالی و دانشگاه، حمیدرضا حسین شاهی
واژگان کلیدی: دانشگاه، آموزش عالی، دانشجو، گروه‌های مرجع، هنجارها، عوامل فشارزای، اختلالات دوره‌ی دانشجویی، مسائل شخصی، بحران هویت، خودکشی، مسائل عاطفی، ارتباطات دانشجویی

- هویت دانشجویی، محمد جواد سلمان پور
واژگان کلیدی: هویت دانشجو، هویت دانشگاه، هویت علمی، تفکر، پرسشگری، منابع، آسیب‌شناسی، هویت اجتماعی

نظری بر اهداف تربیتی در دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره)، سیدحسین حسینی
واژگان کلیدی: دانشگاه، تعلیم و تربیت، اسلام، انقلاب اسلامی، تهذیب، استقلال، امام خمینی
نمایه‌ی کلید واژه / واژگان کلیدی

اختیارات رهبری، س ۸، ش ۲۱۲۲، ص ۱۳۵

ارتباط تنگاتنگ جامعه‌ی دینی و مردم سالاری دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۹۳

ارتباطات دانشجویی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴

ارتقاء کیفیت مراکز آموزش عالی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۲۲

اردوهای دانشجویی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴

ارزش‌های اسلامی و انقلابی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶

ارزش‌های اسلامی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸

ارزش، س ۶، ش ۱۶، ص ۶۳

ارزشهای فقهی، س ۹، ش ۲۷، ص ۹۰

استاد، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۳

استاد مطهری، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۲۹

استاد، س ۶، ش ۱۴، ص ۲۳

استاد، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۷۳

استاد، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۰۴

استادان الازهر، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۱۲۷

استقلال فرهنگی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱

استقلال، س ۷، ش ۲۸۰، ص ۱۹۶

استقلال، س ۹، ش ۲۸، ص ۸۶

اسلام و غرب، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۸۲

اسلام، س ۶، ش ۱۴، ص ۲۳

اسلام، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۲۳

اسلام، س ۹، ش ۲۸، ص ۸۶

اسلامی شدن دانشگاه‌ها، س ۹، ش ۱۷، ص ۶۰

اسلامی شدن دانشگاه، س ۷، ش ۱۷، ص ۴۹

اسلامی شدن دانشگاه‌ها، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴

اصحاب آن امام، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹

اصل استخدام، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۱۵

اصلاح رفتار دانشجو و استاد و مدیر، س ۹، ش ۲۷، ص ۶۰

آثار کسری اعتقاد، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۴۰

آزادگی، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۳

آزادگی، س ۶، ش ۱۶، ص ۹۹

آزادگی و آزاد مردی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۳

آزادی و استقلال فکری، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶

آزادی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۳۸
آزادی، مکتب گرایي و ملي گرايي، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۳۳
آسيب شناسي، س ۹، ش ۲۸، ص ۴۷
آكادمي تحقيقات اسلامي، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۱۲۷
آمريكا، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۶۷
آموزش پزشكي اسلامي، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۲۵
آموزش عالي، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۰۷
آموزش عالي، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱
آموزش عالي، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
آموزش مداري، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۴۸
آموزش و پرورش، س ۷، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۵۱
آموزش هاي ديني، س ۶، ش ۱۵
آموزش، س ۸، ش ۲۳، ص ۱۰۰
آيت الله خامنه اي، س ۷، ش ۱۷، ص ۹۱
اجتهاد، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
اجتهاد، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
احياء دين، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۳
اختلالات دوره ي دانشجويي، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
امام خميني، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۳۳
امام خميني، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
امام خميني، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۸۱
امام خميني، س ۹، ش ۲۸، ص ۸۶
امام خميني، مقام معظم رهبري (آيت الله خامنه اي)، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶
امام مدير و مدير، س ۶، ش ۱۶، ص ۸۱
امامت، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
امامت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۳
امت در لغت و اصطلاح، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
امر به معروف و نهی از منکر، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۴۵
امر به معروف و نهی از منکر، س ۶، ش ۱۶، ص ۴۱
انتظار، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۴۵
انتقادات كلي از دموكراسي، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۳۸
انجمن اسلامي دانشجويان اصفهان، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴۶
انجمن اسلامي دانشجويان تبريز، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴۶
انجمن اسلامي دانشجويان تهران، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴۶
انجمن اسلامي دانشجويان شيراز، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴۶
انجمن اسلامي دانشجويان مشهد، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴۶
انجمن اسلامي دانشجويان، س ۶، ش ۱۵، ص ۹۵
اندیشه ي ديني، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۱۵
انسان شناسي، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۵۳
انسان، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
انقلاب اسلامي، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۲۲
انقلاب اسلامي، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۳۳
انقلاب اسلامي، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۰۷
اصلاح و توسعه انساني، س ۶، ش ۱۴، ص ۵۷
اصول بيست و پنج گانه، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴
اصول حاكم بر دانشگاه اسلامي، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۷۳
اصول حاكم بر دانشگاه ها، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۷۳
اصول، س ۶، ش ۱۴، ص ۵۷

- اعتصاب، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۹۷
اعتقاد، ایمان، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
افتخار، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۴۵
اقتدار سیاسی، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۷۹
اقتدار، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۴۵
اقتدار ملی، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۰۳
الازهر، خلفای فاطمی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۱۲۷
- الف
- الویت‌ها، س ۸، ش ۲۳۲، ص ۳۱
امام حسین (ع)، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲۳
امام حسین (ع)، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹
امام حسین (ع)، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۵۳
امام حسین (ع)، س ۶، ش ۱۶، ص ۶۳
امام خمینی (ره)، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۲۹
امام خمینی و سیاست حکومتی ایشان، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۷۵
امام خمینی و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۲۲
امام خمینی (ره)، س ۶، ش ۱۵، ص ۴۷
امام خمینی، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۳
امام خمینی، س ۶، ش ۱۵، ص ۲۳
پژوهش، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
پیشرفت دانشجو، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۰۴
تاریخ شیعه، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۶۷
تاسوعا، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۱۹
تبلیغ، آسیب‌شناسی، س ۹، ش ۲۷، ص ۶۰
تحقیقات، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱
تحلیل فقهی جایگاه مردم در فلسفه‌ی امام خمینی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۷۵
تحولات، تشکیلات، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
تخصص، س ۶، ش ۱۴، ص ۲۳
تربیت، س ۶، ش ۱۴، ص ۲۳
تسلط استاد بر دروس، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۰۴
تشکل‌های دانشجویی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴
تظاهرات، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۹۷
تظاهرات، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۸۱
تعارض، س ۶، ش ۱۴، ص ۳۹
تعامل، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۸۲
تعلیم و تربیت، س ۹، ش ۲۸، ص ۸۶
تفکر، س ۹، ش ۲۸، ص ۴۷
نقاط ضعف و قوت در راستای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴
تقوا، س ۶، ش ۱۶، ص ۹۹
تکلیف، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
توانایی و عدم توانایی مدیریت فقهی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۱۴
توسعه‌ی علمی - فرهنگی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۴۸
توسعه فرهنگی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱
توسعه یافتگی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
توکل، س ۶، ش ۱۶، ص ۸۱
تهذیب، س ۶، ش ۱۴، ص ۲۳
تهذیب، س ۹، ش ۲۸، ص ۸۶
انقلاب اسلامی، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۵۹

- انقلاب اسلامی، س ۶، ش ۱۵
 انقلاب اسلامی، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۲۹
 انقلاب اسلامی، س ۶، ش ۱۵، ص ۹۵
 انقلاب اسلامی، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۰۹، ص ۱۰۹
 انقلاب اسلامی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
 انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
 انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
 انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱
 انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸، ص ۸۶
 انقلاب اسلامی، س ۷، ش ۱۷، ص ۹۱
 انقلاب فرهنگی، س ۹، ش ۲۷، ص ۶۰
 انقلاب فرهنگی، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۰۷
 انواع مردم سالاری، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۷۵
 ایثار جان، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۷۵
 ایران، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۶۷
 ایران، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
 ایران، س ۹، ش ۲۴ و ۲۶، ص ۸۲
 ایمان، س ۶، ش ۱۶، ص ۹۹
- ب
- با پیام عاشورا بیان، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۳
 بحران هویت، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
 برابری، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۳۸
 برخوردهای کارشناسانه، س ۹، ش ۲۷، ص ۶۰
 برگزاری نمایشگاه، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
 برنامه ریزی، س ۶، ش ۱۶، ص ۸۱
 بنی‌امیه، س ۶، ش ۱۶، ص ۶۳
 بی‌اعتقادی سیاسی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۴۰
 پرسشگری، س ۹، ش ۲۸، ص ۴۷
 حکومت اسلامی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۷۵
 حکومت اسلامی، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۴
 حکومت دینی، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۰۳
 حکومت و رهبری، س ۶، ش ۱۶، ص ۴۱
 حکومت ولایتی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۱۴
 حکومت، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۵۹
 حکومت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۴۵
 حکومت، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳۶
 حل تعارض، س ۶، ش ۱۴، ص ۵۷
 جنبش نرم‌افزاری، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۷۳
 حوزه و دانشگاه، س ۷، ش ۱۷، ص ۶۳
 حوزه‌های علمیه، س ۶، ش ۱۵
 حوزه‌ی علمیه قم، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
 حوزه، دانشگاه، س ۶، ش ۱۴، ص ۸۳
 خاستگاه سکولاریسم، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۱۵
 خداپرستی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
 خداشناسی، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۵۳
 خدمات متقابل، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۷۰
 خرداد ۱۳۵۴، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۹۷
 خلافت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۳

خودکشی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
خودیابی، س ۶، ش ۱۶، ص ۸۱
دانشگاه، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
دانش آموزان، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۰۹
دانشجو، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
دانشجو، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۰۷
دانشجو، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۳
ثبات سیاسی، س ۶، ش ۱۵، ص ۲۰۹
ثروت اندوزی، س ۶، ش ۱۶، ص ۴۱
جامع در لغت و اصطلاح، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۱۲۷
جامعه، س ۶، ش ۱۶، ص ۶۳
جامعه پذیری سیاسی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۴۰
جامعه تعلیمات اسلامی، س ۶، ش ۱۵
جامعه دانشگاهی، س ۶، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶
جاهلیت، س ۶، ش ۱۶، ص ۶۳
جایگاه عزت در تربیت، س ۶، ش ۱۶، ص ۹۹
جمهوری اسلامی، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۵۹
جمهوری اسلامی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
جمهوری اسلامی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۳۱
جنبش دانشجویی، س ۶، ش ۱۵، ص ۹۵
جنبش دانشجویی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
جنبش دانشجویی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۸۱
جنبش دانشجویی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۹۷
جنبش‌های مسلحانه، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
جوان، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۰۹
جهاد فرهنگی، س ۹، ش ۲۷، ص ۶۰
جهت‌گیری فرهنگی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱
چرخه‌ی سیاست‌گذاری، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۴۵
حاکمیت موفق، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۷۹
حجت، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
حریت، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۱۹
حضرت علی(ع)، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳۶
حقوق متقابل حکومت و مردم، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳۶
حکومت اسلامی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۱۵
حکومت اسلامی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
دانشگاه، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
دانشگاه، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
دانشگاه، س ۹، ش ۲۸، ص ۸۶
دستاوردها، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۳۱
دشمنی با دین به دنیا فروشان، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۳
دعا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۶۷
دعا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۵۲، ص ۲۵۳
دعای عرفه، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۵۳
دکتر شریعتی، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۲۹
دموکراسی صالحان، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۶۵
دموکراسی غربی، اومانیسم، لیبرالیسم، س ۷، ش ۲۰، ص ۲۲۶
دموکراسی غربی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۲۸
دموکراسی غربی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۳۵

دموکراسی لیبرال، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۲۸
دموکراسی لیبرال، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۱۴
دموکراسی و اسلام، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۱۴
دموکراسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۲۸
دموکراسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۷۰
دموکراسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
دموکراسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۹۳
دموکراسی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۶۵
دوره فترت، س ۶، ش ۱۵، ص ۲۰۹
دوستی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۳
دولت موقت، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۵۹
دین، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۷۰
دین، س ۷، ش ۲۰، ص ۹۳
دین، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
دین داری، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
دانشجو، س ۶، ش ۱۴، ص ۲۳
دانشجو، س ۷، ش ۱۸۱۹، ص ۷۳
دانشجو، س ۷، ش ۱۸۱۹، ص ۸۸
دانشجو، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۰۴
دانشجو، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
دانشجویان برجسته، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۱۲۷
دانشجویان، س ۶، ش ۱۵
دانشجویان، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۰۹
دانشجویان، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۲۹
دانشجویان، س ۶، ش ۱۵، ص ۷۹
دانشگاه اسلامی، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۴
دانشگاه اسلامی، س ۶، ش ۱۵، ص ۷۹
دانشگاه اسلامی و ویژگی‌های آن، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۷۳
دانشگاه اسلامی، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۳
دانشگاه اسلامی، س ۶، ش ۱۴، ص ۲۳
دانشگاه اسلامی، س ۶، ش ۱۵
دانشگاه اسلامی، س ۶، ش ۱۵، ص ۵۷
دانشگاه اسلامی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۲۲
دانشگاه اسلامی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶
دانشگاه اسلامی، س ۹، ش ۲۷، ص ۹۰
دانشگاه تبریز، س ۶، ش ۱۵، ص ۹۵
دانشگاه تبریز، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۹۷
دانشگاه تهران، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۸۱
دانشگاه دین، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۸۲
دانشگاه دین، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۸۲
دانشگاه، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۳
دانشگاه، س ۶، ش ۱۴، ص ۳۹
دانشگاه، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۰۷
دانشگاه، س ۷، ش ۱۷، ص ۴۹
دانشگاه، س ۶، ش ۱۵، ص ۷۹
دانشگاه، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۲۲
دانشگاه، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۴۸

ساختار سیاسی، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۵۲
 سازماندهی، س ۶، ش ۱۶، ص ۸۱
 سالک طریقت، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۹۳
 سکولار و سکولاریسم، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۱۵
 سلام، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۶۷
 سلطنت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲
 سنت نبوی و علوی، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲
 سیاست ارتقای فعالیت‌های فرهنگی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴
 سیاست خارجی، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۶۷
 سیاست خارجی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۳۱
 سیاست‌های آموزش عالی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴
 سیاست‌گذاری عمومی، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۴۵
 سیر و سلوک باغ‌ها به سمت بهار ذات حق، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۳
 شایسته‌سالاری و نخبه‌گزینی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۲۲
 شبهه، س ۶، ش ۱۴، ص ۳۹
 شریعت، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
 شعر مولانا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۹۳
 شناخت، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۵۳
 شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴
 شورای فتوایی و اجتهاد جمعی، س ۹، ش ۲۷، ص ۹۰
 شهادت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲۳
 شهادت، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۰۳
 دین‌گریزی، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۰۹
 دین، س ۶، ش ۱۴، ص ۳۹
 دین، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳۹
 دین، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۶۵
 دینداری، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۰۹
 رابطه‌ی اسلام و دانشگاه، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶
 رابطه‌ی مردم‌سالاری و دین، س ۷، ش ۲۰، ص ۹۳
 رابطه‌ی مردم و حکومت، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
 رادیکالیسم مذهبی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
 رازداری استاد، ارزیابی دانشجویان، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۰۴
 راه‌های بنیادین، س ۹، ش ۲۷، ص ۶۰
 راهکارها، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۳۱
 رخدادهای سیاسی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
 رسالت، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
 رسالت دانشگاه اسلامی، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۴
 رفاه زدگی، س ۶، ش ۱۶، ص ۴۱
 رقابت سیاسی، س ۶، ش ۱۵، ص ۲۰۹
 روابط استاد و دانشجو، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۰۴
 روابط دانشجویان، س ۷، ش ۱۷، ص ۴۹
 روش تدریس، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۰۴
 روشن‌فکری دینی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
 روش‌های نوین، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۲۵
 رهبران اسلامی، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۴
 رهبری الهی، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۴۵
 رهبری دینی یا ولایت فقیه، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۳۵
 رهبری، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۰۹

رهنمود، س ۶، ش ۱۴
زیارت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲۳
زیارت عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۶۷
س ۹، ش ۲۸، ص ۱۹۷
ساختار باطنی دانشگاه، س ۷، ش ۱۷، ص ۴۹
عرفان، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۹۳
عزت اجتماعی، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۷۹
عزت حسینی، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۶۷
عزت حسینی، س ۶، ش ۱۶، ص ۹۹
عزت در فرهنگ قرآنی، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۶۷
عزت مندان، س ۶، ش ۱۶، ص ۹۹
عزت، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۰۳
عزت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۶۷
عشق به خدا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹
عشق، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹
عشق، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۱۹
عصمت ازلی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۳
عفو و گذشت، س ۶، ش ۱۶، ص ۸۱
عقل و عشق، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۷۵
علم، س ۶، ش ۱۴، ص ۳۹
علم، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
علوم انسانی اسلامی، س ۷، ش ۱۷، ص ۶۳
علوم، س ۶، ش ۱۴، ص ۸۳
عمل، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
عملکرد، امکانات، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
عناوین دروس معارف اسلامی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴
عوام زدگی، س ۶، ش ۱۶، ص ۴۱
عوامل جامعه پذیری سیاسی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۴۰
شهادت، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۹۳
شهادت، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹
شهید مدرس، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۴۵
شیوه‌ها، س ۶، ش ۵۷
صداقت رهبران سیاسی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۴۰
صدر مشروطیت، س ۶، ش ۱۵، ص ۲۰۹
صفا، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۱۹
صفات و شرایط رهبر، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۳۵
ضعف کار تشکیلاتی، س ۷، ش ۲۰، ص ۲۲۶
طرح مناظره سازمانی، س ۹، ش ۲۷، ص ۶۰
طلاب، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
عارف، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۹۳
عاشق، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹
عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲۳
عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۶۷
عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۶۳
عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۱۹
عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹
عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۷۵
عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۹۳

عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۳۳
عدالت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۷۹
قدرت عزت، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۴۵
قدرت فاسد، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۷۹
قدرت منزّه، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۷۹
قطب، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
قیام ۳۰ مهرماه ۱۳۵۷، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۰۹
قیام کربلا، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲
کارکرد تربیتی مردم سالاری دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۲۲۶
کربلا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹
کربلا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۷۵
کربلا، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲۳
کسری اعتقاد عمومی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۴۰
کنترل و نظارت بر رهبری، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۳۵
کنترل، س ۶، ش ۱۶، ص ۸۱
کنفدراسیون دانشجویی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸۱
کوفه، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۷۵
کارآمدی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
کارنامه، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۳۱
کمیت گرایی، س ۹، ش ۲۴ و ۲۶، ص ۴۸
گروه‌های مرجع، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
گل‌افشانی گلوگاه حسین و یارانش مغناطیس عشق، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۳
لعن، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۶۷
عوامل فشارزای، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
غدیرخم، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۷۵
غرب، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۲۳
فاطمیون مصر، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۱۲۷
فرقه اسماعیلیه، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۱۲۷
فرهنگ اسلامی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶
فرهنگ اسلامی، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۴
فرهنگ سازمانی، س ۶، ش ۱۴، ص ۵۷
فرهنگ عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۰۳
فرهنگ عاشورا، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۶۷
فرهنگ عمومی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱
فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۲۲
فرهنگ، س ۶، ش ۱۵
فرهنگ، س ۶، ش ۱۵
فرهنگ، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱
فرهنگیان، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۰۹
فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۳
فضای علمی، س ۷، ش ۱۷، ص ۴۹
فطرت، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۰۸
فعالیت‌های پژوهشی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۱
فعالیت‌های اجتماعی، س ۶، ش ۱۵
فعالیت‌های سیاسی، س ۶، ش ۱۵
فقه پویا و سنتی، س ۹، ش ۲۷، ص ۹۰
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
قانون اساسی، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۵۹

قانون، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۴۵
 مردم سالاری دینی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۶۵
 مردم سالاری، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۷۰
 مرزهای مسلمین، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۲۳
 مسائل شخصی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
 مسائل عاطفی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
 مسجد هدایت، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴۶
 مشارکت سیاسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۳۸
 مشارکت سیاسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
 مشارکت سیاسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
 مشارکت سیاسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۹۳
 مشروعیت حکومت، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳۶
 مشروعیت، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳۶
 مطلق‌انگاری در مرزبندی هویتی - اعتقادی، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۴۷
 معشوق، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۳۹
 مفاهیم حکومت و مردم، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۳۸
 مفهوم اعتقاد سیاسی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۴۰
 مفهوم دموکراسی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۷۵
 مفهوم عزت، س ۶، ش ۱۶، ص ۹۹
 مکتب و تخصص، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۲۳
 ملی‌گرایی، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۲۳
 منابع، س ۹، ش ۲۸، ص ۴۷
 منزلت‌امام‌درچشم پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۲۳
 منصوص، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
 موضوع‌شناسی فقهی، س ۹، ش ۲۷، ص ۲۶۷
 مهدویت، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۶۷
 نبوت، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
 لوازم نهضت تولید علم، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۷۳
 لیبرالیسم، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۲۳
 لیبرالیسم، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
 مبارزات دانشجویان، س ۷، ش ۱۷، ص ۹۱
 متون درسی معارف اسلامی، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶
 مجلس خبرگان، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۵۹
 محرم، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۳۳
 محیط فیزیکی، س ۷، ش ۱۷، ص ۴۹
 مدل نیل اسملسر، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۸۸
 مدیریت، س ۶، ش ۱۶، ص ۸۱
 مدیریت اسلامی، س ۶، ش ۱۴، ص ۵۷
 مدیریت اسلامی، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۴
 مدیریت حوزه، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
 مدیریت دانش، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۲۵
 مدیریت، س ۷، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۷۳
 مرجعیت سیاستگذاری، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۴۵
 مردانگی، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۱۹
 مردم سالاری، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۶۵
 مردم سالاری دینی - اسلامی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۶۵
 مردم سالاری دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۱۵
 مردم سالاری دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۳۸

مردم سالاری دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
 مردم سالاری دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۲۲۶
 مردم سالاری دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
 مردم سالاری دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۹۳
 مردم سالاری دینی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۳۵
 مردم سالاری دینی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۱۴
 مردم سالاری دینی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۴۰
 هویت جمعی، س ۷، ش ۱۷، ص ۶۳
 هویت دانشجو، س ۹، ش ۲۸، ص ۴۷
 هویت دانشجویی، س ۹، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۴۸
 هویت دانشگاه اسلامی، س ۹، ش ۲۷، ص ۱۴
 هویت دانشگاه، س ۹، ش ۲۸، ص ۴۷
 هویت علمی، س ۹، ش ۲۸، ص ۴۷
 هویت فرهنگی، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۰۳
 هیات‌های عزداری، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۳۳
 نزدیک بینی سیاسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۲۲۶
 نسبت مردم و مقام ولایت، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۱۵
 نظام آموزشی، س ۶، ش ۱۴، ص ۸۳
 نظام دموکراسی، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
 نظام فراگیر اسلامی، س ۶، ش ۱۴، ص ۱۴۷
 نظام فرهنگی، س ۷، ش ۱۷، ص ۶۳
 نظام‌های دموکراتیک غربی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۳۵
 نظام‌های دینی، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
 نفت، درآمدهای ارزی، س ۸، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۰۰
 نوجه‌های سیاسی، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۳۳
 نهج‌البلاغه، رعایت شان مردم، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳۶
 نهضت آزادی ایران، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴۶
 نهضت امام خمینی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴۶
 نهضت امام خمینی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۸۱
 نیروهای سیاسی، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۵۹
 نیروهای مذهبی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۹۷
 واحد فرهنگی، س ۷، ش ۱۷، ص ۶۳
 واسطه‌های سیاست‌گذاری، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۴۵
 وفا، س ۶، ش ۱۶، ص ۳۱۹
 ولایت فقیه، س ۷، ش ۲۰، ص ۵۵
 ولایت فقیه مردم سالاری دینی، س ۸، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۷۵
 ولایت فقیه، س ۶، ش ۱۶، ص ۱۴۵
 ولایت فقیه، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۹۶
 ولایت، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۴۵
 ولایت، س ۷، ش ۲۰، ص ۱۱۵
 هجرت، س ۶، ش ۱۶، ص ۲۷۵
 همدان، س ۶، ش ۱۵، ص ۱۰۹
 هیچارها، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۴
 هویت اجتماعی، س ۹، ش ۲۸، ص ۴۷
 نمایه‌ی مطالب
 گفتگوی علمی

اسلامی شدن دانشگاه‌ها، سیداحمد علم الهدی، س هفتم، ش هفدهم، ص ۲۱
 اسلامی شدن دانشگاه‌ها، جعفر بوالهری، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۱۳

- فرآیند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، غلامعلی حداد عادل، س ششم، ش پانزدهم، ص ۱۲
 قلمرو دین و اراده‌ی مردم، سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، س هفتم، ش بیستم، ص ۴۱
 مبانی و مبادی مردم سالاری دینی، محمدتقی مصباح یزدی، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۹
 مقالات علمی
- آسیب‌شناسی جامعه‌ی اسلامی در زمان امام حسین (ع)، علی نورآبادی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۴۱
- آموزش عالی و دانشگاه، حمیدرضا حسین شاهی، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۲
- آموزه‌های مذهب شیعه و اقتدار نظام سیاسی، غلامحسین مهدوی نژاد، س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۴۵
- ارزش و روش در حکومت اسلامی، اصغر افتخاری، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۷۳
- از موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها، حسین مقیسه، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۸۹
- اصول اخلاقی در تدریس دانشگاهی، مترجم حمید روان‌بخش، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۱۰۳
- اصول و راه کارهای تثبیت هویت فرهنگی در سایه...، سیدرحمت الله موسوی مقدم، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۰۲
- اقتدار سیاسی و پیوند آن با عزت و افتخار جامعه‌ی دینی، علی اکبر نورائی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۷۹
- امام خمینی و دانشگاه اسلامی در دوره‌ی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رحیم روحبخش، س ششم، ش پانزدهم، ص ۲۳
- انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، ناهید روشن نهاد، س هفتم، ش هفدهم، ص ۱۰۷
- بازخوانی راه‌بردهای دانشگاه اسلامی از نظر جنبش نرم‌افزاری، و محمدرضا مجیدی، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۷۳
- بحران در رهبری دینی نسل جوان، علی دژاکام، س ششم، ش چهارم، ص ۱۰۹
- برداشت‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی، علی دژاکام، س هفتم، ش هفدهم، ص ۴۹
- بررسی ضرورت، هویت، مولفه‌ها و استراتژی دانشگاه اسلامی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی، سیدرحمت الله موسوی مقدم، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۱۳
- پاره‌ای از عوامل کم رنگ شدن مبانی دینی در دانشگاه‌ها، س ششم، ش چهاردهم
- پروژه‌ی اسلامی شدن دانشگاه و راهکارهای آن، علی اکبرنوایی، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۴۵
- پیام مولوی، گوته و شیمیل برای جهان، آنه ماری شیمیل، ترجمه و تلخیص: شهرام نقی‌زاده انصاری، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۲۱۷
- تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز در آستانه‌ی نهضت امام خمینی (ره)، رحیم نیک‌بخت، س ششم، ش پانزدهم
- تحکیم سیاست مردم سالار، گوشه‌ای از کارنامه‌ی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، غلامرضا خواجه سروری، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۶۳
- تحلیل راهکارهای مصوب آموزش عالی برای تحقق فضای اسلامی دانشگاه‌ها، مجید کاشانی، س نهم، ش بیست و پنجم و بیست و ششم، ص ۱۳
- تحولات حوزه‌ی علمیه قم پس از انقلاب اسلامی، علی شیرخانی، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۱۰۹
- جامعه‌ی تعلیمات اسلامی پیش زمینه‌ی تأسیس دانشگاه اسلامی، حمید کرمی‌پور، س ششم، ش پانزدهم، ص ۵۷
- جایگاه رهبری در مردم سالاری دینی، بررسی مقایسه‌ای با دموکراسی غربی، مسعود اخوان کاظمی، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۱۳۵
- جنبش خرداد سال ۵۴ دانشگاه تبریز، رحیم نیک‌بخت میرکوهی، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۱۹۷
- خدمات متقابل دین و دموکراسی در ایران، غلامرضا خواجه سروری، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۶۹

- ۸۱ - درآمدی بر الگوهای مدیریتی امام حسین (ع)، نظرعلی کوشکی، س ششم، ش شانزدهم، ص
- درآمدی بر علوم انسانی اسلامی به عنوان مبنای تحقق وحدت فرهنگی، سیدحسین حسینی، س هفتم، ش هفدهم، ص ۶۳
- دموکراسی دینی و منتقدان آن، احمد واعظی، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۲۱۲
- راه کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، محمدمهدی بهداروند، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۵۹
- راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، بهرام اخوان کاظمی، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۲۱
- رویکرد دانشجویان به نهضت امام خمینی (ره)، رحیم روحبخش، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۱۴۵
- رویکردی به مردم سالاری دینی از زوایه نقد دموکراسی در ایران، بهرام اخوان کاظمی، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۳۷
- سه متفکر معاصر و دانشجویان، عبدالکاسم مجتبی زاده، س ششم، ش پانزدهم، ص ۱۲۹، ص ۱۱۳
- عاشورای حسینی تقابل اسلام علوی و سیاست جاهلی، رضا رستمی زاده، س ششم، ش شانزدهم، ص ۶۳
- عزت حسینی در فرهنگ عاشورا، سیدحسین ابراهیمیان، س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۶۷
- عزت حسینی، مهدی باباپور، س ششم، ش شانزدهم، ص ۹۹
- عشق پیشگان راستین در کرپلا، علی دژاکام، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۳۹
- فریبهی جان، عوامل موثر در تقویت ایمان و باورهای دینی دانشجویان، جواد هنروز، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۱۰۷
- فعالیت‌های فرهنگی، اردوهای دانشجویی، نقاط ضعف و قدرت در راستای اسلامی دانشگاه‌ها - ناکارآمدی - دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور، مجتبی عطارزاده، س نهم، ش بیست و پنجم و بیست و ششم، ص ۴۷
- قیام ۳۰ مهرماه ۱۳۵۷ دانش‌آموزان و دانشجویان همدان علیه رژیم شاه، ابوالفتح مومن، س ششم، ش پانزدهم، ص ۱۰۹
- قطره‌ای از دریا (سیری در اندیشه‌های امام خمینی درباره‌ی دانشگاه اسلامی)، علی اشرف عیوضی، س ششم، ش چهاردهم، ص ۱۳
- کاوشی در آموزش پزشکی اسلامی و نوین، هومن کاغذیان، س هفتم، ش هفدهم، ص ۱۲۵
- کسری اعتقاد سیاسی: ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم سالاری دینی، حسین هرسیج، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۲۳۹
- کارآمدی نظام و استلزامات مطالعاتی آن، مجید کاشانی، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۱۳
- کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی سیاست خارجی، محمدرضا دهشیری، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۳۱
- کاستی‌های اسلام گرایانه در متون درسی دانشگاهی، علی‌اکبر نوایی، س نهم، ش بیست و پنجم و بیست و ششم،
- محورهای راهبردی تعامل دین و دانشگاه در ایران در عصر رویارویی تمدن غرب با اسلام، سید رحمت‌ا... موسوی مقدم، س نهم، ش بیست و پنجم و ششم، ص ۸۱
- مدیریت اسلامی در آموزش عالی، الیاس طاهری، س ششم، ش چهاردهم، ص ۵۷
- مردم سالاری دینی پاسخی به مطالبات تاریخی ملت مسلمان ایران، محمدرضا مجیدی، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۹۵
- مردم سالاری دینی در ایران، بیمرها و امیدها، ابراهیم زرگر، س هفتم، ش بیستم، ص ۲۲۵
- مردم سالاری دینی و ساختار اجتماعی جامعه‌ی اسلامی امت، سید احمد علم الهدی، س هفتم، ش بیستم، ص ۵۳
- مردم سالاری دینی و سکولاریسم، علی لاریجانی، س هفتم، ش بیستم، ص ۱۱۳

- مردم سالاری دینی: به سوی يك گفتمان مسلط، محمدرضا تاجيك، س هفتم، ش بیستم، ص ۹۳
- مردم سالاری دینی: دموکراسی صالحان، محمدباقر خرمشاد، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۲۶۵
- مشروعیت حکومت و جایگاه مردم از منظر نهج البلاغه، محمد شفیعی فر، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۳۵
- مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی، حسین علی احمدی، س ششم، ش چهاردهم، ص ۲۳
- مقاصد و مبانی نظری قیام امام حسین (ع)، بهرام اخوان کاظمی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۳
- مقایسه‌ی نظام آموزشی حوزه و دانشگاه، اکرم حسین زاده - محمداحسان تقی زاده، س ششم، ش چهاردهم، ص ۸۳
- مؤلفه‌های عزت آفرین و افتخارزا، مرتضی اسماعیل زاده، س ششم، ش شانزدهم، ص ۱۲۳
- نظری بر اهداف تربیتی در دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره)، سیدحسین حسینی، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۸۵
- نقش جنبش دانشجویی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، علی‌اکبر قاسمی، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۸۷
- نقش دانشجویان دانشگاه تهران در نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، داوود قاسم پور، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۱۸۱
- نقش دانشجویان در اسلامی شدن دانشگاه‌ها، عین‌الله خادمی، س ششم، ش پانزدهم، ص ۷۹
- نقش دانشجویان در تحولات سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)، رضا دژاکام، س ششم، ش پانزدهم، ص ۴۷
- نگاهی به کارنامه‌ی نظام در حوزه‌ی توسعه‌ی فرهنگی کشور، محمدرضا مخبردزفولی، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۱۵۱
- نگاهی به يك دانشگاه اسلامی (دانشگاه الازهر مصر)، حسین سروقامت، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۱۲۷
- نگاهی کلی به رابطه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با دانشجویان در دوران مبارزه، عبدالکاسم مجتبی زاده، س هفتم، ش هفدهم، ص ۹۱
- نگرشی بر کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران، محمدرضا مرندی، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۱۰۰
- هفت منزل تا بهار کربلا، سیدحسن حسینی، س نهم، ش بیست و پنجم و بیست و ششم، ص ۱۴۳
- هویت دانشجویی، احمد جواد سلمان پور، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۴۷

تربیون دانشگاه

- انسان و خدا در دعای عرفه، اکبر اشرفی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۵۳
- بررسی اندیشه‌های شهید مدرس از منظر سیاست گذاری عمومی، حمیدرضا ملك محمدی، س هفتم، ش هفدهم، ص ۱۴۵
- بهره‌هایی از معارف سیاسی صحیفه‌ی سجادیه (نیایش مرزداران)، محمد صادق کوشکی، س ششم، ش چهاردهم، ص ۱۴۷
- تأثیر پذیری انقلاب اسلامی ایران از حادثه کربلا، رحیم روحبخش، س ششم، ش شانزدهم، ص ۳۳۵
- حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر روابط آمریکا و ایران، محمد شفیعی فر، س ششم، ش پانزدهم، ص ۱۶۷
- حقیقت غدیر، مرزبان کریمی سوزشجانی، س ششم، ش پانزدهم، ص ۱۴۵
- دو تعزیه، سیدحسن حسینی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۳۱۹
- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در صدر مشروطیت، غلامرضا خواجه سروی، س ششم، ش پانزدهم، ص ۲۰۹

- سامانه هویت اسلامی بازخوانی زیارت عاشورا، علامرضا خواجه سروی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۶۷
- شکل‌گیری نهادهای بنیادین در جمهوری اسلامی: رویارویی خشن سه نیروی غیرمذهبی با نیروی مذهبی، غلامرضا خواجه سروی، س هفتم، ش هفدهم، ص ۱۵۹
- فتح خون، سیدعلی سیدابوطالبی، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۷۵
- نگاه عرفانی مولانا به عاشورا، بخشعلی قنبری، س ششم، ش شانزدهم، ص ۲۹۳
- نگاهی کلی به غربشناسی شهید بهشتی، غلامرضا خواجه سروی، س ششم، ش چهاردهم، ص ۱۲۳

گزارش علمی

- بررسی آگاهی دانشجویان پزشکی دوره‌ی بالینی و اینترنتی علوم پزشکی کرمان، جواد حسین پور، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۳۳۱
- سنجش دیدگاه‌های دانشجویان دانشگاه‌های کشور نسبت به نماز، مرکز سنجش افکار دانشجویان، س نهم، ش بیست و هشتم، ص ۲۶۵
- گزارشی از کارنامه‌ی نظام در بخش‌زیست‌فناوری (بیوتکنولوژی)، علی محمدی، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۲۶۶
- گزارشی از کارنامه‌ی نظام در حوزه‌ی بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۲۱۵
- گزارشی از کارنامه‌ی نظام در حوزه‌ی صنعت و معدن، س هشتم، ش بیست و سوم و بیست و چهارم، ص ۱۷۹
- نقش دانشگاه در ارتقای فرهنگ دینی، محسن قمی، س ششم، ش چهاردهم، ص ۲۰۱
- سخنرانی علمی
- شکل‌گیری هندسه‌ی فرهنگی جامعه، چرا و چگونه؟ غلامعلی حداد عادل، س ششم، ش پانزدهم، ص ۲۸۱
- هم‌اندیشی
- فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش و پژوهش، سیدکاظم اکرمی - فرشاد روشن‌ضمیر احمد فهمی‌فر، س هفتم، ش هجدهم و نوزدهم، ص ۲۲۷
- میزگرد مجازی هم‌اندیشی، نسبت جامعه و سیاست با دانشگاه از منظر اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، تقی آزاد ارمکی - نجفقلی حبیبی - علی شیخ‌الاسلامی، س هفتم، ش بیستم
- میزگرد مجازی گفتگوی هم‌اندیشی (راهکارهای تحقق جنبش نرم‌افزاری و تولید علم از منظر اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها) احمد احمدی - عماد افروغ - حسین سلیمی، س هشتم، ش بیست و یکم و بیست و دوم، ص ۳۲۷
- میزگرد مجازی راهکارهای تحقق جنبش نرم‌افزاری و تولید علم از منظر هیات علمی دانشگاه‌ها، عمید زنجانی
- راه کارهای فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش و پرورش از منظر اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، محمد خوش‌چهره - جوادمنصوری - حمیدی زاده، س نهم، ش بیست و هفتم، ص ۱۱۹

سال دهم، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

سال دهم، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

both of which refer to the remarks of the Father of the Islamic ,guidance context and then those of the , (may his soul rest in peace) Imam Khomeini , Revolution and their , Ayatollah Seyyed Ali Khamenei , present Leader of the Islamic Revolution approach towards such a process.

this article has tried to analyze the Islamicization of universities , Nevertheless recognition- which are problem , in Iran based on the stages of decision-making, the theoretical bases for problem-finding and solution-finding, solution-recognition, setting , planning , choosing the ingredients of policy-making , decision-making

the budget and then the feedback and assessment of the executed policy.

Key Words

political context islamicization of universities
guidance context university lecturer student university management problem-
recognition solution-recognition decision-making execution and feedback policy
assessment text content educational system
"A Survey on Islamicization of Universities
in Iran"

Dr Karim Khan-Mohammadi :By

Abstract

There is no doubt that assessing the Islamicization of universities in Iran, especially after more than a quarter of a century since the victory of the Islamic Revolution and its cultural and political impacts.

This article adopts a political approach and intends to review the Islamicization of universities.

This is because the survey administers a multi-stage public policy-making paradigm the Islamicization of universities happens gradually through time and undergoes different stages.

the article gives a brief history of the Islamicization, For better comprehension part of which succinctly points to the Islamicization of science, of universities, as well as a brief history on the Islamicization of universities in Iran-after the Islamic Revolution.

Another point to ponder is that there are two contexts in the process of Islamicization: a political context and a would have an effective role in their assessment by students.

percent of lecturers reckon excellent interaction with students as an important 88,8 factor that would affect their score in their assessment by students.

percent of students believe interaction with lectures would affect their 80,2 assessment of lecturers.

scientific ideas and putting students in a contemplative mood is important. percent of students believe that lecturers should have intimate knowledge 97 of what they teach.

percent of lecturers reckon self-confidence as an effective and determining 91,2 factor in their assessment by students.

percent of students say the articulation and eloquence of lecturers are important 92,6.

percent of students believe that lecturers should be qualified and proficient 90,6 enough to author a comprehensive and precise test for them.

percent of lecturers believe that lecturers should be qualified and proficient 86,9 enough to author a comprehensive and precise test for students.

percent of students are of the opinion that punctuality in class attendance 79,8

- would have an effective role in their - according to the educational curriculum assessment of lecturers.

according to the -85 percent of lecturers say punctuality in class attendance administered in the form of a questionnaire using a- educational curriculum gauging attitudes or reactions towards a set of clear .i.e ,5-point Likert Scale

The scoring has been administered through the containment method .statements,

and the reliability of the questionnaire was 0.92 based on Cronbach's Alpha. The analysis was based on descriptive and inferential statistics and the results are as the following:

percent of lecturers believe all students are capable of assessing lecturers 71,3.
 percent of students believe lecturers should be assessed by the managing board. 76,9
 percent of lecturers say the managing board should be informed of the assessment results. 72,7
 percent of students say the managing board should be informed of the assessment results. 79,7
 percent of lecturers are of the view that assessment results should be a factor in pay increases. 78,7
 percent of students are of the view that assessment results should merely be used for revising teaching methodologies. 70,7
 percent of lecturers believe that introducing new "A Survey on the Views

of Lecturers & Students of Open University-District Shiraz and Zargan-on ,Marvdasht Assessment Lecturers by Students"

Reza Zaare'i :By

{P .District Marvdasht,1348 ,member of the Scientific Board of Open University . P}

Abstract

This survey takes a look at the views of both lecturers and students of Open on the assessment of lecturers ,Shiraz and Zargan ,Districts Marvdasht ,University made by students. The descriptive measurable method of research has been administered The statistical universe consists of 19791 students majoring .for the survey both full-time and part-time and ,and 944 lecturers ,in all fields of study The survey was conducted in the academic .both on scholarship or remuneration The sampling was made according .year 1383-84 according to the Iranian calendar based on which 160 lecturers and 1700 ,to the status of the students and lecturers The survey was society .students were picked out.

each of the ,first ;This article points to two conditions of Gnostic Management whose upbringing to ,members of the community has an independent and exclusive identity

lead a life of spiritual quest or Gnosticism should be vital for any manager, and that the manager should put himself in the place of the community member, Second, knowledge and .with full awareness of the logical method to manage a society acquisition of information on management should be taken into consideration.

In this article we hope to become familiar with the basic duties of a manager in a community-university society.

Key Words

management university society islamic community positive gnosticism leadership gnostic management lecturer student management duties gnostic management conditions duty experience specialty motivation and needs

"Gnostic Management and Leadership of University Society"

Shahram Ansari :By

Abstract

An Islamic University has all the features of a dynamic society and thereby managing such a university is actually akin to managing an Islamic community.

This article intends to analyze the style of management adopted for a society from a different perspective-the determining Gnostic Management and psychological motivation who are reckoned as students and lecturers that are engaged in scientific ,of people and human spheres.

The approach towards management in this article is beyond the ordinary perspective an issue that ,This article equates management to leadership .of management refers ,Allamah Muhammad-Taqi Ja'fari ,the late Islamic scholar and philosopher the aim of this article is the analysis ,Hence ."Positive Gnosticism" to as which ,of management and leadership under the influence of Positive Gnosticism stands opposite to management and leadership under the influence of typical and ordinary objectives that are prevalent in the Islamic University

Quarterly journal of the Iran
winter 2006-2007 & Autumn

No.31&32 ,Vol 10

Director in Charge

HABIB MOHAMMAD NEJAD

Chief Editor

Ph.D ,GOLAMREZA BEHROOZLAK.

Editorial Board

Ph.D ,A.EBRAHIMI.

Tehran Univ).Ph.D ,J.EJEI)

Bagerol Oloom Univ).Ph.D ,G.R.BEHROOZLAK)

Emamsadeg Univ).G.R.KHAJEHSARVI,Ph.D)

A.DEJAKAM

Tehran Univ).Ph.D ,H.ZAREIMATIN)

M.SADAT KIYAEI

Shahid Beheshti Univ) .Ph.D ,H.SAEEDI)

Tabatabae Univ) Ph.D ,R.SAEEDI)

Tehran Univ) .Ph.D ,SHEYKHOL ESLAMI .A)

Tehran Univ) .Ph.D ,SADRE .A.R)

Tehran Univ) .Ph.D ,A.F.GARAMALEKI)

Alzahra Univ) .Ph.D ,E.KALANTARI)

Tehran Univ) .Ph.D ,M.R.MAJIDI)

Emam Sadeg Univ) ,H.MOSTAFAVI)

Tehran Uni) .Ph.D ,M.MAAREF)

Promotions Coordinator

JAFAR MOHARRAMI

P.O.Box:13145/1819-Tehran

Islamic Republic of Iran
Tel&Fax,021-66498784

In the Name of Allah
Contents

Gnostic Management and Leadership of University Society .1
Shahram ansari15 :By...

Science of Production's Movement & The Lecturers Approachs About Soft Ware .2
Ph.D.37 ,Reza Nagibossadat :By...

Students of Open University-District Marvdasht & A Survey on the Views of Lecturers .3,
Shiraz and Zarqan-on Assessment Lecturers by Students"
Reza Zaare'i51 :By...

A Survey on Islamicization of Universities in Iran .4"
By:Dr Karim Khan-Mohammadi, Ph.D.81...

Quarterly of Islamic Universities Catalogue 125.5...
Abstracts 188...

بسمه تعالی
فراخوان مقاله

قابل توجه پژوهشگران دانشگاهی و حوزوی؛ نظر به این که فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی شماره‌ی
آتی خود را به موضوع «چیزیستی دانشگاه اسلامی» با محورهای موضوعی ذیل، اختصاص داده
است. علاقه‌مندان می‌توانند چکیده‌ی مقالات خود را تا تاریخ ۳۱/۲/۱۳۸۶ و اصل مقاله را تا
۳۱/۲/۸۶ حداکثر در ۲۰ صفحه A4 به دفتر نشریه ارسال نمایند.

محورهای پیشنهاد:

- ۱ - معناکاوی و مفهوم‌شناسی «دانشگاه اسلامی»
- ۲ - ماهیت دانش در دانشگاه اسلامی
- ۳ - مؤلفه‌ها و عناصر دانشگاه اسلامی
- ۴ - اهداف دانشگاه اسلامی
- ۵ - میانی دینی دانشگاه اسلامی در منابع اسلامی
- ۶ - مقتضیات و استلزامات دانشگاه اسلامی
- ۷ - پیشینه و جایگاه دانشگاه اسلامی
- ۸ - شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)
- ۹ - شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری
- ۱۰ - چیزیستی و شاخص‌های دانشگاه اسلامی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی معاصر
- ۱۱ - دانشگاه و مراکز علمی سنتی در جهان اسلام
- ۱۲ - مقایسه‌ی تطبیقی دانشگاه اسلامی و دانشگاه غیراسلامی
- ۱۳ - وظایف و کار ویژه‌های دانشگاه اسلامی در عصر حاضر
- ۱۴ - زمینه‌های تکوین دانشگاه اسلامی
- ۱۵ - نقش غرب در ایجاد تقابل بین مراکز علمی سنتی و جدید در جهان اسلام
- ۱۶ - نقش انقلاب اسلامی در احیای دانشگاه اسلامی

آدرس نشریه: تهران/خ انقلاب/بین خ قدس و وصال شیرازی،

ك اسكو/پ ۴۱ دفتر فصلنامه

تلفکس: ۶۶۴۹۸۷۸۴

بسمه تعالی
فراخوان مقاله

با توجه به این که فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی موضوع شماره‌ی بعدی خود را به «مهندسی فرهنگی و دانشگاه اسلامی» اختصاص داده است، از مقالات علاقه‌مندان و پژوهشگران دانشگاهی و حوزوی، حول محورهای ذیل استقبال می‌کند:

- ۱ - مفهوم‌شناسی مهندسی فرهنگی
 - ۲ - پیشینه و زمینه‌های مهندسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران
 - ۳ - نقش دانشگاه اسلامی در مهندسی فرهنگی
 - ۴ - نقش مهندسی فرهنگی در اسلامی‌سازی دانشگاه
 - ۵ - تحلیل نیازهای فرهنگی دانشگاه اسلامی
 - ۶ - مهندسی فرهنگی، نیروی انسانی و دانشگاه اسلامی
 - ۷ - ساختار آموزش عالی و مهندسی دانشگاه اسلامی
 - ۸ - پالایش سیاستها و قوانین فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران
 - ۹ - ظرفیت‌سنجی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: فرصت‌ها و تهدیدها
 - ۱۰ - مهندسی فرهنگی و جهانی شدن
 - ۱۱ - مهندسی راهکارهای نیل به جایگاه برتر فرهنگی ایران در منطقه
 - ۱۲ - بررسی تطبیقی ظرفیت‌های حوزه‌ودانشگاه در مهندسی فرهنگی کشور
- علاقه‌مندان می‌توانند چکیده‌ی مقالات خود را تا ۳۱/۳/۱۳۸۶ و اصل مقالات را تا ۳۱/۴/۱۳۸۶ حداکثر در ۲۰ صفحه‌ی A4 به آدرس نشریه ارسال نمایند.
- آدرس نشریه: تهران/خ انقلاب/بین خ قدس و وصال شیرازی،
ک اسکو/پ ۴۱ دفتر فصلنامه
تلفکس: ۶۶۴۹۸۷۸۴

راهنما:

دانشگاهیان، دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به دریافت فصلنامه «دانشگاه اسلامی» می‌توانند ضمن پرداخت حق اشتراك، اصل فیش بانکی را به همراه برگه‌ی درخواست اشتراك به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

- حق اشتراك یکساله (برای چهار شماره) به همراه هزینه پست عادی ۴۰۰۰۰ ریال است چنانکه مایلید مجله با پست سفارشی ارسال گردد مبلغ ۵۰۰۰ ریال به مبلغ یاد شده اضافه نمایید.
حق اشتراك را به شماره حساب سیبا ۲۱۷۲۳۴۸۰۱۷۰۰۲ نزد بانک ملی شعبه‌ی دانشگاه کد ۸۷ تهران به نام معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، واریز نمایید.
نشانی فصلنامه: تهران/خ انقلاب بین قدس و وصال/کوچه اسکو/پلاک ۴۱ دفتر فصلنامه. ص.پ. ۱۸۱۹/۱۳۱۴۵ معاونت آموزشی و پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.

Information

- researchers and scholars interested in receiving quarterly journal, Institutions of Islamic university can send the bank receipt of paid subscription fee to our address.

- Pay as subscription fee to checking account No 2172348017002siba melli Bank, Nahad Namayandegi", under the name of research assistance, Tehran university branch Rahbari DarDaneshgah-ha"

- Subscription fees:

RLs :Institutions ۸۵۰۰۰

RLs :(Mail expenditure included) Individuals ۴۲۰۰۰

RLs :(Express expenditure included) Individuals ۶۵۰۰۰

P.O.Box:13145-1819 Tehran-Iran

فصلنامه
دانشگاه اسلامی
فرم اشتراك

نام و نام خانوادگی ... میزان تحصیلات: ...
شغل: ... تاریخ آغاز اشتراك: ...
شماره‌های درخواستی از ... تا ...
نشانی: ...

...
کد پستی: ... ص پستی: ... تلفن: ...
پیام نگار: ... دورنگار: ...
شماره اشتراك: ...

First Name:

QUARTWELY JOURNAL
ISLAMIC UNIVERSITY

Sur Name:

Education:

Profession:

Address:

P.O.Box

:Postal Code

Fax

:Tel:

Mailing address

Email: